

موانع مقرراتی بازار سرمایه

در این تحلیل هدف این است که مشخص گردد کدام یک از مقررات، مانعی در راه گسترش و کارایی بازار سرمایه نوپای ایران است. سعی شده است برای جلوگیری از تداخل مباحث، از نیازهای مقرراتی بازار سرمایه در این مقاله بحثی به عمل نیاید، هر چند که بیان نقاط ضعف و قوت مقررات موجود به نوعی خلاء مقرراتی را مشخص کرده و نیازها را تذکر می دهد.

غلامرضا سلامی

رئیس شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران



قانون اساسی

اصل بیست و دوم
قانون اساسی بیان می دارد:
"حیثیت، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می کند."
و اصل چهل و ششم و اصل هفتاد و هفتم چنین مقرر می کند:
"اصل ۴۶- هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و..."

اصل ۴۷- مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است و ضوابط آن را قانون معین می کند."

با بررسی اصول فوق مشخص می شود که درآمد و مالکیت اشخاص اگر در تعارض با شرع انور و قانون نباشد محترم است. بنابراین این اصول نه تنها محدودیتی برای گسترش و کارایی بازار سرمایه نیستند، بلکه به دلیل اصل فرار گرفتن اخلاق

مقررات مرتبط با توسعه بازار سرمایه در ایران را می توان به سه گروه اصلی زیر تقسیم کرد:
● مقررات زمینه ساز بازار سرمایه؛
● مقررات خاص بازار سرمایه؛
● مقررات تاثیرگذار بر بازار سرمایه.

در این مقاله سعی شده است رئوس یا مشخصه های کلی هر یک از گروه های سه گانه تحلیل شود. در این

تحلیل هدف این است که مشخص گردد کدام یک از مقررات، مانعی در راه گسترش و کارایی بازار سرمایه نوپای ایران است. سعی شده است برای جلوگیری از تداخل مباحث، از نیازهای مقرراتی بازار سرمایه در این مقاله بحثی به عمل نیاید، هر چند که بیان نقاط ضعف و قوت مقررات موجود به نوعی خلاء مقرراتی را مشخص کرده و نیازها را تذکر می دهد.

مقررات زمینه ساز

مقررات زمینه ساز بازار سرمایه از نظر من شامل مقررات زیر است:
۱- اصول اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛
۲- فصول و موارد مربوط به مالکیت و معاملات در قانون مدنی؛
۳- قانون تجارت.

اسلامی، این اصول می‌تواند زمینه‌ساز بازار سرمایه‌ای سالم و امن قرار گیرند.

البته تا زمانی که بهره همان ربا تلقی شود، با توجه به آنکه بسیاری از ابزار بازار سرمایه با بهره سروکار دارد، گسترش بازار سرمایه مواجه با محدودیت خواهد بود. اوراق قرضه با بهره ثابت یا شناور، سهام ممتاز، اسناد بدهیها و سپرده‌های ثابت و اسناد تجاری بانکها، از این دسته از ابزار به شمار می‌روند.

همین ارتباط بین بهره و ربا را می‌توان بین ریسک و قمار مشاهده کرد و این موضوع در صورت تحقق می‌تواند محدودیتهای دیگری برای گسترش بازار سرمایه به وجود آورد. قراردادهای اختیاری مانند Option on Future Call & Put به دلیل آنکه شامل ریسک از دست دادن قسمتی از سرمایه در مقابل به دست آوردن منافع ناشی از ازدیاد قیمت، ممکن است با محدودیتهای شرعی مواجه شود. به همین لحاظ لازم است هر چه زودتر اقدامات کارشناسانه برای رفع هرگونه ابهام انجام شود.

اما یکی از اصول بحث‌انگیز قانون اساسی که توانسته محدودیتهای عملی برای گسترش و کارایی بازار سرمایه ایجاد کند، اصول چهل و سه و چهل و چهار قانون اساسی است.

اصل چهل و سوم خواستار جلوگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص و ممانعت از تبدیل دولت به یک کارفرمای بزرگ مطلق است.

به نظر نگارنده این اصل، به تمام معنی زمینه‌ساز بازار سرمایه و گسترش آن است، زیرا در بازار سرمایه است که امکان گسترش مالکیت به معنای واقعی وجود دارد و ضمن آنکه ثروت را بین تعداد نامحدودی سرمایه‌گذار کوچک و بزرگ تقسیم می‌کند، با امکان ایجاد شرکتهای بزرگ، دولت را از انجام این وظیفه معاف می‌دارد.

اصل چهل و چهارم نظام اقتصادی جمهوری اسلامی را به سه بخش دولتی،

تعاونی و خصوصی متکی می‌داند.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، بانکداری و بیمه است و بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است و قسمت آخر این اصل چنین مقرر می‌دارد:

”مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابقت باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی در کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.”

تفصیل ضوابط و قلمرو و بخش تعاون در قانون مصوب سال ۱۳۷۰ آمده است ولی هنوز تکلیف دو بخش اصلی، یعنی بخش خصوصی و دولتی به صورت قانونی روشن نشده است. ضمن آنکه جایگاه بخش عمومی که در اقتصاد و بازار سرمایه ایران بسیار حائز اهمیت است هنوز مشخص نیست. وقتی مشاهده می‌شود قسمت اعظم بازرگانی خارجی در مقابل دریافت سود بازرگانی به بخش خصوصی واگذار شده است و یا سهام صنایع بزرگی مانند کارخانجات نورد و لوله اهواز، ایران خودرو، صنایع مس باهنر، بعضی از کارخانجات پتروشیمی به بخش خصوصی واگذار شده است، ظاهراً مشکل را رفع شده می‌بینیم، ولی هنگامی که به استناد همین اصل، نوع محدودی از بانکداری در قالب موسسات مالی و اعتباری مورد ایراد قرار می‌گیرد ملاحظه می‌شود که هنوز ابهام وجود دارد.

بر همین اساس این اصل نیز مانند اصل چهل و سوم مانعی در راه گسترش مالکیت و توسعه بازار سرمایه نیست.

البته طرز فکر دیگری هم وجود دارد که به استناد این اصل مانع خصوصی‌سازی در

نتیجه گسترش بازار سرمایه می‌باشد.

به هر صورت تا قانون قاطعی برای حل این مسئله تصویب نشود، حداقل نگرشهای گوناگون می‌تواند از سرعت توسعه بازار سرمایه بکاهد.

قانون مدنی

قانون مدنی ما که عمدتاً از فقه جعفری اقتباس شده است، مانند قانون اساسی تنها محدودیت مالکیت و معاملات را مخالفت آنها با قوانین و شرع انور دانسته است.

مواد ۳۰ الی ۳۲ قانون مدنی مقرر می‌دارند: ”ماده ۳۰- هر مالکی نسبت به مایملک خود حق هرگونه تصرف و انتفاع را دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

ماده ۳۱- هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد مگر بحکم قانون.

ماده ۳۲- تمام ثمرات و متعلقات اموال منقوله و غیرمنقول که طبعاً یا در نتیجه عملی حاصل شده باشد بالتبع مال مالک اموال مزبور است.”

و اما در باب معاملات و قراردادهای علاوه بر ماده ۱۰ که چنین مقرر می‌دارد:

”قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.”

در قسمت دوم از کتاب دوم از ماده ۱۸۳ تا ماده ۸۰۷ قانون مدنی، انواع عقود، معاملات و الزامات به تفصیل، تفسیح شده است.

بنابراین تمام ابزار و معاملات رایج در بازارهای سرمایه دنیا به شرط آنکه مخالف شرع انور و قوانین ایران نباشد قابل اعمال در بازار سرمایه ایران است. حتی در حال حاضر قراردادهایی نظیر Option یا Future در جامعه ما در حال عملی شدن است، بدون آنکه در قوانین ما پیش‌بینی شده باشد.

مثلاً در معاملات املاک اگر خریدار حق داشته باشد مبیعه‌نامه را به شخص دیگری بفروشد در این صورت این مبیعه‌نامه برای خریدار حکم یک Call Option را پیدا

خواهد کرد. یا قراردادهایی که میدان‌دارها برای خرید میوه به صورت سلف با باغدار منعقد می‌کنند چنانچه خود قرارداد قابل واگذاری به غیر باشد، در این صورت حکم یک Future Contract را پیدا خواهد کرد.

قانون تجارت

آن قسمت از قانون تجارت که می‌تواند به عنوان مقررات زمینه‌ساز بازار سرمایه تلقی شود اصلاحیه قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ است که می‌توان آن را قانون شرکتهای سهامی نامید.

قانون اخیرالذکر در واقع نقطه عطفی در بازار سرمایه ایران به‌شمار می‌رود زیرا در این قانون:

اولاً- بازار اولیه در مورد سهام و اوراق قرضه قابل ایجاد است.

ثانیاً- مقررات نسبتاً جامعی برای تشکیل، نظارت و اداره شرکتهای سهامی به تصویب رسید و امنیت مناسبی برای سرمایه‌گذاران بخصوص سهامداران جزء بوجود آمد.

ثالثاً- نقل و انتقال سهام به غیر سهامداران شرکت تسهیل شد.

این قانون به‌طور هماهنگی با قانون مالیاتها و قانون بورس اوراق بهادار مصوب سال ۱۳۴۵ و سایر قوانین مصوب دهه ۴۰ امکان ایجاد و توسعه بازار سرمایه را بوجود آورد. با این همه این قانون دارای نقایص و نارساییهای زیادی به‌شرح زیر است که طی مدت ۳۲ سال که از تاریخ تدوین آن می‌گذرد هیچگاه مورد بازنگری جدی قرار نگرفته است.

این قانون شرکتهای را، حتی شرکت سهامی عام را تابع قرارداد خصوصی بین سهامداران آن دانسته و در صورت بروز تخلف و یا حتی جرائم عمومی فقط یکی از طرفین قرارداد قادر به طرح شکایت است. در حالی که حداقل در مورد شرکتهای سهامی عام مقررات باید بنحوی باشد که خاطیان احتمالی نگران نظارت عالی بر کار خود باشند. علاوه بر آن مقررات جزائی در این قانون

به نحوی است که هیچ شاکی بالقوه‌ای را تحریک به شکایت نمی‌کند.

عدم رعایت این قانون در بعضی موارد در جهت مثبت در شرکتهای پذیرفته شده در بورس به دلیل نبود شاکی خصوصی تاکنون هیچ واکنشی را برنیانگیخته است. از جمله:

● استفاده از مهر و امضا به‌جای امضا بر روی ورقه سهم؛

● نقل و انتقال سهام با نام بدون رعایت تشریفات ماده ۴۰ قانون تجارت؛

● فروش سهام باقی مانده از محل افزایش سرمایه از طریق بورس و پرداخت صرف سهام مربوط به صاحب سهم.

و البته موارد متعددی نقص قانون توسط مدیران شرکت که به دلیل نبود شاکی خصوصی روز به‌روز بر تعداد آن افزوده می‌شود. از جمله:

● پرداخت وام به مدیران؛

● انجام معاملات مشمول ماده ۱۲۹ بدون رعایت تشریفات قانونی؛

● تقسیم سود موهوم و انتقال زیانهای ناشی از کسر ذخایر مالیاتی به سهامداران بعدی.

ضعف عمده دیگر قانون شرکتهای سهامی عدم تاکید بر رعایت استانداردهای حسابداری در تنظیم حسابهای شرکت و رعایت استانداردهای حسابداری در رسیدگی به این حسابها و مرجع تدوین این استانداردهاست.

در این قانون مقررات ناظر بر تشکیل و اداره شرکتهای سرمایه‌گذاری پیش‌بینی نشده است.

مقررات خاص بازار سرمایه

قانون تاسیس بورس اوراق بهادار مصوب سال ۱۳۴۵ تنها قانون مربوط به بازار سرمایه ایران است و از آنجا که طبق بند ۱ ماده ۴ و ماده ۳۲ همین قانون تصویب آیین‌نامه‌ها، اساسنامه سازمان کارگزاران و سایر مقررات با شورای بورس است، از این رو به‌استثنای آیین‌نامه مربوط به خود شورای بورس که توسط وزارت

اقتصاد و وزارت دادگستری تهیه شده است، بقیه آیین‌نامه‌های موجود با تصویب شورای بورس به مرحله اجرا در آمده است. قانون بورس اوراق بهادار من‌حیث المجموع قانون بی‌نقصی است و برخلاف تصور تمام خصیصه‌های کمیسیون اوراق بهادار در شورای بورس متجلی است و نیازی به این کمیسیون وجود ندارد.

تنها ایرادات آن به شرح زیر است:

- عدم تفویض اختیار وضع تعرفه‌های حق‌الدرج و حق‌الثبت و سایر وصولیها به شورای بورس هر چند که این موضوع تا به حال مانع از آن نشده است که این شورا اقدام به تصویب این نرخها و وصول مبالغی از هر طرف معامله برای توسعه بورس نکند.

- پیش‌بینی موسسات مالی و اعتباری مورد تایید بانک مرکزی برای امور کارگزاری.

- اما مهمترین ضعف قانون، عدم پیش‌بینی سازمانی مستقل برای شورای بورس است.

طبق ماده ۷ آیین‌نامه چندخطی شورای بورس، سازمان تشکیلاتی این شورا فقط منحصر به یک دبیرخانه است که امور دفتری این شورا و همچنین امور دفتری هیئت پذیرش شامل بررسیهای مربوط به قبول یا رد اوراق بهادار شرکتهای متقاضی و نظارت یا حذف اوراق بهادار شرکتهای پذیرفته شده در بورس را انجام می‌دهد. طبق همین ماده هزینه این دبیرخانه توسط بانک مرکزی پرداخت می‌شود.

در نبود سازمان مستقلی برای شورای بورس و گرفتاریهای مشاغل گوناگون اعضای آن وظایف نظارتی و تدوین مقررات عملاً در اختیار سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار و دبیرخانه آن قرار دارد که خود سازمانی نظارت پذیر است.

از آنجا که اکثریت اعضای هیئت مدیره سازمان کارگزاران، از بین کارگزاران بانکها انتخاب می‌شوند و دبیرکل نیز از سوی

هیئت مدیره انتخاب می‌شود، و از طرف دیگر دبیرخانه شورای بورس و هیئت پذیرش طبق ماده ۷ آیین‌نامه شورای بورس عملاً تحت اداره بانک مرکزی است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بورس عملاً به یک اداره تابعه بانک مرکزی تبدیل شده است.

منطق حکم می‌کند بانک مرکزی که مسئولی بازار پول است، اداره امور بازار سرمایه را به عهده نداشته باشد، زیرا بازار پول و سرمایه، بخصوص در شرایط دولتی بودن بانکها عملاً رقیب یکدیگر هستند و با یکدیگر تضاد منافع دارند.

این وضعیت باعث شده است وظایف نظارت و تدوین مقررات بورس عملاً تعطیل یا به صورت بسیار نارسایی اجرا شود، از جمله موارد نارسایی را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد.

● عدم جوابگویی به درخواستهای بورس از سوی شرکتهای وابسته به نهادها و دستگاههای دولتی.

● عدم افشای به موقع و کامل اطلاعات.

● انتشار اطلاعات نادرست به صورت رسمی یا غیررسمی.

● عدم اصلاح سیستمهای حسابداری و رعایت کامل استانداردهای حسابداری.

● عدم استقرار سیستمهای حسابداری صنعتی.

● طولانی کردن صدور اوراق سهام ناشی از افزایش سرمایه.

● عدم رعایت حداکثر مهلت رد یا قبول شرکتهای متقاضی پذیرش در بورس.

● عدم گزینش کارگزار جدید.

● عدم عرضه سهام از سوی سهامداران عمده و استفاده از مزایای بورس با حداقل عرضه سهام.

● اعطای حق خرید سهام از سوی کارگزاران (موسسات) تا حد ۲۰ درصد معاملات سالانه.

● عدم تدوین آیین‌نامه‌های مربوط به تقلبات، تبانی‌ها، دستکاری قیمت‌ها و

استفاده از اطلاعات به مناسبت شغل.

● عدم تدوین آیین‌نامه مربوط به ایجاد نهادهای مکمل بورس.

● عدم تدوین آیین‌نامه معاملات از طریق سیستم مکانیزه.

● عدم تدوین استانداردهای گزارشگری و الزام شرکتهای به استفاده از آنها.

● عدم تهیه لوایح لازم برای اصلاح قانون مالیات و قانون تجارت در موارد عدم هماهنگی با بازار اوراق بهادار.

● عدم تدوین آیین‌نامه مربوط به چگونگی تشکل سهامداران جزء برای انتخاب مدیر.

مقررات تاثیرگذار بر بازار سرمایه

این بخش از مقررات نیز شامل مقررات زیر است:

● مقررات خصوصی سازی؛

● مقررات مالیاتی؛

● مقررات مربوط به کنترل تورم.

مقررات خصوصی سازی

تا قبل از تصویب قانون واگذاری سهام دولتی و متعلق به دولت به ایثارگران و کارگران مصوب مرداد ۱۳۷۳ و آیین‌نامه مربوطه، قسمتی از سهام دولت در شرکتهای در اجرای سیاستهای خصوصی سازی از طریق مذاکره، مزایده به بخش خصوصی منتقل شد، ولی قسمت دیگری نیز از طریق بورس مستقیماً به بانکها یا شرکتهای سرمایه‌گذاری متعلق به آنها و سهم کوچکی نیز به سرمایه‌گذاران جزء فروخته شد که همین قسمت اخیر رونق مجدد بازار سهام را پس از وقفه‌ای طولانی موجب گردید.

با توجه به شرایط اقتصادی دوران واگذاری (تبدیل نرخ ۷۰ ریالی دلار به ۱۷۵۰ ریالی) و عایدی سرمایه (Capital)

gain) قابل توجه استقبال عامه و شرکتهای سرمایه‌گذاری دولتی بسیار چشمگیر بود و همین موضوع باعث شد که تا سال ۱۳۷۴ قیمت بعضی از سهام عرضه شده تا دهها برابر بهای اولیه افزایش یابد.

با ناهنجاریهایی که در عرضه سهام از طریق مذاکره و مزایده یا واگذاری به مدیران بوجود آمد مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون واگذاری سهام دولتی به ایثارگران و... عملاً جلوی عرضه سهام دولتی که مهمترین منبع تغذیه سرمایه‌گذاران مشتاق بود در بورس گرفته شد و این موضوع مهمترین علت افزایش بی‌رویه و بی‌پشتوانه قیمت سهام موجود گردید که نهایتاً این صعود بی‌منطق منجر به سقوط شاخص از حدود ۲۳۰۰ به حدود ۱۵۰۰ در سال ۱۳۷۵ شد. متأسفانه روند خصوصی سازی و افراط و تفریطهای آن باعث شد تا بازار سهام ایران در مقایسه با بازارهای سهام کشورهای هم‌تراز عمق پیدا نکند، به نحوی که جمع ارزش جاری سهام در بورس تهران پس از سالها فعالیت چیزی در حدود ۵ میلیارد دلار و حجم معاملات در آن به مراتب کمتر از میزان فوق می‌باشد و به جز آن می‌توان گفت که هنوز نزدیک به ۸۰ درصد از این سهام و معاملات در اختیار موسسات دولتی یا عمومی است.

اگر در قانون و آیین‌نامه مربوط به جای فروش نسبه و یک‌جای سهام به شرکتهای سهامی یا تعاونی ایثارگران و... سرمایه لازم از طریق بانکها، در اختیار آنها قرار می‌گرفت تا آنها بتوانند در فرصت مناسب و با رقابت کافی در بورس مانند سرمایه‌گذاران و با شرایط واقعاً یکسان سهام عرضه شده دولتی را خریداری کنند و آن‌گاه وجوه پرداخت شده از طرف آنها صرف بازپرداخت بدهی بانکها می‌شد در آن صورت نه تنها این نوع خصوصی سازی توفیقی در روند رشد بازار سرمایه ایجاد نمی‌کرد بلکه به آن سرعت بیشتری نیز می‌داد.

مقررات مالیاتی

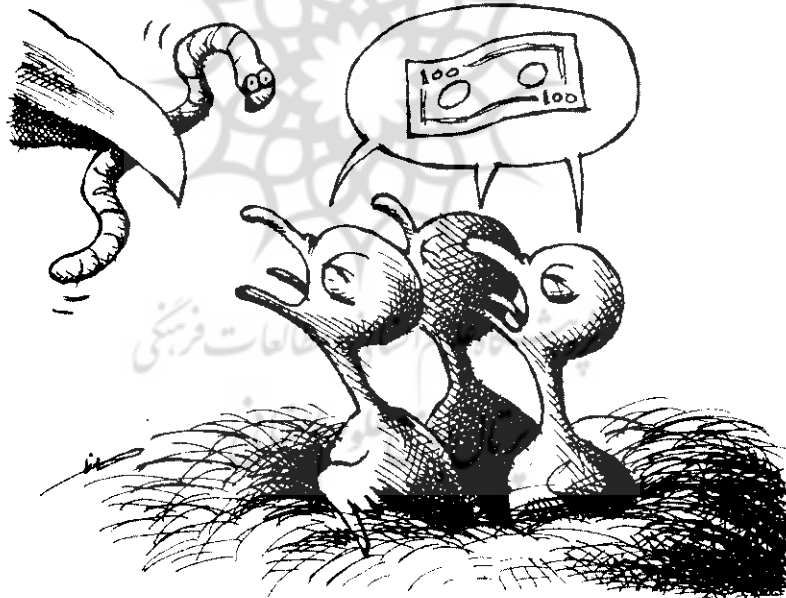
با این که در قانون مالیاتهای مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی به منظور حمایت از بازار سرمایه، نقل و انتقالات سهام مشمول مالیاتی اندک (نیم درصد)

بازار سرمایه راه حل بلندمدت کاهش ناهنجاریها

قسمت اول

بیکاری و تورم اگرچه با تمهیداتی در کشورهای توسعه یافته مهار شده ولی در گروه توسعه نیافته‌ها همچنان یک پدیده بحران‌ساز تلقی می‌شود، زیرا از یکسو نارساییهای ساختاری و از سوی دیگر مهاجرت‌های بی‌رویه و رشد جمعیت امکان برنامه‌ریزی دقیق را از سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان سلب می‌کند.

دکتر حسین کدخدائی



ارزیابی دقیق زمینه‌های ایجادکننده ناهنجاریها بستگی دارد. در این شناسایی، عوامل نهادینه و سیستماتیک از پدیده‌های غیرساختاری و مقطعی تفکیک، و ارائه مدل و نسخه مناسب برای رفع ناهنجاریها امکان‌پذیر می‌شود.

تورم و بیکاری، ناهنجاریهای چرخه اقتصاد

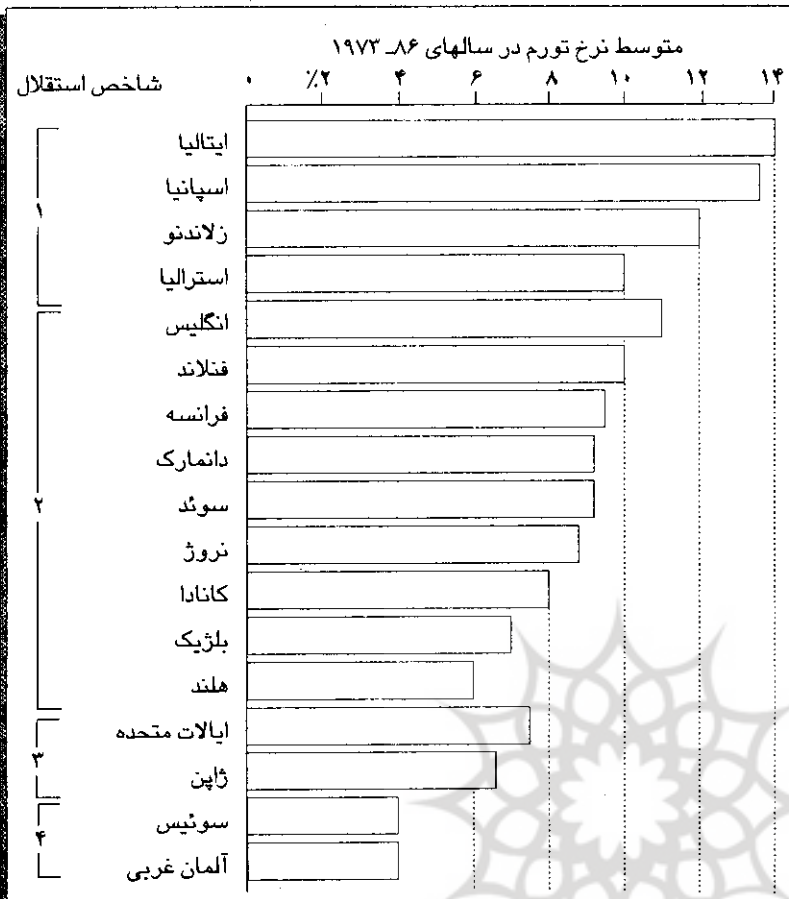
بیکاری در اشکال کم‌کاری، بیکاری پنهان و اشتغال کاذب، و تورم در چهره‌های متفاوت، معلول شرایط و زمینه‌های نامساعد اقتصاد هستند. رابطه این دو ناهنجاری، با نحوه تامین مالی اقتصاد کلان و بویژه جبران کسری بودجه انکارناپذیر نیست. تورم به تشدید کسری و استقراض منجر می‌شود و این مسئله در کشورهای در

مهاجرت‌های بی‌رویه و رشد جمعیت امکان برنامه‌ریزی دقیق را از سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان سلب می‌کند. این بحث که چگونه می‌توان به مقابله همزمان با این دو پدیده همت گماشت از مباحث اساسی اقتصاد امروز به‌شمار می‌آید. علاوه بر این، استفاده از سازوکارهای مناسب در پیشگیری و مقابله با ناهنجاریهای اقتصادی، به ریشه‌یابی و

دغدغه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی در چند دهه گذشته رو به فزونی گذاشته است. این نگرانی به‌طور عمده از توسعه ناهنجاریهای اقتصادی بویژه گسترش دامنه بیکاری و افزایش تورم بوجود آمده است. استفاده از سیستمهای رایانه‌ای و ربات‌ها از یکسو و افزایش قیمت عوامل تولید از قبیل

انرژی و بویژه نفت، تردید صاحب‌نظران اقتصادی در رشد روزافزون ناهنجاریهای اقتصادی را به یقین تبدیل کرده است. بیکاری و تورم اگرچه با تمهیداتی در کشورهای توسعه یافته مهار شده ولی در گروه توسعه نیافته‌ها همچنان یک پدیده بحران‌ساز تلقی می‌شود، زیرا از یکسو نارساییهای ساختاری و از سوی دیگر

نمودار ۱ و ۲- رابطه استقلال بانک مرکزی و نرخ تورم در کشورهای صنعتی



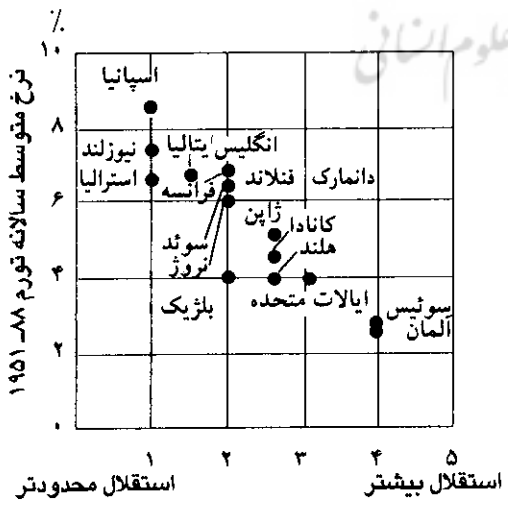
* درجه استقلال شماره (۱) کمترین حد استقلال و شماره (۴) بیشترین حد استقلال

حال توسعه از قبیل مکزیک و آرژانتین به وضوح مشاهده گردیده است، به صورتی که با افزایش نرخ بهره اسمی و به رغم ثبات نرخ بهره واقعی هزینه‌های دولتی و کسری بودجه با روند رو به رشد مواجه می‌شود. از سوی دیگر افزایش هزینه‌های اجتماعی به منظور مقابله با بیکاری، به تشدید کسری بودجه دامن می‌زند و در این حالت راه حل مناسب توسل به خصوصی سازی و ایجاد زمینه افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی است.

استقلال بانک مرکزی در این رابطه نقش موثری ایفا می‌کند. این پدیده کاهش و تثبیت تورم و توسعه اشتغال را تسهیل می‌کند (نمودارهای ۱- ۲ و ۳). بانک مرکزی در کشورهای آلمان، سوئیس، ژاپن، امریکا، هلند و بلژیک، با برخورداری از درجه استقلال بیشتر، به مهار تورم و و کاستن از نرخ بیکاری توفیق یافته‌اند و در مقابل کشورهای ایتالیا، اسپانیا، زلاندنو و استرالیا که در بانکداری مرکزی از استقلال نسبی پایینتری برخوردارند با نرخ بیکاری و تورم بیشتر روبه‌رو هستند. نقش این استقلال در گسترش حجم پول آشکار می‌شود. در واقع اخذ مالیات تورمی^۱ از سوی بخش دولتی که با نشر پول که به گسترش تورم می‌انجامد در مدار تصمیمات غیر بهینه اقتصادی و ناشی از عدم استقلال نسبی سیستم پولی محسوب می‌شود.

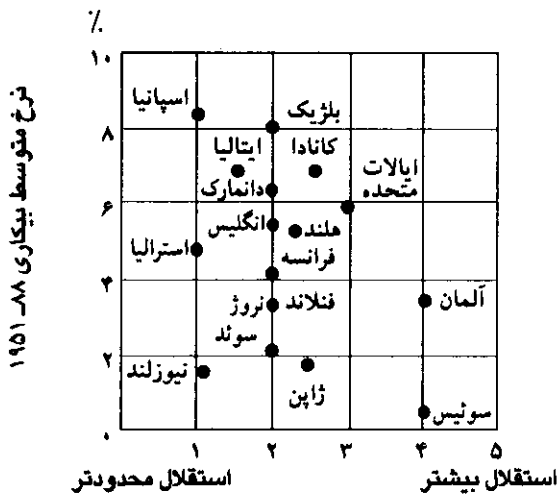
به رغم آثار منفی اجتناب‌ناپذیر تورم، برخی نظریه پردازان، سه منفعت برای استفاده از سیاستهای تورمی بیان می‌کنند. (۱) انتشار پول اضافی و بدون پشتوانه کافی؛ (۲) افزایش مالیات بردآمد شرکتها و افراد با ایجاد سرمایه صوری و کاغذی و بالا بردن درآمدها در گروه درآمدی بالاتر؛ (۳) کاهش میزان واقعی قرضه ملی، به علت اینکه نرخ بهره بخش عمده اوراق قرضه جبران کننده نرخ تورم نیست.

منشا تورم، صرف نظر از دیدگاهها و عوامل ایجاد می‌مختلف، بر پایه دو نظریه عمده استوار است. نظریه ساختارگرا^۲ و نظریه پولی^۳. نظریه ساختارگرا از سوی مجموعه‌ای از اقتصاددانان از قبیل سانکل



ماخذ: نازهای اقتصاد، خرداد ۱۳۷۰، ص ۳۳ و فروردین ۱۳۷۱، ص ۲۹

نمودار ۳- رابطه استقلال بانک مرکزی و بیکاری در کشورهای صنعتی



مأخذ: تازه‌های اقتصاد، فروردین ۱۳۷۱، ص ۲۹

لاتین، عثمان اکسوی (Aksoy, 1982) در مورد جنبه‌های ساختاری تورم ترکیه.

فریدمن به عنوان صاحب نظریه مکتب شیکاگو یا نظریه جدید مقداری پول، تقاضا برای پول را تابعی از درآمد دائمی و نرخ بازدهی انواع داراییهای جایگزین پول قلمداد می‌کند و چاره کار را در جلوگیری از افزایش سریعتر حجم پول نسبت به تولید می‌داند. با استفاده از نظریه فریدمن، هاگر (Hagger, 1977) یک الگوی پولی برای فرایند تورمی بیان کرد. بررسی تجربی تورم پولی نیز توسط تعدادی از اقتصاددانان انجام شده است از قبیل: آرنولد هاربرگر (Harberger, 1963) راجع به دینامیسم تورم در شیلی، دی‌ساز الجاندور (Alejandro, 1970) در خصوص فشارهای تورمی در آرژانتین، بیژن آق‌اولی و محسن خان (Aghevli & Khan, 1977) در مورد تورم در اندونزی.

براساس مطالعه کالوو و وگ (Calvo & Vegh, 1992) از میان اقتصاددانان صندوق بین‌المللی پول، با عنوان تاثیر سیاستهای متفاوت بر نرخ تورم، تورم مزمن و بیش از ده درصد در

ریچارد جکمن (R. Jackman) معتقد به تناسب تغییرات تورم با تغییرات حجم پول هستند.

تورم، علاوه بر دو دیدگاه پولی و ساختاری، از زمینه‌های دیگری نیز ناشی می‌شود. این دیدگاهها در جدول شماره ۱ منعکس است.

همانگونه که بیان شد، ساختارگرایان به خلاها و نارساییهای زیربنایی تاکید دارند. در همین رابطه نئوکینزین‌ها از قبیل تاین (Tobin, 1972) از توهم پولی در دنیای واقع سخن می‌گویند و تورم را تابع رفتار قیمتها در گذشته می‌دانند. پل ساموئلسن (Paul Samuelson) مشکل اساسی را در حالتی می‌داند که رکود تورمی وجود دارد، زیرا به نظری هر سیاستی که تورم را علاج کند خود زاینده بیکاری است و سیاستی که نرخ بیکاری را تخفیف دهد به تشدید تورم می‌انجامد (جدول شماره ۲).

بررسیهای تجربی تورم ساختاری، توسط برخی اقتصاددانان انجام شده است از قبیل مارتی مولر (Muller, 1965) در مورد تورم مکزیک، سوزان واچر (Watcher, 1974) در خصوص آمریکای

(Sunkel)، سی‌یز (Seers)، پریش (Prebisch) فورتادو (Furtado) در کشورهای امریکای لاتین مطرح گردید. براساس نظریه ساختارگرا، حفره خفقتانی تولید، کشش ناپذیری عرضه، زیرساختهای اقتصادی، کمبود نیروی کار ماهر و کارآفرینان منشا ایجاد تورم هستند.

در واقع براساس این دیدگاه، علت اصلی تورم را عدم تعادلهای اساسی در نظام اقتصادی تشکیل می‌دهد که رشد بی‌رویه عرضه پول بخشی از این عدم تعادل را ایجاد می‌کند. ناهنجاری تورم با افزایش ریسک سرمایه‌گذاری شرایط عدم اطمینان را تشدید می‌کند و انجام فعالیتهای سوداگرانه و اشتغال کاذب و تخصیص غیرکارایی منابع را رواج می‌دهد. در نظریه پولی تورم، عرضه رشد بی‌رویه قیمتها در بلندمدت یک پدیده پولی محسوب می‌شود و در دراز مدت رابطه بین رشد قیمت و رشد عرضه هماهنگ خواهد بود. از سوی دیگر این دیدگاه رشد پول را علت و رشد قیمت را معلول می‌داند. در دیدگاه مزبور تراز اسمی پول به صورت پدیده برونزا و کنترل‌پذیر از سوی مسئولان پولی تعیین می‌شود. جمله معروف فریدمن "تورم همیشه و همه جا یک پدیده پولی است" بیانگر بنیان نظریه پولی تورم است. مطابق چارچوب نظری مکتب پولی، بخش خصوصی ذاتاً پایدار است و آشفستگی و اختلال آن به شکل خودکار سطح تعادل اشتغال و نرخ طبیعی بیکاری را به دنبال دارد. برطبق این نظریه افزایش در عرضه پول نرخ رشد حقیقی اقتصاد و بیکاری را متاثر می‌سازد. به بیان ساده‌تر یک رابطه مستقیم و مناسب بین رشد پول و تورم وجود دارد. مکتب پولی مدافع قواعد بلندمدت و اهداف از پیش تعیین شده^۴ است. دیدگاههای ناشی از مکتب پولی به انواع تورم از قبیل تورم غیرمنتظره^۵ و نرخ تورم واقعی^۶ اشاره دارند. در مجموعه دیدگاههای پولی، ایروینگ فیشر (Irving Fisher, 1920) با تاکید بر نقش سرعت گردش پول^۷ در تغییر قدرت خرید پول، و

جدول شماره ۱- نظریه‌های مبتنی بر عوامل ایجادکننده تورم

ردیف	نظریه	صاحب نظریه	منشا تورم	روش مهار تورم
۱	نظریه فشار تقاضا	Keynes.J.M	کمبود عرضه در مقابل تقاضا	● کاهش هزینه دولت - افزایش سطح مالیاتها ● سیاست مالی مبتنی بر راهبرد تنظیم و تحدید تقاضا ● تحدید دستمزدها و قیمت‌ها - سیاست درآمدی
۲	نظریه فشار هزینه (Cost-push)	Means Gardiner	افزایش هزینه‌های تولید دستمزدها مواد اولیه	● مجموعه از مقررات در زمینه دستمزد، قیمت، سود ● مجموعه‌ای از مجازات‌ها و جریمه‌ها ● یک دستگاه ناظر ● سیاست‌های درآمدی و قیمتی
۳	نظریه ساختاری Structuralism	Foxley.A. Struther, J. Marcelo Diamond Crunwald, J. Sunkel, O. Wachter, S. Maynard, G. Kaldor, N. Prebisch, R. Clunies Ross, A. Kirkpatrick Dietz & street	تنگناهای اقتصادی Bottleneck فرآیند رشد: تحرک ناپذیری منابع تولید رابطه ضعیف (جدایی) بازارها شکاف عرضه و تقاضا کشش ناپذیری عرضه کمبود ارز چسبندگی ساختار درآمد مالیاتی و مخارج دولت ناتوانی در رشد پس‌اندازها کمبود امکانات حمل و نقل کمبود تسهیلات اعتباری	● برطرف سازی حفره‌های خفقتانی در بخشهای کشاورزی - تجارت خارجی و بخش عمومی ● سیاست‌های پولی و مالی انقباضی
۴	نظریه پولی (Monetarism)	Friedman, M. Hagger	افزایش حجم و سرعت گردش پول	● سیاست پولی انقباضی ● افزایش قانونمند و با ثبات عرضه پول با نرخ برابر یا اندکی بیش از رشد متوسط تولید
۵	نظریه انتظارات - روانی	Muth, J.	انتظارات ذهنی (عقلایی) امیدهای ریاضی شرطی	● گسترش شفافیت اطلاعاتی ● تغییرات عمیق در عملکرد اقتصادی

جدول شماره ۲- تنگناهای منشا تورم در دیدگاه ساختارگرایان

بخشهای مواجه با حفره خفقتانی	زمینه‌های مشخص تنگناها
بخش کشاورزی	● فرایند صنعتی شدن و مهاجرت از بخش کشاورزی - کاهش ظرفیت اشتغال در بخش کشاورزی ● عدم امکان افزایش متناسب محصولات کشاورزی در پاسخ به تقاضای فزاینده ● چسبندگی تولید مواد غذایی و محصولات کشاورزی کشش ناپذیر بودن عرضه ● ویژگیهای ذاتی ساختار اقتصادی و نهادهای بخش کشاورزی، اجاره‌داری زمینی (امریکای لاتین) ● وجود سیستمهای حمایتی در بخش صنعتی و عدم توجه کافی به بخش کشاورزی
بخش تجارت خارجی	● ناتوانی در واردات کالاهای مورد لزوم برای توسعه ● آثار متفاوت فناوری پیشرفته در تولید کالاهای تجاری ● تفاوت در کشش تقاضا برای مواد اولیه و کالاهای صنعتی ● کاربرد استراتژی جان‌شینی واردات باهدف تولید داخلی و تقلیل کسری تراز پرداختها
بخش عمومی	● کشش ناپذیری سیستم مالیاتی و افزایش کسر بودجه در فرآیند توسعه ● سرمایه‌گذاری اندک بخش خصوصی و تمرکز بر خرید و فروش زمین، داراییهای فیزیکی، سپرده‌گذار پهای خارجی ● خلق پول - استقرار از بانک مرکزی به دلیل عدم کارایی سیستم مالیاتی ● ناکافی بودن تسهیلات زیربنایی، راه‌آهن، بندر، عرضه آب، نیرو...

حسابداری منابع انسانی، تجویزی^۱ یا توصیفی^۲؟

در تکوین علوم همواره دو نوع جنبش منظم به چشم می خورد، جنبشهای منظم زیربنایی که از تحقیقات نظری و فلسفی بشر الهام می گیرد و جنبشهای تکمیلی که از تحقیقات تجربی و آماری مایه می گیرد.

تقدیم به استاد بزرگوار مرحوم دکتر منوچهر کیا
دکتر زهرا(زهرة) حسن قربان

و اصول پردازد و از این رهگذر همیشه مقام والای راه‌نمایی و روشنگری را برای خود محفوظ نگهدارد و مایه مباهات بشر در عالم وجود شود. در مقابل جنبه‌های عینی و پژوهشی، اخیراً به اصرار اهل عمل مورد تاکید بیشتر دانشمندان قرار گرفته است و واقعیات را مورد توجه



مسائل نظری و پژوهشهای بنیادی
مسائل نظری، انگیزه پژوهشهای بنیادی است و در نهایت ساخت نظری رشته‌های علمی را پی می‌نهد. از آن جهت که ممکن است تصور شود که تحقیقات کاربردی، ماهیتاً کاری عملی و پژوهشهای بنیادی ماهیتاً غیرعملی است،

و توصیف قرار داده است. بنابراین در تکوین علوم همواره دو نوع جنبش منظم به چشم می خورد، جنبشهای منظم زیربنایی که از تحقیقات نظری و فلسفی بشر الهام می گیرد و سعی بر آن دارد که هر چه بیشتر با دنیای آرمانی که در فکر و ذهن سلیم بشر تصویر می شود محسوس و

و توسعه بالقوه علوم را فراهم آورده است. در حالی که، جنبه عینی یا پژوهشی، تلاش را بر پایه ماهیت اعمال و به کاربری بالفعل علوم گذاشته است. جنبه‌های ذهنی یا نظری علوم سعی داشته است که، در جولانگه بی‌انتهای ذهنیات و تفکر سیستماتیک (همست‌دار) بشر به کشف و تجویز حقایق

باید به بیان نکاتی در این تصور باطل پرداخت.

علوم قدیم و جدید همواره در دو جهت نظری و عملی یا به دیگر سخن ذهنی و عینی در حال تکوین و در عین حال لازم و ملزوم یکدیگر بوده است. جنبه‌های نظری یا ذهنی همواره امکانات هر چه بیشتر بسط

نزدیک گردد و مقام والای انسانیت را محسوس و محرز کند، از سوی دیگر، جنبشهای تکمیلی که از تحقیقات تجربی و آماری مایه می‌گیرد، سعی بر آن دارد که تا حد امکان از چهره واقعیات و مستثنیات زندگی و به‌طور کلی عالم هستی غبار ابهام بزداید و آنها را بیش از پیش مفید و قابل استفاده سازد.

در این رهگذر نقش و اهمیت تئوری و یافته‌های علمی را از یک سو، و پژوهش عملی را از سوی دیگر نمی‌توان نادیده گرفت. هرچه تئوری قالب منظمی را برای تلاش موثر بشر در پژوهشهای عملی فراهم می‌آورد و بدان جهت و هدف مشخص می‌بخشد و از کشمکشهای فکری و علمی جلوگیری می‌کند، پژوهش عملی نیز سعی دارد که در چارچوب نظری ابزار موثری در اختیار بشر بگذارد که با ایجاد روابط علت و معلول بین حقایق و وقایع، بین اصول و مستثنیات، بین ذهنیت و عینیت، بین نظریه و عمل، بین افکار و رفتار، شکاف و بیگانگی را تا حد امکان تقلیل دهد و اثربخشی آنها را برای بشر فزونی بخشد^(۱).

تجویز در مقابل توصیف^۲

حقیقت و واقعیت^۴ مواد خام و متغیرهای اصلی هر نوع پژوهش علمی است و این دو را باید واژه‌های کلیدی برای کلیه تعابیر و اصطلاحات علمی و پژوهشی به حساب آورد. زیرا، مراکز اصلی تلاش فکری و سیستماتیک (همست‌دار) بشر را حقیقت‌پردازی و واقع‌نگاری تشکیل می‌دهد. بنابراین، بر مبنای این دو واژه برخی تعابیر مورد بحث قرار می‌گیرد.

حقیقت‌پردازی را می‌توان به ایجاد و تجویز روابط و تجویز روابط منطقی، عقلانی و ایده‌آل بین پدیده‌ها یا مفاهیم شارح پدیده تعبیر کرد و در مقابل

واقع‌نگاری تلاشی است که بشر برای توصیف خود پدیده‌ها و یا رویدادهایی که وجودشان حادث و بر بشر ثابت شده است، به کار می‌برد. بنابراین، حقیقت‌پردازی جنبه ذهنی و تجویزی دارد در حالی که، واقع‌نگاری از جنبه عینی و توصیفی برخوردار است. این دو واژه در عین حال که با هم تفاوت کلی دارند، مکمل و لازم و ملزوم یکدیگرند؛ زیرا هر کدام از آنها به تنهایی دارای محدودیتهایی است که باید با مقدرات دیگر جبران گردد. بدین معنی که حقیقت‌پردازی در عین حال که راهنما و روشنگر دنیای ایده‌آل بشر است، این محدودیت را نیز دارد که ممکن است به علت عدم تناسب با محیط واقعی نتواند در عمل و دنیای واقعی حادث گردد؛ از این رو بعید نیست که حقیقتی همچنان در عالم ذهن و تفکر سلیم و منطقی بشر باقی و از دسترس عملی او در دنیای واقعی دور بماند. واقع‌نگاری نیز ضمن آن که شاهد و توصیف‌کننده رویدادها و پدیده‌های حادث شده و در دسترس بشر است، دارای این محدودیت است که همیشه بر جنبه‌های مثبت و مفید دلالت ندارد بلکه، جنبه‌های منفی و غیرمفید یک واقعه یا پدیده را نیز متشابهاً بازگو می‌کند. بنابراین، همانقدر که حقیقت‌پردازی نیاز به واقع‌نگاری هم زمان دارد تا در دنیای واقع برای بشر قابل استفاده باشد، همین قدر نیز واقع‌نگاری محتاج به تجزیه و تحلیل منطقی یا به بیان دیگر حقیقت‌پردازی هم‌زمان است تا جنبه‌های صواب و ناصواب وقایع و پدیده‌ها را از هم تفکیک کند و مناسبترین راه را در انتهای کار تجویز نماید. برای مثال، یکی از مباحث مهم در سازمان و مدیریت مسئله تقسیم کار است.

گروهی از دانشمندان مدیریت به پیروی از آدام اسمیت (Adam Smith) اقتصاددان

کلاسیک که درباره تقسیم کار حقیقت‌پردازی و اصلی بنام تقسیم کار را به میان آورده، اظهار داشته است که سازمانی کارآمد است که کارهای خود را بر مبنای موازین مختلف نظیر تخصص، هدف، ارباب رجوع، منطقه جغرافیایی و غیره تقسیم کند، در مقابل دانشمندان اخیر نظیر سلزنیک (Selznick) و یا محققان دانشگاه هاروارد به نام لاورنس و لارش (Lawrence & Lorsh) و بسیاری دیگر واقعیت تقسیم کار را این طور ترسیم و توصیف می‌کنند که اطلاعات تجربی در عمل شاهد آن است که، همواره تقسیم کار، تخصصی کردن کارها، تفویض اختیار، تضادها و ناهماهنگیهای را به وجود آورده تا آن حد که اغلب موجب جا به جا شدن هدف و وسیله در سازمان می‌گردد و نتایج پیش‌بینی نشده غیرمفیدی را به دنبال نتایج مفیدی که قبلاً پیش‌بینی شده بودند، به بار خواهد آورد. بنابراین، هر عملی به همانقدر حقیقت‌پردازی نیازمند واقع‌نگاری نیز هست. یکی از وجوه اختلاف تحقیقات و تلاشهای علمی بشر با یکدیگر در آن است که گروهی تاکید و توجه خود را روی تجویز و حقیقت‌پردازی متمرکز می‌کنند و با بیان اصول، یک مدینه فاضله و ایده‌آل را تجویز می‌کنند، گروهی دیگر به واقع‌نگاری مشغولند که از فواید بالقوه و تجویز و ایده‌آل‌نگاری به دور می‌مانند. برای مثال، دانشمندان مکاتب علم مدیریت و روابط انسانی در مدیریت بیشتر تکیه و تاکید خود را روی تجویز و حقیقت‌پردازی متمرکز ساخته و کمتر توجه به این مسئله داشته‌اند که اصول، فرمولها (رابطه‌ها) و تکنیکهای تجویزی آنها ممکن است در شرایط و موقعیتی قابل اعمال و در شرایط و موقعیتی دیگر غیرقابل اعمال باشد^(۱).

دانش و تحقیق مدیریت به شکل حل شده‌ای به یکدیگر مرتبط هستند. داسان کریس (Dawson, Chris) معتقد است^(۱) هر موضوعی که به این فعالیتها مربوط است، می‌تواند تاثیری ژرف بر نحوه تفکر و اقدامات مدیران داشته باشد. در تحقیقات مدیریت موضوع اصلی پیشرفت دانش مدیریت است در حالی که، هدف دانش این رشته گسترش و اشاعه آن است. کسب دانش مدیریت توسط دانشجویان مدیریت ناشی از تحقیقاتی است که، ممکن است انتظار رود رفتار آنان را تحت تاثیر قرار دهد. دانش مدیریت رفتار محققان را به جهت ایجاد زمینه‌ای جدید به منظور کاوش تغییر می‌دهد و این روند ادامه دارد.

همان‌طور که، ایستربای اسمیت (Easterby Smith) و همکارانش اشاره می‌کنند^(۲)، دو نظریه اصلی در تحقیق مدیریت وجود دارد:

(۱) نگرش پدیدارشناسی^۵،

(۲) نگرش اثبات‌گرایی^۶ (تحصل‌گرایی).

محققان با توجه به این دو نگرش سنتی با روشهای مختلف خود سعی دارند دانش و آگاهی ما را نسبت به مسایل مدیریت افزایش دهند. بسیاری از نویسندگان و از آن جمله بارل (Burrell) و مورگان (Morgan) که کار موثر آنان تشخیص تفاوت این واژه‌ها در میان سایر نگرشها نظیر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی بوده است، به این موضوع توجه کرده‌اند. در حالی که، این دو نگرش سنتی در امتداد بعد ذهنی - عینی یا این زنجیره رتبه‌بندی می‌شوند، در پایان عینیت این زنجیره، اثبات‌گرایی وجود دارند که در جستجوی کشف و تشخیص قوانین و مقرراتی برای رفتار قابل مشاهده هستند که می‌توانند با فرضیات، آزمون‌پذیر شوند.

به‌عنوان یک نتیجه‌گیری برای اثبات‌گرایان، حداقل ساختار دانش که محققان تلاش در گسترش آن دارند، در شکل الگوها و نظریه‌های مدیریت بیان می‌گردد. در هر لحظه از زمان چنین الگوها و نظریه‌هایی باید بهترین تلاشها و کوششهای جاری را به منظور تعمیم توصیف رفتار مدیریت ارائه کنند. الگوها و نظریه‌های اثبات‌گرایان سعی دارند آنچه را که در دنیا به وسیله تشخیص نظم، قاعده و ترتیب و روابط علی در میان متغیرها اتفاق می‌افتد، توضیح دهند و این تعجب‌آور نیست. به هر ترتیب، یک آزمون مشترک برای اعتبار چنین نظریه‌هایی با در نظر گرفتن قابلیت پیش‌بینی و تواناییهای آنها وجود دارد. در جایی که، اثبات‌گرایان سعی در سازگاری نگرش عینی دارند، پدیدارشناسان معتقدند که این امر غیرممکن است و ترجیحاً، علوم اجتماعی را به‌عنوان یک اقدام مهم ذهنی (درونی - فردی) در نظر می‌گیرند.

اثبات‌گرایان خود را به مثابه توصیف‌کنندگان پدیده‌ها می‌بینند در حالی که، بیشترین قوانین را درباره پدیده‌ها چگونه باید باشند، مطرح می‌کنند یا آن که، آنها را تجویز می‌کنند. همچنین، آنان به نگرش تجویزی به‌عنوان یک نگرش هنجاری توجه می‌کنند.

رابطه بین نگرشهای تجویزی و توصیفی در مطالعات مدیریت

در حقیقت، فرق روشنی بین نگرشهای تجویزی و توصیفی وجود دارد. در حالی که، آخرین قضاوت و ارزیابی درباره نگرشهای پیشگفته به‌طور موقت کنار گذاشته می‌شود، قضاوت و ارزیابی پیشین نه تنها کنار گذاشته نمی‌شود بلکه، بهترین اقدام برای پیشبرد آن است. دلایل محققان و مدیران برای جستجوی نگرش تجویزی و

اساس کار آنان برای انتخاب یک نگرش تجویزی خاص ممکن است بسیار زیاد و گوناگون باشد. در حقیقت می‌توان بحث کرد که، پیش‌بینی تجویزها در حوزه مشاور مدیریت نسبت به محقق مدیریت مناسب‌تر است. در بیشتر موارد اعتقاد بر این است که وقتی مدیران مشاوران خاصی را در سازمانها انتخاب می‌کنند، این انتخابها تحت تاثیر گزیده تجویزهای آنان قرار دارد. این بدان معنی نیست که مشاوران مدیریت متعهد به انجام تحقیق نیستند یا آن که محققان دانشگاهی نمی‌توانند خدمات مفید مشورتی ارائه کنند بلکه، نقشهای متفاوت تا آن حد که ممکن است باید به روشنی مجزاگردند.

به هر ترتیب، موقعیتهای و شرایطی وجود دارد که در آن روابط درونی بین نگرشهای تجویزی و توصیفی کاملاً روشن نیست. برای مثال، فرض می‌شود یک بخش از تحقیق غیرهنجاری توصیفی در سطح وسیعی در سازمانها تعهد می‌شود. در جریان تحقیق، روابط بین رفتار مدیریت و سایر ویژگیها شامل عملکرد کلی سازمانی مشخص می‌گردد. در نتیجه، در میان سایر پدیده‌ها امکان شناسایی همکاری بین رفتار مدیریت و عملکرد کلی سازمان در مقابل ضوابط و معیارهای خاص میسر می‌گردد. اگرچه، در تمامی احتمالات، این روابط کاملاً پیچیده خواهد بود. زمانی که، پیچیدگی روابط میان متغیرها و محدودیتهایی که ممکن است به‌طور منطقی برای تفسیر و تعبیر این روابط به کار رود، در مجلات دانشگاهی ارائه می‌شود برای مثال، از طریق ملاحظات روش شناسی در کمال مطلوب به‌طور کامل معرفی می‌گردد. خوانندگان چنین مجلاتی ممکن است خود محققانی باشند که، احتمالاً به روش شناسی و موضوعهای

حسابرسی در عصر دانش و اطلاعات

آینده‌ای که امروز آن را پیش‌بینی و ترسیم می‌کنیم، اجتناب‌ناپذیر است اگر بدانیم که می‌خواهیم چگونه باشد، می‌توانیم بر آن تاثیر بگذاریم در روزگار تغییر مداوم و سریع که حتی مقوله تغییر هم دچار تغییر می‌شود ما می‌توانیم و باید که مسئول سرنوشت خویش باشیم.

غلامحسین دوانی

عضو شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران

ترکیب می‌کند. این تکنولوژی به جای حرکتی آرام و خزانده به آینده می‌جهد. نگاهی به فعالیتهای مغز انسان و کامپیوتر مشخصه‌های اصلی و تفاوت‌های این جهش را نمایش می‌دهد (نمودار ۴ و ۵).

گفته می‌شود اگر صنعت اتومبیل‌سازی با همان شکل سرعتی پیشرفت کرده بود که ظرفیت پردازش کامپیوتر پیشرفت می‌کند، اکنون شاهد ساخت یک اتومبیل رولزرویس بودیم که در هر چهار صد مایل یک گالن بنزین مصرف می‌کرد و یک دلار قیمت داشت. تکنولوژی زیستی رشته کاملاً جدیدی است که براث DNA یعنی رمز ژنتیکی موجود در کانون حیات شکل گرفته است. طول عمر تکنولوژی زیستی به عنوان یک صنعت و یک علم فقط یک نسل است. تکنولوژی اطلاعات و تکنولوژی زیستی چنان با سرعت پیشرفت کرده‌اند که نتایج حاصل از آنها در حال حاضر غیرقابل پیش‌بینی است. سیر تطور سرمایه‌داری و انفورماتیک موج جهانی شدن را به همراه داشته که جهانی شدن اقتصاد زیر بنا و مفاهیم اساسی بسیاری یافته‌های بشری را دچار تغییر و تحول اساسی ساخته است. به طوری که مشخصه‌های جهانی شدن در ابعاد اقتصاد، سیاست و فرهنگ امروزه به یک باور عمومی تبدیل شده است. (نمودار ۳)

می‌دهند در حالی که انسان غیرمعقول جهان را بر خود منطبق می‌کند.

تغییر اگر تحمیل شود فاجعه بار می‌آورد اما اگر به استقبال آن روند می‌توانند بر امواج آن سوار شوند و فرصتهای جدید را به چنگ آورند قبل از آنکه برایمان فکر کنند خودمان فکر کنیم. با این مفروضات می‌توان به طور کلی مختصات و مشخصات قرن بیستم و هزاره سوم را به شکل نمودارهای ۱ و ۲ نمایش داد.

تغییر تدریجی، ناگهان به تغییر ناپیوسته تبدیل می‌شود که آنرا در ریاضیات نظریه فاجعه‌ها می‌نامند. این نظریه در ریاضیات به بررسی منحنی‌های ناپیوسته در پس‌پس‌پس‌های مشاهده شده می‌پردازد. نمودارهایی که بصورت حلقه در می‌آیند با شبیهی تند نزول می‌کنند یا به صفحه‌های نامعلوم می‌روند.

از طرف دیگر ترکیب تکنولوژی و اقتصاد در اواخر قرن بیستم و هزاره قرن سوم آینده‌ای نیرومند پدید می‌آورند زیرا: تکنولوژی اطلاعات (IT)، تکنولوژی زیستی و اقتصاد تغییر یابنده، جهان را به یک مکان متفاوت تبدیل می‌کنند. تکنولوژی اطلاعات، قدرت پردازش کننده کامپیوتر را با امواج کوتاه، ماهواره‌ها، کابل‌های فیبر نوری و ارتباطات راه دور

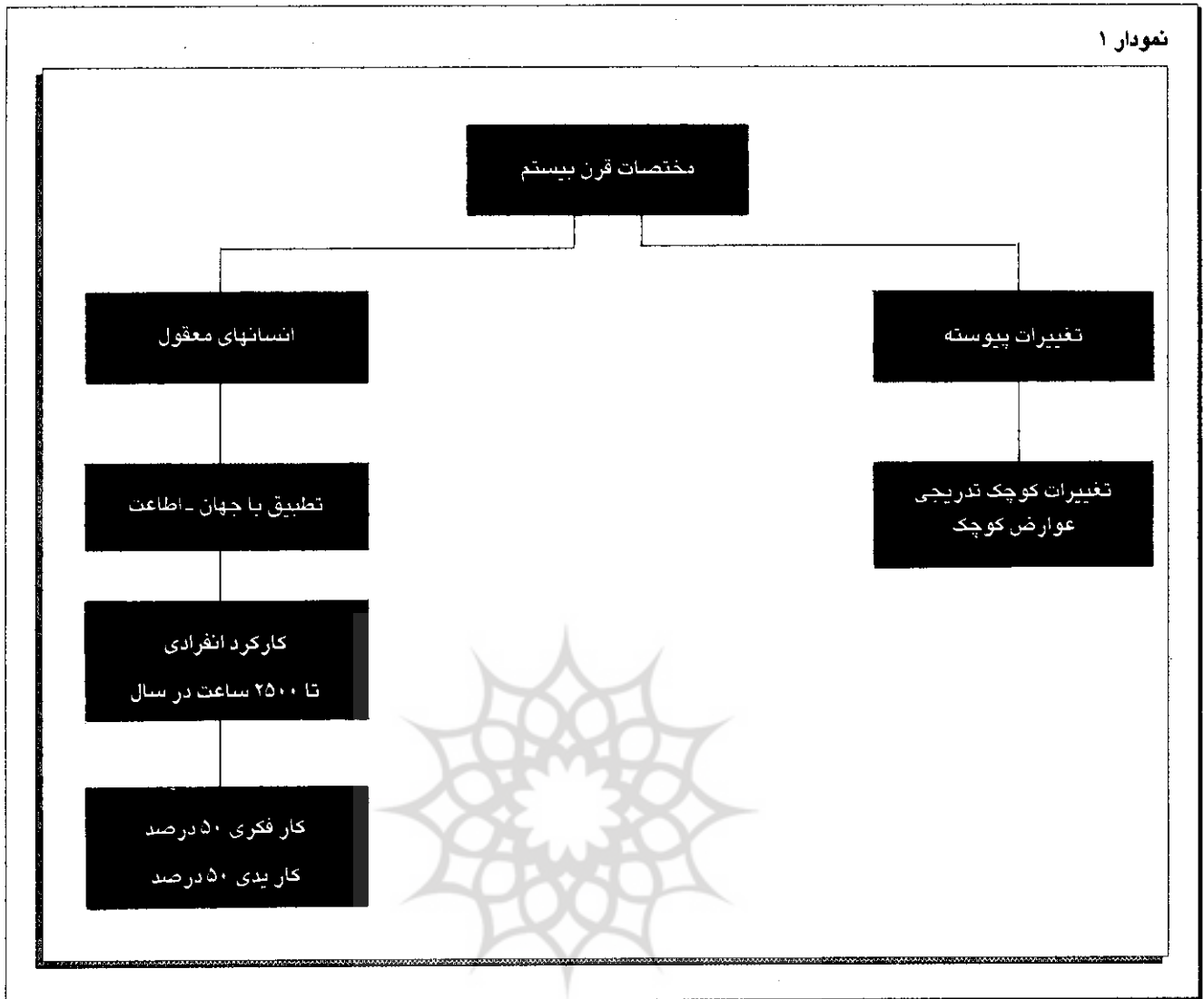
مداخل بحث

با پایان قرن بیستم، مکاتب فکری همراه با علم، همچنین مکاتب فکری همراه با قدرت، دچار بحران شده‌اند. این بحران، باعث می‌شود که علوم سخت و علوم اجتماعی بیشتر به یکدیگر نزدیک شوند. در واقع چارچوب مفهومی جدیدی که نظام‌های تکاملی پیچیده عرضه می‌دارند، مجموعه‌ای از آرمانهای مرتبط با هم نظیر آینده‌های چندگانه، گزینش و دو شاخه شدن‌ها و عدم قطعیت ذاتی برای علوم اجتماعی را به بار می‌آورد.

آینده‌ای که امروز آن را پیش‌بینی و ترسیم می‌کنیم، اجتناب‌ناپذیر است اگر بدانیم که می‌خواهیم چگونه باشد، می‌توانیم بر آن تاثیر بگذاریم در روزگار تغییر مداوم و سریع که حتی مقوله تغییر هم دچار تغییر می‌شود ما می‌توانیم و باید که مسئول سرنوشت خویش باشیم.

تغییر پیوسته، تغییری راحت است در چنین حالتی، گذشته چراغ راه آینده است. در حالی که تغییرات ناپیوسته چون ناگهانی و انفجاری هستند لزوماً با گذشته ارتباط ندارند.

برنارد شاو زمانی گفته بود پیشرفت یکسره به انسانهای غیرمعقول وابسته است زیرا انسانهای معقول خود را با جهان تطبیق



ساکتی که با احساسات خود و دیگران هماهنگ هستند که اشخاصی مانند شاعران و مشاوران، از آن برخوردارند.

هوش میان شخصی: توانایی برقراری ارتباط با سایرین و انجام کارها با دیگران و از طریق دیگر. مدیران باید علاوه بر داشتن هوشهای نوع اول یا دوم، از این مهارت نیز برخوردار باشند.

گفتار بحث

اگر چه امر حسابرسی در کشور حداقل به سالهای ۱۳۳۰ باز می‌گردد، اما متأسفانه هنوز جایگاه خاص خود را در کشور باز نیافته است. موضوع بازرسی و حسابرسی در کشور از دیرباز فاقد یک پشتوانه قانونی

کلیه امتحانات متداول مردود شد. (هوش موسیقایی: بعضی از موسیقیدانان، مثلاً ستاره‌های موسیقی پاپ، به لحاظ تحلیلی هوشمندند، اما بسیاری از آنها این طور نیستند. اما بی‌تردید از نظر موسیقایی هوشمندند.

هوش بدنی: شناگران، فوتبالیستها و انواع ستاره‌های ورزشی از این استعداد به وفور برخوردارند. اما به هیچ وجه تضمینی برای برخورداری از استعدادهای دیگر نیست.

هوش عملی: آن نوع هوشی که می‌تواند بدون استفاده از راهنماها قطعات یک تلویزیون را پیاده و دوباره سوار کند، اما شاید بتواند نام این قطعات را تلفظ کند.

هوش درون شخصی: اشخاصی غالباً

با توجه به اینکه دانش و دانائی نتیجه مستقیم هوشمندی می‌باشد دانشمندان در بررسی هوش و هوشمندی انواع هوش را به شرح نمودار ۶ شناسایی کرده‌اند.

هوش تحلیلی: آن نوعی که با استفاده از آزمونهای بهره هوشی در اغلب امتحانات اندازه‌گیری می‌کنیم.

هوش انگاره‌ای (الگویی): توانایی دیدن انگاره‌ها در مسائل و آفریدن انگاره‌ها. ریاضیدانان، هنرمندان و برنامه‌ریزان کامپیوتر غالباً از درجه بالایی از این نوع هوش برخوردارند (درک این مطلب مهم است که این استعدادهای با هم مرتبط یا همبسته نیستند. این امکان وجود دارد که در مفهومی انگاره‌ای بسیار با هوش بود. اما در

مختصات هزاره سوم

انسانهای نامعقول

تغییرات ناپیوسته

تطبیق جهان با خود بجای اطاعت

تغییرات کوچک عوارض بزرگ پدید می آورند
تغییرات یکباره و ناگهانی- خارج از کنترل انسانی-
تغییر شتابان
اطلاعاتی شدن

توافق مجموعه‌ای کار کردن

کار فکری ۸۵ درصد

کار بدی ۱۵ درصد

Discontinuous

شیوه‌های جدید اندیشیدن

تغییرات ناپیوسته و سریع و دنباله‌دار و ناگهانی

انسانهای غیر معقول

مهارت‌های بالا

واژگون شدن نسبت مستمری‌بگیران و شاغلان، به ازای هر ۷ نفر مستمری بگیر یک نفر شاغل

ماشینهای هوشمند

دور شدن از صنایع تولیدی کاربر

حرکت به سوی سازمانها مبتنی بر دانش

حرکت به سمت خدمات (حسابداری و ارائه آمار و اطلاعات)

تغییر واژگان کارمند و کارگر، اضمحلال طبقات فرودست و فرادست، پرولتاریا و بورژوازی

ایجاد یک طبقه مجازی دارندگان و کاربران دانش و تکنولوژی اطلاعات

تکنولوژی اطلاعات و تکنولوژی زیستی

نمودار ۳- مشخصات جهانی شدن اقتصاد

ابعاد	هزاره سوم	قرن بیستم
تجارت	آزاد مطلق در زمینه مبادلات در مناطق جریانهای نامشخص خدمات و کالاهای نمادین	حداقل موانع تعرفه‌ای موانع عمده غیرتعرفه‌ای و فرهنگی نوسوداگری منطقه‌ای
تولید	توازن فعالیتهای تولیدی در هر منطقه تنها برپایه برتری‌های مادی / جغرافیایی تعیین می‌شود	تقسیم اجتماعی بین‌المللی کار به جای خود را به تقسیم فنی کار می‌دهد. غیرمتمرکز شدن اساسی تولید. غیرمادی شدن کالاها.
سرمایه‌گذاری	حداقل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، جای آن، را اتحادیه‌های تولیدی و تجاری می‌گیرد	شرکتهای فراملی جای خود را به قرار و مدارهایی می‌دهد ولی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تا حد زیادی باقی می‌ماند.
ایدئولوژی تشکیلاتی	واکنش انعطاف‌پذیر در برابر بازارهای جهانی	الگوی انعطاف‌پذیر جا می‌افتد ولی بخشهای ب- یار اساسی عملیات مربوط به فوردیسم باقی می‌ماند.
بازار مالی	غیرمتمرکز، لحظه‌ای و "بدون هویت ملی"	جهانی شدن تا حد زیادی تکامل می‌یابد.
بازار کار	نقل و انتقال آزادانه نیروی کار بدون هرگونه تعلق دائمی به یک محل	مقررات روزافزون دولتی: فشار شدید فردی برای فرصتهای که در زمینه اشتغال بوجود می‌آید.

مشخصات جهانی شدن سیاست

ابعاد	هزاره سوم	قرن بیستم
حاکمیت دولت	فقدان دولتهای حاکم. مراکز چند قطبی قدرت در سطوح جهانی، محلی و منطقه‌ای	بحران و تضعیف دولت. شواهدی از تجزیه و عدم تمرکز قدرت دولت.
کانون فعالیت مشکل‌گشایی	مسائل محلی در بستر جامعه جهانی	افزایش توجه بر روی مسائل محلی - جهانی اما با حفظ برتری احتمالی جوامع ملی.
سازمانهای بین‌المللی	مقتدر و مسلط بر سازمانهای ملی	گسترش روزافزون اما تا حدودی فاقد قدرت.
روابط بین‌الملل	سیال و چند مرکزی	سیستم ابر قدرتی رو به تضعیف
فرهنگ سیاسی	برتری تعهدات ارزشی مشترک و جهانی	پیشرفت لیبرال دمکراسی / فرامادی گرایی

مشخصات جهانی شدن فرهنگ

ابعاد	هزاره سوم	قرن بیستم
مفر مذهبی	جدا شدن اجزای مذهبی از سرزمین	نسبی شدن و بنیادگرایی
مفر قومی	جدایی از سرزمین، جهان وطنی، و گوناگونی	تکوین ملی گرایی خرد و ملی گرایی کلان
مفر اقتصادی	مصرف شبیه‌سازی شده‌ها و نمادین‌ها	غیرمادی شدن کالا، در سطح عالی
مفر رسانه‌ای	توزیع جهانی تصاویر و اطلاعات	غیرمنطقه‌ای کردن توزیع تصاویر و اطلاعات
مفر تفریحی	توریسم همگانی و پایان "توریسم"	غیرطبقاتی کردن موضوعات و اهداف

و خلاف روحیات اجتماعی مدیران کشور هشجاری و اقدامات مدیریت نموده به طوری که عملاً بسیاری از بوده است. در واقع فقدان محیط کنترلی و اثربخش، حسابرسی را دو چندان ضعیف مسئولان و مدیران حسابرسی عملکرد را به

ادامه در صفحه ۸۷

ترازنامه، مظهر بنیادی ترین عناصر نظریه حسابداری

”یقیناً خواننده هر گزارش توقع دارد که عنوان گزارش او را از مضمون آگاه کند، اما حقیقتاً اصطلاح ترازنامه هیچ آگاهی به او نمی‌دهد.“

فرانکلین، ۱۹۴۶

Robert T. Sprouse

ترجمه امیر پوریان‌سب

حسین فخاری

به‌جای مقدمه

نظریه حسابداری است که از آن بالضروره عناصر ذاتی گزارش سود و زیان مشتق شده‌اند. براساس این حکم، گزارش سود و زیان حاوی خلاصه‌ای از یک قسم معاملات است که باعث تغییرات در حسابهای یک ترازنامه می‌شوند.

نگارنده به دو صورت از این قضیه پشتیبانی می‌کند: اول، تحلیلی از دو رویکرد مخالف به ترازنامه و اجزای آن ارائه خواهد شد. مقصود از این تحلیل آن است که مغلطه‌ها و سستیها، رویکردهای مخالف آشکار و برملا شود.

زمانی که در سال ۱۹۷۳ هیئت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) بر مسند هیئت اصول حسابداری (APB) تکیه زد، چهار رویکرد به ترازنامه نقل محافل نظری و عملی حسابداری بود: ۱- رویکرد مانده‌نامه، ۲- رویکرد گزارش وجوه ایستا، ۳- رویکرد گزارش وضعیت مالی و، ۴- رویکرد ترازنامه بی‌توازن. از این میان، FASB رویکرد گزارش وضعیت مالی را به رسمیت شناخت و با اصرار بر آن پا به هزاره سوم گذاشت.

در آخرین سال حیات APB دو تن از سرشناسترین دانشمندان حسابداری آمریکا، راپرت تی. اسپراس و آلفرد راپاپورت، به ترتیب در دو مقاله اقتراحی و انتقادی به بررسی ترازنامه پرداختند. اسپراس، که ترجمه مقاله وی پیش روی شماست، سه رویکرد اول را بررسی می‌کند. وی ابتدا یک قضیه را طرح می‌کند و برای اثبات آن نخست دو رویکرد اول را نقد و رد می‌کند و سپس رویکرد سوم را بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که این رویکرد از دو رویکرد دیگر برتر است. راپاپورت، که ترجمه مقاله او را در شماره بعد خواهید خواند، ضمن نقد مقاله اسپراس، رویکرد سوم را نیز رد می‌کند و رویکرد چهارم (رویکرد ترازنامه بی‌توازن) را برتر از سه رویکرد دیگر برمی‌شمرد.

خوشبختانه به‌رغم گذشت سه دهه، هنوز مطالب این دو مقاله جذاب و بدیع است. اما سرعت تغییر مفاهیم حسابداری تا حدودی مقاله‌ها را به یک نوشته کلاسیک تبدیل کرده است و به نظر می‌رسد بعضی از مفاهیم و اصطلاحات آنها گرد کهنگی گرفته‌اند. با وجود این، مترجمان کوشیده‌اند تا ضمن وفاداری به متن تا اندازه‌ای اصطلاحات را روزآمد کنند.

تاکنون به دفعات در محافل و نوشته‌های حسابداری این حکم^۱ را شنیده یا خوانده‌ایم که گزارش سود و زیان مهمترین محصول و دست‌آورد ماسا (حسابداران) است. چنانچه این حکم به این معنا تعبیر شود که گزارش سود و زیان در کانون توجه استفاده‌کنندگان قرار دارد، در آن صورت حکمی صادق است، اما اگر دلالت بر این کند که گزارش سود و زیان مظهر بنیادی‌ترین عناصر نظریه حسابداری است، آنگاه حکمی باطل است. این مقاله برآن است تا برای

قضیه^۲ رقیب پشتوانه منطقی بدست دهد، یعنی: ترازنامه مظهر بنیادی‌ترین عناصر برای سهولت، این دو رویکرد را، رویکرد

مانده‌نامه^۳ (سیاهه مانده‌ها) و رویکرد گزارش وجوه ایستا^۴ می‌نامم. دوم، یک بررسی اثباتی از ترازنامه در مقام گزارش وضعیت مالی^۵ به عمل خواهد آمد که براساس آن اولاً مبنایی برای اندازه‌گیری مفهومی معنی‌دار از سود بدست می‌آید، و ثانیاً پی می‌بریم که ترازنامه می‌تواند مستقلاً اطلاعاتی مفید^۶ برای استفاده‌کنندگان فراهم کند. هر یک از این سه رویکرد مفارق دارای ملازمات متفاوت و در خور توجه برای ساخت نظریه حسابداری است. این ملازمات بواسطه کاربردشان در تحلیل معاملات و گزارشدهی مالی از هم متمایز می‌شود.

رویکرد مانده‌نامه

براساس رویکرد مانده‌نامه، ترازنامه در بردارنده خلاصه‌ای از مانده‌های بدهکار و بستانکار است که پس از اندازه‌گیری سود و تعدیل حساب سودهای انباشته برجای می‌ماند. به واقع این تحت‌اللفظی‌ترین تعبیر از ترازنامه است. در گذشته این دیدگاه در وادی عمل حسابداری با اقبال بسیار روبرو بود. افزون بر این در بیشتر نشریات انجمن حسابداران مجاز آمریکا (AICPA) و گزارشهای مالی منتشره نمودی بارز داشت. کمیته واژه‌شناسی AICPA در خبرنامه واژه‌شناسی حسابداری شماره یک، ترازنامه، دارایی و بدهی را از منظر این رویکرد تعریف کرده است: "ترازنامه گزارشی فهرست‌وار یا خلاصه‌ای از مانده‌های بدهکار و بستانکار است که بعد از بستن ضمنی یا صریح دفاتر، که در انطباق با اصول حسابداری ثبت شده‌اند، به دوره بعد انتقال می‌یابند."^۷ یک دارایی چیزی است که پس از بستن دفاتر^۸، که بر طبق اصول و قواعد حسابداری ثبت شده‌اند، بواسطه یک مانده بدهکار به دوره بعد انتقال می‌یابد.^۹ و یک بدهی چیزی است که پس از بستن دفاتر، که بر طبق اصول و قواعد حسابداری ثبت شده‌اند، بواسطه یک مانده بستانکار به دوره بعد

انتقال می‌یابد."^۹

بدون اغراق هر کس با اندکی تأمل خواهد گفت که براساس این رویکرد، ترازنامه خلاصه‌ای از مانده‌های بدهکار و بستانکار است و اصولاً تفاوت دارایی یا بدهی در سمت و طرفی است که مانده آن در ترازنامه تجلی می‌یابد.

رویکرد مانده‌نامه ریشه در این تصور دارد که بر مبنای برتری گزارش سود و زیان و کاربست مفهوم تطابق می‌توان چارچوبی معتبر و پایا برای تحلیل حسابداری (یا نظریه حسابداری) برپا کرد. اما در اینجا با یک پارادوکس (متناقض نما) مواجه‌ایم. کدام یک از این دو (برتری گزارش سود و زیان و مفهوم تطابق) مرغ است و کدام یک تخم مرغ؟ پاسخ به این سوال کاری دشوار و توان‌فرسا است. هیتون گفته است که چون هر دو، دست کم به عنوان بنیانهایی برای نظریه حسابداری، سترون و بی‌ثمر هستند، پس شاید بنا به ضرورت همزمان از زهدان یک اندیشه زاده شده‌اند.^{۱۰}

برتری گزارش سود و زیان زاییده یک سوء تفاهم است. برخی به جای توجه به این واقعیت که اطلاعات برگرفته از گزارش سود و زیان ممکن است مفیدترین اطلاعات را برای استفاده‌کنندگان فراهم کند به سوء تفاهم دچار شده‌اند و حکم می‌دهند که گزارش سود و زیان بنیادی‌ترین عناصر را برای چارچوب تحلیلی حسابداری (که از آن اطلاعات مفید مشتق می‌شود) بدست می‌دهد. در ادامه در این باره بیشتر بحث خواهد شد. نخست درباره سترون بودن مفهوم تطابق، به عنوان عنصری از نظریه حسابداری، به تفصیل بحث می‌شود.

بی‌آن که مدعی شوم به منشا و تاریخ مفهوم تطابق (همزمانی) پی برده‌ام یا در جستجوی آن هستم، با احتیاط می‌گویم که برای اولین بار، مفهوم تطابق راپیتون و لیتلتون با انتشار مقاله‌ای با عنوان مقدمه‌ای بر استانداردهای حسابداری^{۱۱} به عموم عرضه کردند و از آن پس در کانون توجه همگان قرار گرفت. در آن مقاله، نویسندگان

کوشیده‌اند تا تطابق میان سعی و ثمر^{۱۲} (یا کوشش و دستاورد) را به مثابه یکی از مفاهیم اساسی معرفی کنند. به زعم آنها تطابق می‌تواند شالوده‌ای مناسب برای استانداردهای حسابداری بنا کند. آنها با صراحت مفهوم سود اقتصادی را حتی در مقام یک انگاره باطل دانسته‌اند. مفهوم سود اقتصادی دلالت بر تغییر در ثروت در خلال یک دوره دارد. در عوض آنها مفهومی از سود را عرضه می‌کردند که با عناصر کالای فروش رفته، یا خدمات ارائه شده همبسته است. منقوله زیر قسمتی از مقاله مذکور است:

"چنانچه مفهوم تطابق در عمل به رسمیت شناخته شود، آنگاه می‌توان نتیجه خالص واحد اقتصادی را به جای فواصل زمانی برحسب واحدهای برون داد اندازه‌گیری کرد.... دوره‌های زمانی، بی‌آن که بنیاد این مفهوم را تغییر دهد، تمهیدی برای ساده کردن مسئله و جانشینی برای واحدهای برون داد^{۱۳} است. اما کمال مطلوب در دو چیز است: (۱) یا تطابق بهاها^{۱۴} با نتایج قابل انتساب به آن و (۲) یا تطابق بها با نتایج که رابطه‌ای معنی‌دار با آن دارند."^{۱۵}

ملازمات این رویکرد بویژه با سخنان بعدی پیتون و لیتلتون شفافتر می‌شود: "اقلام تعویقی^{۱۶} و تعهدی^{۱۷} (تعلقی یا منتسب به دوره) دقیقاً به دوره‌ها یا مراحل فرایند تطابق مربوط می‌شود. جمع بهای دستمزد تعهدی، که به موجب قراردادهای گوناگون قابل پرداخت است، ضرورتاً باید در همان دوره وقوع بازشناسی^{۱۸} شود؛ در غیر این صورت مبلغ خدمات دریافتی از کارکنان بدرستی اظهار نمی‌شود. شاید به همین دلیل است که دستمزدهای تحقق یافته اما پرداخت نشده به عنوان بخشی از فرایند تطابق ثبت می‌شود. اقلام بدهکار معوق^{۱۹} که به تعبیری گسترده شامل اکثر داراییها است، باید بازشناسی شود، در غیر

این صورت با درآمد کالاها و خدماتی که اخیراً عرضه یا ارائه شده و ارتباط معنی‌داری با آنها ندارد، مطابقت داده می‌شوند. به عبارت دیگر لازم است جریان بهای عوامل بدرستی بین گروه ارقام بدهکار معوق و خدمات مصرف شده تقسیم شود. داراییهای معوق نیز که هنوز وصول نشده‌اند (حسابهای دریافتی) باید بازشناسی شوند، در غیراین صورت (درآمد) کالاهای فروش رفته یا خدمات ارائه شده نادرست اظهار خواهد شد.^{۲۰}

چنانچه مفهوم ترازنامه به عنوان پیامد جانبی فرایند تطابق به مانده‌نامه تنزل یابد، آنگاه بهاها نادرست اظهار نخواهند شد. گرچه ممکن است بیشتر داراییها در شمول ارقام بدهکار معوق قرار گیرند، اما هدف تطابق از یک سو اجتناب ورزیدن از تطابق درآمدها با ارقام بدهکار معوقی است که ارتباطی معنی‌دار با آنها ندارند و از سوی دیگر، فراهم آوردن امکانی برای تقسیم درست بهاها بین ارقام بدهکار معوق و هزینه‌ها است. این رویکرد، باب قضاوت درباره وجود همبستگی یا عدم همبستگی بین بها با درآمد و نیز درستی یا نادرستی تقسیم بها بین ارقام بدهکار معوق و هزینه‌ها را مجاز می‌داند، احتمالاً فرایند تطابق به مفهومی از سود دلالت ندارد و به همین دلیل احتمالاً نمی‌تواند به مثابه اساس تصمیم‌گیری در این قضاوتها به کار آید. به عوض، آن گونه که بارتون گفته است: "همان‌گونه که وقت چیزی است که با ساعت اندازه می‌گیریم، سود چیزی است که با گزارش سود و زیان اندازه می‌گیریم."^{۲۱}

البته، باید اعتراف کرد که اگر چه این فرایند به لحاظ مفهومی جذاب و سودمند است اما در بیشتر موارد عملاً تطابق بها با درآمد ناممکن است. در وادی عمل نیز اکثر بهاها (مانند استهلاک ساختمانها) در رابطه با یک دوره زمانی بازشناسی می‌شوند. این عمل بسیار شبیه به کاری می‌ماند که طرفداران مفهوم تطابق برای بازشناسی

درآمد در ارتباط با یک دوره انجام می‌دهند. به هر حال مفهوم تطابق که ابتدای آن بر برتری گزارش سود و زیان و اتکای بیش از حد بر مفاهیمی ذهنی چون، درستی، کاربردپذیری و دقت است، مسبب دست‌آوردها و ابداعات منحصر به فردی است که به وفور در "مانده‌نامه‌های" امروزی یافته می‌شود: یعنی ارقام بدهکار معوقی که دارایی نیست و ارقام بستانکار معوقی که بدهی نیست.

هیئت اصول حسابداری (APB) در اظهارنظر ۱۱ خود، حسابداری مالیات بردرآمد، بعضی از مفاهیم و مفروضات عمومی را برشمرده و لحاظ کردن آنها را در حسابداری مالیات، مربوط دانسته است. یکی از این مفاهیم، تطابق است که در مقام معرفی شده است. نازایی و سترونی ذاتی مفهوم تطابق به منزله مبنایی برای حل مسائل حسابداری بر کسی پوشیده نیست، با وجود این توصیف هیئت اصول حسابداری همان‌گویی^{۲۲} تطابق است: "هزینه‌های دوره جاری دربرگیرنده بهاهایی است که با درآمدهای دوره جاری همبسته می‌باشند و به علاوه شامل بهاهایی است که بر شالوده مبنایی به جز درآمد به دوره جاری منتسب می‌شود."^{۲۳}

تلقی کردن تطابق "به‌عنوان مهمترین اصل در تعیین سود"^{۲۴} و تایید آن با مفاهیمی نظیر دارایی، بدهی و سود، پشتوانه‌ای منطقی و کافی برای بیشتر رویه‌های حسابداری بدست می‌دهد. هیلتون می‌گوید: "به عقیده اکثر حسابداریها، این میثاق به تنهایی وزین‌تر از بقیه است، به سخن دیگر، چنانچه مفهوم تطابق رویه‌ای را تایید کند، آنگاه دیگر نباید چیزی گفت، زیرا مسئله حل و فصل شده است و آن رویه موجه می‌باشد."^{۲۵}

به ظاهر، رویکرد مانده‌نامه رویکردی عملی است و کار بست هر روزه آن شاهدهی بر این مدعا است. با وجود این، این رویکرد (یا ۱) قائل به حداکثر آزادی عمل است و

اجازه می‌دهد که حسابداریها با اختیار تام تصمیم بگیرند که کدام مانده‌ها را باید به دوره بعد انتقال داد، (۲) یا ایجاب می‌کند که فهرستی از قواعد و رویه‌های تفصیلی (که همواره در حال تزاید است) منتشر شود که تعیین کند کدام مانده‌ها را باید به دوره بعد انتقال داد.

آن زمان که موضوعات جدید حسابداری رخ نشان می‌دهد، مانند سرمایه‌ای کردن بهره، این رویکرد یا تصمیم‌گیری از میان گزینه‌های مختلف را مجاز می‌داند یا ایجاب می‌کند که بعضی از مراجع مانند FASB با رای‌گیری بهترین رویه را از میان رویه‌های هم‌گزینه تعیین نمایند. این فرایند درست شبیه قضاوتهایی است که در یک مسابقه زیبایی به عمل می‌آید. در این مسابقه‌ها، اصولاً برنده (یا ملکه زیبایی) براساس سلیاق و آرا فردی انتخاب می‌شود. در هر دو مورد مفاهیم دقیقی برای تعیین زیبایی و تطابق ایجاد نشده است.

بر طبق اصول دمکراتیک، اکثریت طرفداران تطابق قاعداً باید نتیجه بگیرند که باید بهره را از طریق سرمایه‌ای کردن در طول عمر دارایی (تحصیل شده یا ساخته شده) در سود خالص منعکس کرد تا در سال پرداخت یا تحمل. حال آن که اکثریت مخالفان که به لحاظ هوش و تجربه کاری در همان سطح هستند ممکن است برعکس آن نتیجه‌گیری کنند.

معمولاً برای تصمیم‌گیری درباره این که چه چیز باید در اندازه‌گیری سود لحاظ شود و چه چیز نباید، شرط لازم و جوه مفهومی صریح از سود است. اما به نظر نویسنده تاکنون هیچ انجمن یا احدی نتوانسته مفهومی از سود عرضه کند که مستقیم یا غیرمستقیم به مفهوم دارایی و بدهی وابسته نباشد. این استدلال ما را به این نتیجه‌گیری می‌رساند که مفاهیم دارایی و بدهی بنیادی‌تر از مفهوم سود است. اگر این حقیقت باورمان شود، آنگاه پذیرفتن دو روش متفاوت برای انتقال مانده‌های بهره

منطقی جلوه نمی‌کند.

مفهوم تطابق و دیدگاه مانده‌نامه علاوه بر این که استفاده از روش حسابداری تعویقی را برای تخصیص بهاها بین دوره‌های حسابداری، مجاز می‌شمارد، سبب اصلی ایجاد اقلام و موضوعات عجیب و غریب در ترازنامه است. کسر اوراق قرضه مستهلک نشده، صرف بازخرید اوراق قرضه و روش LIFO در ارزشگذاری موجودیها فقط معرف تعدادی از این نابسامانیها است که در میان داراییها به چشم می‌خورد. سودهای سرمایه‌ای معوق مربوط به قراردادهای فروش و پس اجاره^{۲۶}، فزونی بهای خرید نسبت به سهم شرکت والد^{۲۷} از داراییهای خالص (ارزش دفتری حقوق مالی)، ذخیره جایگزینی سازی موجودیها (در صورت استفاده از روش LIFO)، همه مثالهایی هستند که مخلوق کاریست مفهوم تطابق و دیدگاه مانده‌نامه هستند و تحت بدهیها گزارش می‌شوند.

مخلص کلام این که رویکرد مانده‌نامه از برتری گزارش سود و زیان و مفهوم تطابق نشأت می‌گیرد. این رویکرد به تصمیمات اقتصادی و مقطعی متکی است تا به نظریه حسابداری، همچنین بر قضاوتهای ارزشی متکی است تا بر تحلیلی منسجم و پایا.

رویکرد گزارش وجوه ایستا

در سالهای اخیر رویکرد دیگری به ترازنامه پدیدار شده است. براساس آن اصولاً تصور می‌شود که ترازنامه نوعی گزارش وجوه ایستا است. تعداد زیادی از کتابهای دانشگاهی، ترازنامه را این‌گونه تشریح کرده‌اند.^{۲۸} به نظر می‌رسد که پیدایش این رویکرد با گرایش فزاینده به تهیه گزارشی از خلاصه معاملات که طی دوره به تغییر در سرمایه در گردش می‌انجامد شباهت دارد (این گزارش بعضاً گزارش منابع و مصارف وجوه خواننده می‌شود).

ریموند. پی مارپل^{۲۹} در مقاله‌ای که در

مجله حسابداری به چاپ رساند، ترازنامه را این‌گونه تشریح می‌کند: "عنوان گزارش وضعیت مالی چیزی اندک درباره ترازنامه می‌گوید. بهتر است ترازنامه را گزارش منابع و ترکیب سرمایه^{۳۰} بخوانیم."^{۳۱} به نظر مارپل، چنانچه این کار صورت پذیرد و در شکل و قالب ترازنامه تجدیدنظر شود، آن‌سان که نشان دهد منابع از محل کدام سرمایه تامین شده‌اند و چه صورت‌هایی دارند، آنگاه کارکرد ترازنامه شفافیت و وضوح بیشتری خواهد یافت.^{۳۲} لوییس گلدبرگ^{۳۳}، در کتابش "کندوکاوی در ماهیت حسابداری"، ماهیت ترازنامه را برطبق "نظریه آمر"^{۳۴} با ماهیت آن برطبق دیگر نظریه‌ها، از جمله نظریه مالکیت، مقایسه می‌کند: "اگر ترازنامه را با مفهوم مالکیت به عنوان مبنای حسابداری تهیه کنیم، آنگاه ترازنامه به گزارشی از ارزشهای ملکی (تحت تملک) و ارزشهای قرضی تبدیل می‌شود. و در این صورت اگر پرسیده شود چه کسی مالک است و چه کسی مقروض، آنگاه بحث و مشاجره در می‌گیرد و دست آخر بدون پاسخ خاتمه می‌یابد. اما اگر وضعی را بپذیریم که تحت آن ترازنامه به نیابت از طرف مالک و از منظر یک آمر (آمر) می‌تواند مالک یا گروه کوچکی از شرکا یا رییس هیئت مدیره یا مدیرعامل باشد) تهیه شود، در آن صورت ترازنامه معرف گزارشی از منابع مالی است که شخص آمر داراییها را از آن گرفته است و نیز مسیرهایی است که این داراییها در آنها به کار برده شده است. و بنابراین به تعبیر دقیقتر ترازنامه معرف گزارش مباشرت^{۳۵} است نه مالکیت^{۳۶}."

هاوکینز، یکی دیگر از طرفداران رویکرد گزارش وجوه ایستا، کوشیده است تا از این منظر به یکی از مسائل مهم حسابداری پاسخ گوید. وی در مقاله‌ای که در "مجله مدیران مالی" به چاپ رساند، حجت آورده است که در حل و فصل مباحث مربوط به تخصیص مالیات به شرطی می‌توان به پیشرفتهای قابل ملاحظه دست یافت که: "اولاً، حسابداری به مثابه سیستمی تلقی

شود که پیوسته جریان منابع مالی موسسه را بازشناسی می‌کند؛ ثانیاً، ترازنامه به مثابه گزارشی تصور شود که سرمایه را در دو طرف بازتاب می‌دهد. (طرف راست محلی است که در آن سرمایه شرکت تجسم و نمود عینی دارد و طرف چپ آخرین وضعیت سرمایه تامین شده از بستانکاران، مالکان و دیگر منابع را نشان می‌دهد)؛

ثالثاً، سود خالص اصولاً معیار اندازه‌گیری وجوه در دسترس برای توزیع سود تقسیمی^{۳۶} و نیز بازسرمایه‌گذاری^{۳۷} سود حاصل از کاربرد سرمایه در عملیات تلقی می‌شود؛ و

رابعاً، همه بپذیرند که حسابداری مالیاتهای معوق باید سه چیز را بازتاب دهد: (۱) روشی را که براساس آن کسبه و صنایع مالیاتهای تعویقی را در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود وارد کنند، (۲) روشی را که براساس آن مدیران اقلام مالیات تعویقی را در برنامه‌ریزی مالی دخالت می‌دهند، و (۳) ماهیت مالیات بردرآمد^{۳۸}."

هاوکینز در مقاله‌ای که در مجله پرسررسیهای بازرگانی هاروارد به چاپ رساند، انتشار اظهار نظر ۱۱ هیئت اصول حسابداری، حسابداری مالیات بردرآمد را به فال نیک گرفت. به نظر او در این بیانیه، "تلویحاً گرایشی به رویکرد صورت منابع و مصارف وجوه تشویق شده است. هدف و خواست مدیران شرکتها و حسابداران عمومی مجاز یافتن راهی برای قابل فهم‌تر کردن اقلام ترازنامه است، زیرا این اقلام را نمی‌توان به حد کفایت با مفاهیم حسابداری توضیح داد."^{۳۹}

علی‌رغم آن، او به اظهار نظر شماره ۱۱ انتقاد هم کرده است، نه به خاطر نتیجه‌گیری APB در مرجع دانستن روش جامع تخصیص مالیات^{۴۰} (که این نتیجه را حمایت می‌کند)، بلکه بدلیل مجاز دانستن حساب مالیات معوق که به نظر او به حد کفایت از توجیه منطقی برخوردار نیست. تحلیل او به زبان خودش چنین است: "در

نظری اجمالی بر سیستمهای اطلاعاتی حسابداری

سیستم اطلاعاتی حسابداری را می توان مولفه و عنصری از شرکت دانست که به وسیله پردازش رویدادهای مالی در قالب اطلاعات مالی و اطلاعات مبنای تصمیمگیری، در اختیار استفاده کنندگان قرار می دهد.

احمد عیسائی خوش

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی

سیستم حسابداری چیست؟ قبل از ارائه یک تعریف کلی برای سیستم اطلاعاتی حسابداری، لازم است تا معانی هر یک از لغات تشکیل دهنده این مفهوم را در ارتباط با سایر سیستمهای اطلاعاتی در سازمان در نظر بگیریم. اطلاعات، پایهها و ساختاری را جهت تصمیمگیری فراهم می کند و عموماً شامل دادههای پردازش شده در سیستمهای اطلاعاتی از قبیل سیستم اطلاعاتی حسابداری^۱ می باشد.

صورتحساب ماهانه یک مشتری، تجزیه و تحلیل هزینههای ماهانه یک کارمند و یا صورتحساب بانکی یک نفر



هنگامی که به جمله سیستمهای اطلاعاتی حسابداری برخورد می کنیم سوالاتی از این قبیل به ذهن ما خطور خواهند کرد: سیستم اطلاعاتی حسابداری چیست؟ چرا دانشجویان باید چنین سیستمی را مطالعه کنند؟ چه کسانی از اطلاعات ارائه شده این سیستم استفاده می کنند؟ چگونه حسابداران با سیستمهای اطلاعاتی حسابداری ارتباط برقرار می کنند؟ فعالیتهای مهم و اساسی موجود در این سیستمها چیست؟

در این مقاله برآنیم جوابهایی هر چند کلی برای چنین سوالاتی ارائه کنیم.

سپرده گذار، نمونه‌ای از این گونه اطلاعات پردازش یافته است.

از سوی دیگر داده‌ها، شامل اعداد و دیگر نشانه‌هایی است که به‌عنوان ورودی یک سیستم اطلاعاتی محسوب می‌شود. داده‌ها از منابع گوناگونی حاصل می‌شوند، مثلاً هنگام فروش کالا توسط یک شرکت، داده‌های مربوط به فروش ایجاد می‌شود.

سیستم، واحد ترکیب‌کننده‌ای است که در راه رسیدن به یک موضوع واحد تلاش می‌کند. سیستم‌ها گونه‌های متفاوتی دارند، منظومه شمسی، و سیستم عصبی حیوانات سیستمی طبیعی‌اند و سیستم ترافیک شهر، و سیستم حرارتی ساختمانهای بزرگ دست‌ساز بشوند.

بیشتر سیستم‌ها مشهودند، چرا که عملکرد آنان با منابع فیزیکی است. شکل نشان دهنده یک سیستم باز فیزیکی است. حسابداری در سطوح مختلف دارای معانی متفاوتی است، در وهله اول حسابداری وظایف زیر را به عهده دارد:

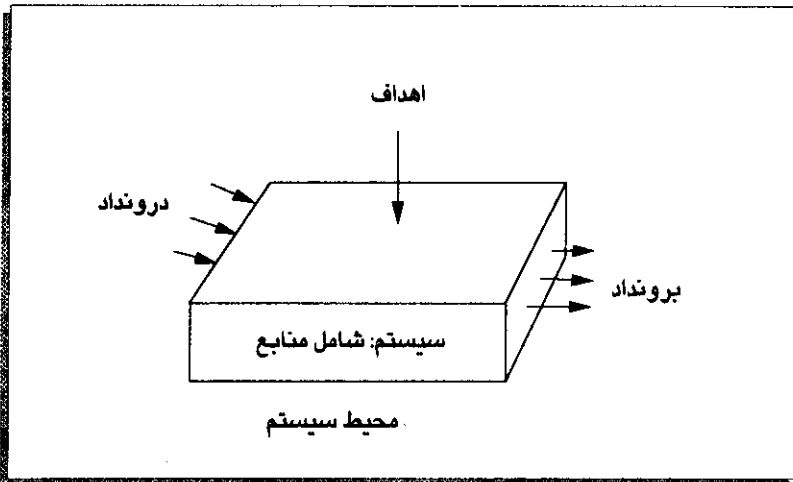
- ثبت رویدادهای اقتصادی؛
- پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها؛
- ارائه نتایج این پردازش در قالب صورتهای مالی.

از طرف دیگر حسابداری زبان تجارت است و ابزاری را جهت تلخیص و جمع‌بندی موضوعات اساسی یک موسسه تجاری ارائه می‌کند و در نهایت از یک دید کلی به‌عنوان اطلاعات یک واحد تجاری در جهت رسیدن به هدفهای عملیات و مدیریت موثر و کارا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

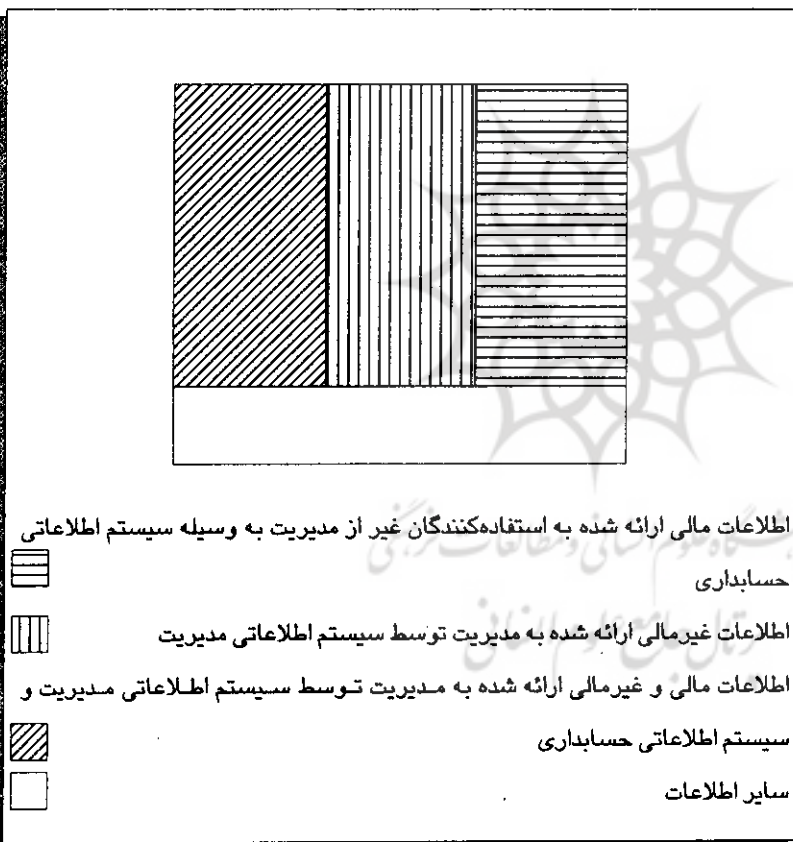
با توجه به توضیحات ذکر شده سیستم اطلاعاتی حسابداری را می‌توان مولفه و عنصری از شرکت دانست که به وسیله پردازش رویدادهای مالی، اطلاعات مالی و اطلاعات مبنای تصمیمگیری را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد.

ارتباط سیستم اطلاعاتی حسابداری با سایر سیستمهای اطلاعاتی یک سازمان اگرچه سیستم اطلاعاتی حسابداری از

شکل ۱- نمونه سیستم باز فیزیکی



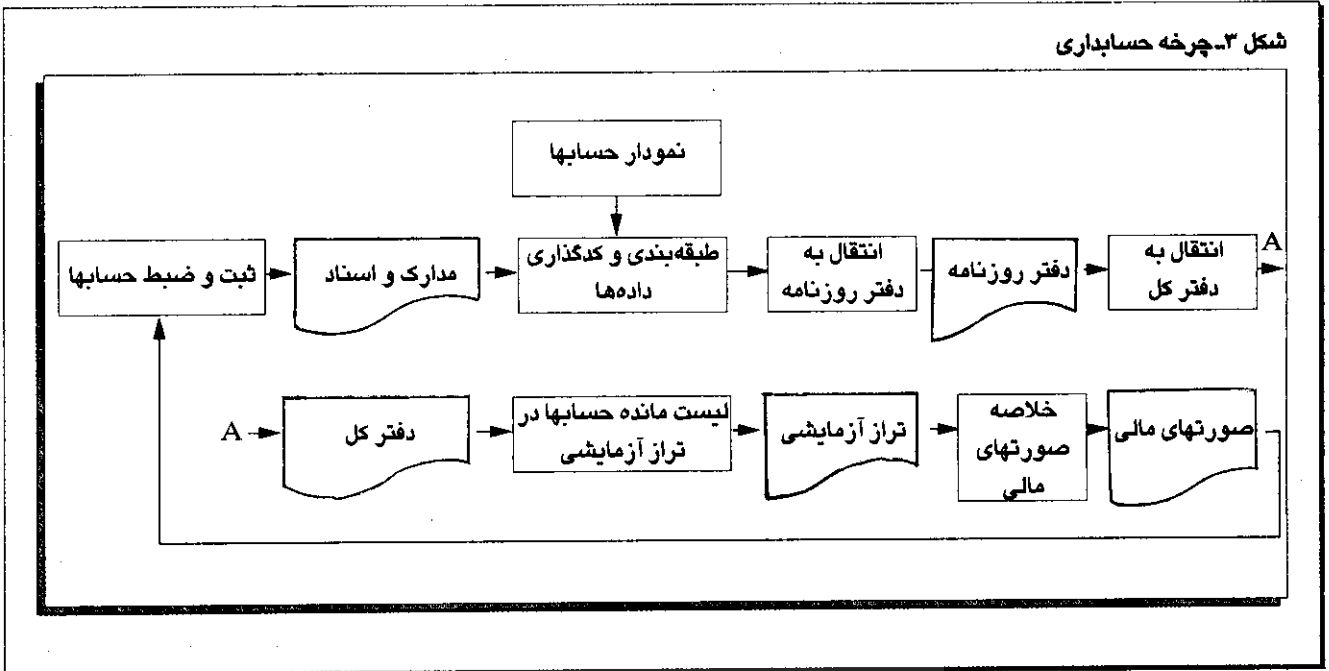
شکل ۲- ادغام سیستمهای اطلاعاتی در یک سازمان



اساسی‌ترین سیستمهای اطلاعاتی یک شرکت است، ولی تنها سیستم اطلاعاتی آن نخواهد بود. از دیگر سیستمهای اطلاعاتی بااهمیت می‌توان از سیستم اطلاعاتی مدیریت^۲ نام برد.

ادغام سیستمهای اطلاعاتی در یک سازمان چگونگی ادغام سیستمهای اطلاعاتی در یک سازمان در شکل ۲ نشان داده شده است.

شکل ۳- چرخه حسابداری



می‌پیوندد.

پردازش مبادلات

پردازش مبادلات در یک سیستم اطلاعات حسابداری به وسیله زیر سیستمهای^۳ صورت می‌گیرد. هر نوع از مبادلات توسط یک سیستم پردازش مبادلات^۴ صورت می‌گیرد و ادغام این زیرسیستمها سلامت مالی یک واحد اقتصادی را اندازه‌گیری خواهد نمود.

اگر سیستم پردازش مبادلات به‌طور صحیح طراحی شده باشد منافع زیر را برای موسسه یا شرکت در پی خواهد داشت:

- پردازش اقتصادی اطلاعات، کارآمد و موثر خواهد بود؛
- داده‌ها را به‌خوبی و با دقت کنترل نموده و آنها را به‌طور صحیح پردازش می‌کند؛
- پردازش اقتصادی اطلاعات به‌هنگام خواهد بود.

پردازش اطلاعات

مقایسه پردازش مبادلات با پردازش اطلاعات، اطلاعاتی را جهت تصمیمگیری ارائه می‌دهد. خروجی یک پردازش

حسابداری به وسیله ثبتهای اساسی حسابداری پردازش می‌شود. مراحل پردازش مبادلات حسابداری را چرخه حسابداری می‌نامند. چرخه حسابداری اصولاً استاندارد شده است و لزوماً در تمامی شرکتها به یک روش اعمال می‌شود. شکل ۳ نشان‌دهنده چرخه حسابداری است.

نمونه‌ای از مبادلات که در اکثر شرکتها مشترک و عمومی است

- فروش محصولات یا ارائه خدمات به مشتریان؛
- خرید مواد، کالا، خدمات و دارایی ثابت از فروشندگان؛
- دریافتی صندوق از مشتریان و سایر افراد؛
- فهرست حقوق و دستمزد و پرداخت به کارگران و کارکنان.

بعضی از مبادلات از عوامل بیرونی یک شرکت ناشی می‌شود مانند پرداخت به مشتریان و بعضی نیز از رویدادهای داخلی یک شرکت ایجاد می‌شود مانند هزینه استهلاک که در پایان سال مالی، به‌وقوع

هدفها و منابع سیستم اطلاعاتی حسابداری سیستم اطلاعاتی حسابداری دو هدف بزرگ را در مقابل خواهد داشت.

● ارائه اطلاعات برای عملیات و نیازهای قانونی؛

● ارائه اطلاعات برای تصمیمگیری.

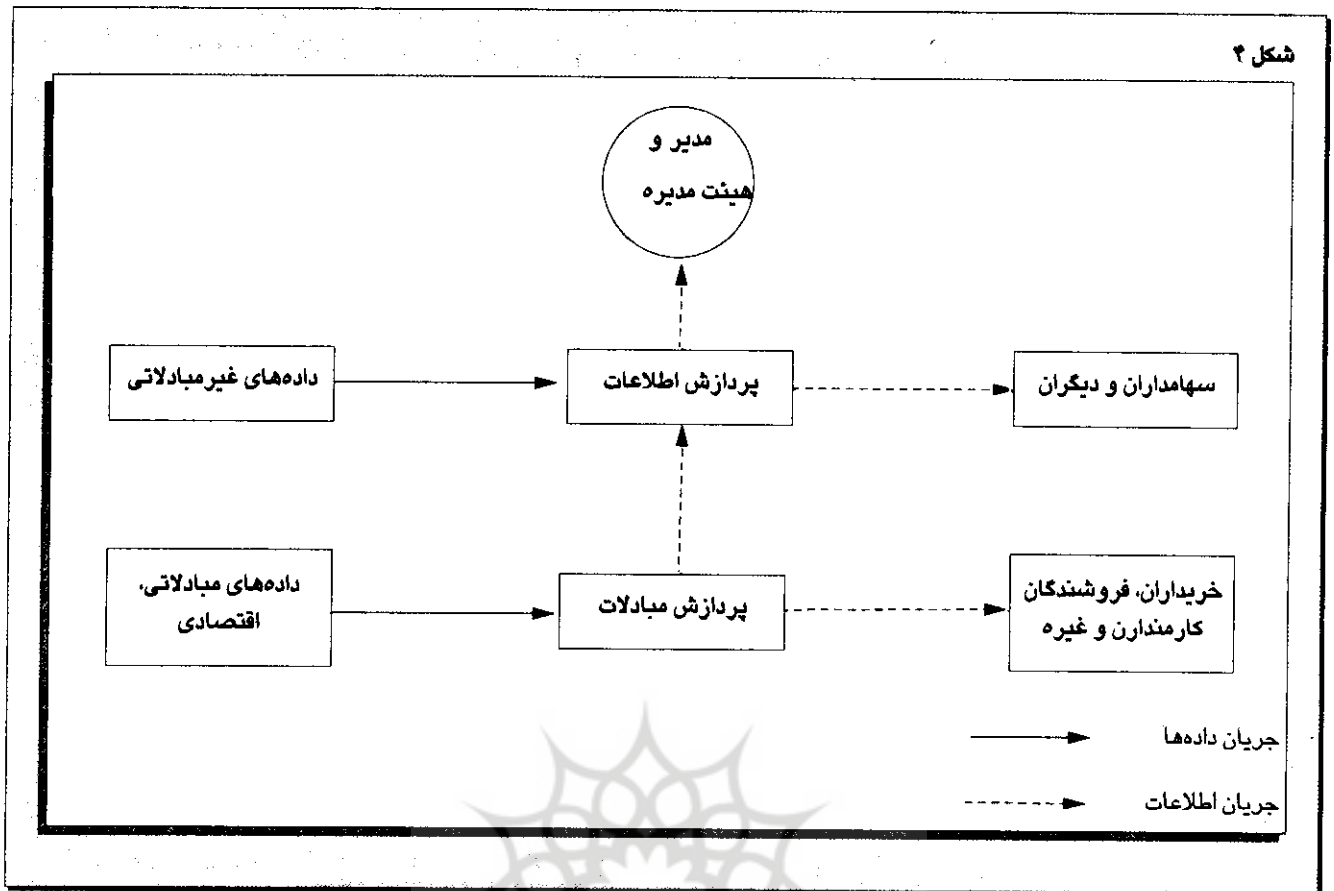
سیستم اطلاعات حسابداری که به این هدفها به‌طور کامل رسیده باشد منافع با ارزشی خواهد داشت.

برای رسیدن به این هدفها دو فعالیت عمده وجود دارد:

- پردازش مبادلات؛
- پردازش اطلاعات.

پردازش مبادلات

مبادلات، رویدادها و کنشهایی هستند که برای کارکرد یک شرکت ضروری است. رویدادهای حسابداری مانند ارسال صورتحساب فروش کالا، خود نوعی مبادله ارزش اقتصادی است. بعضی رویدادها نیز وجود دارند که در آنها مبادله ارزش اقتصادی صورت نمی‌گیرد، مانند دریافت یک سفارش، و از این رو رویداد حسابداری محسوب نمی‌شوند. مبادلات و رویدادهای



- خلاصه کردن مجموعه داده‌ها براساس کیفیت داده‌ها؛
- مقایسه کردن یا آزمایش اقلام از گروه‌های جداگانه یا پرونده‌های متفاوت برای یافتن علت ادغام و یا جداسازی آنها.

مدیریت داده شامل سه مرحله است:

- ذخیره کردن؛
 - به‌روز کردن؛
 - استخراج کردن.
- ذخیره کردن یعنی جایگذاری داده‌ها در مراکز نگهداری که به نام پایگاه داده‌ها نامیده می‌شود.
- به‌روز کردن شامل اصلاح داده‌های ذخیره شده به‌منظور انعکاس رویدادهای جدید عملیات است.
- استخراج کردن نیز شامل دستیابی به داده‌ها، به‌منظور تهیه گزارش و ارائه اطلاعات پردازش شده یا پردازش بیشتر ۲۵ می‌باشد.

ادامه در صفحه ۷۴

- جمع‌آوری داده؛
- پردازش داده؛
- مدیریت داده؛
- کنترل داده؛
- تهیه اطلاعات.

جمع‌آوری داده شامل ضبط داده‌ها، ثبت آنها در فرم‌های ویژه، کدگذاری و اطمینان از صحت و کامل بودن آنهاست.

- پردازش داده شامل مراحل زیر است:
- طبقه‌بندی و طراحی داده در مقوله‌های مناسب از پیش تعیین شده؛
 - انتقال و یا کپی داده‌ها در اسناد و مدارک؛
 - مرتب کردن داده‌ها براساس یک یا چند ویژگی؛
 - یک‌کاسه کردن و هم‌گروه کردن مبادلات با ماهیت مشابه؛
 - ادغام یا ترکیب کردن یک یا دو گروه از پرونده داده‌ها؛
 - انجام محاسبات مختلف بر روی داده‌ها؛

اطلاعات به قصد راهنمایی در امر برنامه‌ریزی و کنترل عملیات یک شرکت می‌باشد. سیستم اطلاعات حسابداری مجموعه‌ای از سیستم پردازش مبادلات مانند حقوق و دستمزد، دارایی ثابت و سیستم فروش می‌باشد. (شکل ۴)

سیستم طراحی شده برای پردازش اطلاعات یا سیستم اطلاعاتی حسابداری باید اطلاعاتی ارائه دهد که:

- با تصمیم‌گیری مورد نظر مربوط باشد؛
- قابل اتکا باشد؛
- به موقع باشد؛
- با دقت ارائه شده باشد؛
- مختصر و مفید باشد.

فعالیت‌های یک سیستم اطلاعاتی حسابداری

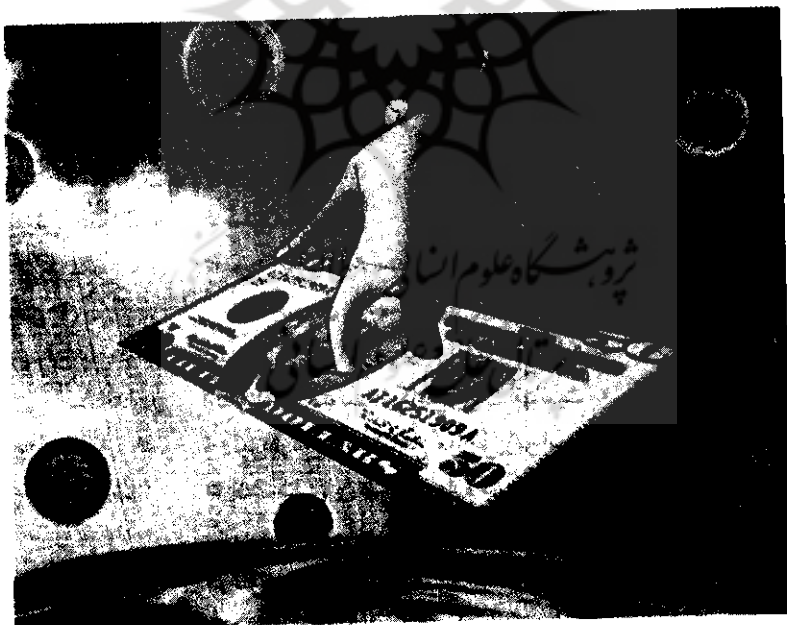
هر سیستم اطلاعات حسابداری پنج فعالیت عمده را اجرا می‌کند.

حسابداری قیمت تمام شده نوین

در دهه ۱۹۲۰ نوعی دفترداری صنعتی یا دفترداری قیمت تمام شده که بعدها حسابداری صنعتی نامیده شده توسط بازوی صنعتی ای. تی. اند. تی، جنرال الکتریک، جنرال موتورز و وسترن الکتریک بوجود آمد.

سیدحسین امامی
کارشناس حسابداری

هیجدهم تقریباً کلیه مؤسسات مالی و تجاری بزرگ، این شیوه حسابداری را به کار می بردند. اما ظهور انقلاب صنعتی^۱ که در نیمه دوم قرن هیجدهم آغاز و تا پایان نیمه اول قرن نوزدهم ادامه یافت، تحولات و تغییرات وسیع اقتصادی و اجتماعی را در پی داشت. این تحولات بنیادین بر



مقدمه

مقاله تحولات آینده سازمانها به قلم اینجانب در شماره ۱۳۳ مجله حسابداری - ویژه پنجمین سمینار سراسری حسابداری - به چاپ رسید. در آن مقاله از حسابداری قیمت تمام شده نوین^۱ به عنوان یکی از چهار مفهومی (مفاهیم دیگر کنترل کیفیت آماری، سازمان جمع و جور

تمامی عرصه های زندگی فردی و اجتماعی مردم اروپا اثر گذاشت و مناسبات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی اروپائی را دگرگون کرده و از طریق این قاره به سراسر جهان راه یافت. بارزترین عرصه تحول در انقلاب صنعتی، قرار گرفتن ماشین در خدمت تولید

پیدایش حسابداری قیمت تمام شده سیستم ثبت دو طرفه^۲ حسابداری که در سال ۱۴۹۴ توسط لوکاپاچیولی (Loca pachioly, 1445- 1517) - پدر علم حسابداری - بنیان گذاری شد، به سرعت در سراسر اروپا رواج یافت و در طول قرن

فرایند تولید، به کارگیری روش نظام یافته) که با هم، برداشت تازه ای از نظریه جدید صنعت و تولید^۲ را ارائه می دهند، یاد شد. در این مقاله، سعی می کنیم در مورد مفهوم حسابداری قیمت تمام شده نوین بیشتر توضیح دهیم.

بود که شیوه تولید را از تولید دستی، به تولید ماشینی متحول کرد. در نخستین سالهای انقلاب صنعتی، تعداد محدودی از کارگاههای دستی بخصوص در صنعت نساجی، در امر تولید از ماشین بهره گرفتند و بر حجم تولیدات خود در مقیاس بزرگ افزودند. اما بزودی استفاده از ماشین تقریباً به تمام عرصه‌های تولید راه یافت و در تمامی رشته‌های تولیدی کارخانه‌هایی ایجاد گردید.

پیدایش و رشد کارخانه‌های بزرگ و کوچک با توانایی ساخت کالاهای همسان به مقدار زیاد از یک سو باعث زوال صنایع دستی، روستایی و خانگی در مدت کوتاهی و از سوی دیگر، موجب رقابت بین کارخانه‌داران شد. وجود رقابت، نیاز به آگاهی از قیمت تمام شده محصول را ایجاب کرد. در پاسخ به این ضرورت در دهه ۱۹۲۰ نوعی دفترداری صنعتی یا دفترداری قیمت تمام شده که بعدها حسابداری صنعتی^۵ نامیده شده توسط بازوی صنعتی ای.تی.اند.تی (A.T & T)، جنرال الکتریک (General Electric)، جنرال موتورز (General Motors) و وسترن الکتریک (Western Electric) بوجود آمد.

سیر تحول حسابداری قیمت تمام شده

حسابداری قیمت تمام شده ابتدایی^۶ بیشتر به گزارش قیمت تمام شده محصولات بر مبنای اطلاعات مالی^۷ گذشته تاکید داشت و در پیش‌بینی آینده از حدس و گمان فراتر نمی‌رفت. اما بزرگتر شدن کارخانه‌ها و پیچیده‌تر شدن روشهای تولید و در نتیجه افزایش تولیدات، رقابت بین واحدهای صنعتی را برای تسلط بر بازارهای پیوسته ملی و همچنین رقابت در عرصه تولیدات به بازارهای جهانی را تشدید کرد و اداره موسسات بزرگ و پیچیده به پیدایش مفهوم مدیریت علمی^۸

انجامید. اعمال مدیریت علمی که به تدریج توسعه می‌یافت، ضرورت فراهم آوردن اطلاعات دقیق و گسترده مالی را تشدید کرد و به دنبال آن روشهای هزینه‌یابی کامل و دقیقی ابداع گردید که با روشهای تحلیلی، ارزیابی کارایی و برنامه‌ریزی و کنترل عملیات همراه شد. با کمک حسابداری قیمت تمام شده، جنرال الکتریک و جنرال موتورز به چنان قیمت‌های رقابت‌آمیزی رسیدند که آنها را در همه جهان سرآمد کرد.

حسابداری قیمت تمام شده تازه به میدان آمده به جنرال موتورز نشان داد که می‌تواند در رنگ و حتی مدل سالانه خودروها، بدون پرداخت هرگونه هزینه اضافی تغییراتی ایجاد کند و بخش بزرگی از مشتریان شرکت فورد (Ford) را به چنگ آورد و عملاً سخن طنزآمیز هنری فورد (Henry Ford) که می‌گوید: "مشتریان هر رنگی را که ما بیلند، تا زمانی که سیاه باشند می‌توانند انتخاب کنند" را بی‌مفهوم کرد.

ضعفهای حسابداری قیمت تمام شده

بعد از جنگ جهانی دوم، به تدریج ضعفهای (کمبودهای) حسابداری قیمت تمام شده آشکار شد، که عبارتند از:

۱) حسابداری قیمت تمام شده با توجه به واقعیتهای دهه ۱۹۲۰ پایه‌ریزی شده که در آن زمانی هزینه کارگران ساده ۸۰ درصد کل هزینه‌های تولید صنعتی، به غیر از قیمت موادخام را تشکیل می‌داد. در نتیجه حسابداری قیمت تمام شده هزینه‌ها را برابر با هزینه‌های کارگری می‌دانست و همه عاملهای دیگر متفرقه به حساب آمده و زیر عنوان کلی سربار^۹ قرار می‌گرفتند.

امروزه کارخانه‌ای که هزینه مستقیم کارگری آن به ۲ درصد هزینه کل برسد. حتی در نیروی انسانی برترین صنایعی که خودروسازی است استثنایی است. شرکت بکمن اینترنمنتس (Backman Instruments) که طبیعت کارش بسیار

نیروی انسانی بر است، هزینه دستمزد مستقیم را متفرقه به حساب می‌آورد. اما حسابداری قیمت تمام شده به گونه‌ای سنتی همچنان بر هزینه دستمزد مستقیم^{۱۱} توجه داشته و با وسواس دقیقه‌های آنرا نیز به حساب می‌آورد.

۲) حسابداری قیمت تمام شده، مزایای به دست آمده از دگرگونیهای فرایند و روشها را عمدتاً به عنوان صرفه‌جویی در نیروی کار به حساب می‌آورد. چنانچه صرفه‌جوییهای دیگر نیز در حسابها وارد شوند، آنها را نیز به همان روش قراردادی هزینه‌های غیر از نیروی کار منظور می‌کند.

۳) سومین کمبود حسابداری قیمت تمام شده مهم‌تر است. این سیستم مانند ساعت آفتابی عمل می‌کند. به هنگام تابش خورشید ساعتها را نشان می‌دهد ولی در روزهای ابری و شبها هیچگونه اطلاعی از زمان نمی‌رساند. حسابداری قیمت تمام شده سنتی^{۱۱} نیز تنها هزینه آنچه را که

هزینه‌های غیرتولیدی مانند: هزینه از کار افتادن دستگاهها، و هزینه فرآورده‌های عیب‌دار را که باید تعمیر و یا اقساط و دوباره‌سازی شوند به دست فراموشی می‌سپارد. زمانهای هدر رفته و غیرتولیدی در همه زمینه‌ها مانند: دستمزد کارمندان و حتی مواد خام، دارای هزینه‌ای همسنگ زمانهای تولیدی هستند. بنابراین نظام حسابداری قیمت تمام شده سنتی هیچکدام از اینها را به حساب نمی‌آورد.

۴) نکته آخر اینکه، حسابداری قیمت تمام شده، هزینه کارخانه را مانند جزیره‌ای مستقل و جدا از پیرامون خود می‌داند. تنها صرفه‌جوییهای درون کارخانه واقعی هستند. باقیمانده همانند سفته بازی و صوری‌اند.

برای مثال دگرگونیهایی که در فرایند صنعتی به وجود می‌آید تاثیر بر پذیرش^{۱۲} یک فرآورده در بازار و یا کیفیت خدمات، به

حساب نمی‌آید. حسابداری قیمت تمام شده سنتی به زحمت هزینه‌های بهبودبخشی و یا نوآوری را پذیرفته و تایید می‌کند.

برای مثال خودکار کردن کارخانه‌ها را به عنوان یک هزینه به حساب می‌آورد ولی هیچگاه به سود حاصل از آن توجه ندارد.

بیش از چهل سال است که همه این موضوعها بر ما روشن هستند و سالهاست که دانشمندان و خبرگان حسابداری، حسابداری دولتی^{۱۲}، حسابداری صنعتی و موسسه‌های حسابداری به سختی می‌کوشند تا این نظام را بهبود بخشند. پیشرفت زیادی در این راه به دست آمده، اما از آنجا که همه کوششها در جهت بهتر کردن همین نظام موجود نیست، کمبودهای آن هنوز پابرجاست.

نتیجه تلاشهای همه جانبه و همکاریهای مشترک سازندگان دستگاههای خودکار، صنایع چندملیتی و حسابداران علاقه‌مند، بوجود آمدن نظام نوینی در حسابداری قیمت تمام شده است که یاریهای کامپیوتری به صنایع جهانی نامیده شده و به کامی^{۱۳} مشهور است. روش کامی که از سال ۱۹۸۶ به کار گرفته شده، آغاز تاثیرگذاری بر فرایند صنعتی است، اما از هم اکنون نشانی از یک انقلاب هوشمندانه^{۱۴} را با خود به همراه دارد. هیجان‌انگیزترین نوآوری مدیریت، امروز در زمینه نظریه‌های حسابداری با شتاب شکل می‌گیرد که بر پایه مفهومیهای تازه، روشهای تازه، شیوه‌های تازه و حتی چیزی که می‌توان آنرا فلسفه نوین اقتصادی^{۱۵} نامید، استوار است و در حالی که در جزئیات ویژه اختلافهای فراوانی وجود دارد، چهره حسابداری قیمت تمام شده روز به روز روشنتر و مشخص‌تر می‌شود.

با روشن شدن کارایی کامی معلوم شد که نظام سنتی حسابداری قابل بازسازی نیست و باید برای آن جانشین قرار داد.

هزینه دستمزد مستقیم در صنعت دیگر معیار درستی برای اندازه‌گیری نخواهد بود. و بنابر بینش نوین، دیگر عوامل تولید (مواد مستقیم^{۱۶}، ساعت کار مستقیم^{۱۷}، و...) نیز چنین حالتی دارند. معیار تازه اندازه‌گیری زمان است.

هزینه یک بخش از زمان باید قطعی تلقی شود و دیگر جایی برای هزینه‌های متغیر^{۱۸} وجود نخواهد داشت.

حتی هزینه مواد خام بیش از آنکه متغیر باشد، ثابت است، زیرا فرآورده‌های عیب‌دار نیز به همان اندازه فرآورده‌های خوب و پذیرفتنی مواد خام مصرف می‌کنند. تنها عاملی که هم متغیر و هم قابل کنترل است، زمانی است که در هر فرایند صرف می‌شود و سود ناشی از هر چیزی است که بتواند این زمان را کاهش دهد.

در نظام حسابداری قیمت تمام شده سنتی، کالاهای موجود در انبار هزینه‌ای در برداشت زیرا به آن هزینه دستمزد مستقیم کارگری تعلق نمی‌گرفت و به آن به چشم یک دارایی نگاه می‌کردند. در حسابداری بهای تمام شده نوین موجودی انبارداری هزینه‌ته‌نشینی است. کالاهایی که در انبار می‌مانند درآمدی ندارند، بنابراین بخشی از سرمایه را به بند کشیده و زمان مصرف می‌کنند. در نتیجه زمانی آنها بالا می‌رود و حسابداری قیمت تمام شده نوین این هزینه زمان را در برابر کالاهایی که زودتر به نقد تبدیل می‌شوند، می‌سنجد.

حسابداری قیمت تمام شده نوین در پی از بین بردن چهارمین کمبود حسابداری قیمت تمام شده سنتی ناتوانی به حساب آوردن اثر دگرگونیهای صنعتی کل کار در نحوه کارکرد کارخانه نیز هست. نمونه اینگونه آثار نتیجه‌های سرمایه‌گذاری در خودکار کردن دستگاهها و یا خطر سرمایه‌گذاری نکردن در زمینه‌هایی است که موجب نوآوری می‌شوند.

هزینه‌ها و بهره‌های درون کارخانه ناشی

از چنین تصمیماتی اینکه به دقت قابل اندازه‌گیری است، اما دنیای کسب و کار در نتیجه‌گیری پی‌آمدها محافظه کارانه عمل می‌کند. این کار حتماً به افزایش فروش کمک خواهد کرد و یا اگر چنین نکنیم با خطر از دست دادن مشتری‌هایمان روبرو خواهیم شد آسان است. اما تبدیل آنها به کمیتهای سنجش‌پذیر چگونه ممکن است؟ اگر عاملهای لمس‌ناپذیری وارد معامله شوند، حسابداری قیمت تمام شده خود با چراها و اماهای تازه روبرو خواهد شد. بنابراین چگونگی انجام این کارها بسیار بحث‌انگیز و داغ است. با این وصف همگی پذیرفته‌اند که تاثیر این عاملها در عملکرد کارخانه، یعنی در حسابداری قیمت تمام شده، باید به حساب آید. هر راهی که برگزیده شود، حسابداری قیمت تمام شده نوین، مدیران را بر آن خواهد داشت تا تصمیماتی صنعتی درون و بیرون از کارخانه را با توجه به زمینه‌های کسب و کار بگیرند.

هزینه‌های مبتنی بر فعالیت

سیستم حسابداری قیمت تمام شده سنتی، چنین فرض می‌کرد که هزینه کل تولید^{۱۹} عبارت از جمع هزینه‌های تولید است. با این حال، هزینه‌ای که از نظر رقابت و سودآوری دارای اهمیت است، هزینه کل فرایند است و این همان چیزی است که سیستم جدید هزینه‌های مبتنی بر فعالیت^{۲۰} آن را ثبت و قابل کنترل می‌کند. پیش‌فرض اساسی آن، این است که فعالیت تجاری صنعتی، فرایند یکپارچه است که از زمان ورود تدارکات، مواد اولیه و قطعات به بازار کارخانه، آغاز و حتی تا بعد از رسیدن کالای تمام شده به دست مصرف‌کننده نهایی ادامه دارد. سرویس، کماکان بخشی از هزینه محصول است و نصب هم، ولو که مشتری پول آن را بپردازد، باز هم کالا به حساب می‌آید. سیستم

حسابداری قیمت تمام شده سنتی، هزینه انجام یک کار، مثلاً حدیده کردن یک پیچ را محاسبه و اندازه گیری می کند یا ساعت خوابیدن یا خرابی ماشینها، هزینه معطلی برای قطعه یا ابزاری، هزینه معطل شدن کالای تولیدی برای حمل، و هزینه کار مجدد روی قطعات معیوب و یا هزینه اوراق کردن قطعات معیوب، هزینه عدم انجام کار که حسابداری قیمت تمام شده سنتی نمی تواند آن را ثبت و ضبط کند، غالباً برابر هزینه انجام کار و گاهی فراتر از آن است. بنابراین هزینه یابی براساس فعالیت، نه تنها کنترل هزینه بهتری را مقدور می سازد، بلکه به نحوی فزاینده کنترل نتایج را هم ممکن می کند.

فرض حسابداری قیمت تمام شده سنتی این است که کار معینی - مثلاً عملیات حرارتی باید انجام شود و دیگر اینکه دقیقاً در همانجایی انجام شود که هم اکنون انجام می شود. هزینه یابی مبتنی بر فعالیت این سوال را مطرح می کند که آیا اصولاً عملیات حرارتی باید انجام شود، یا نه؟ و اگر باید انجام شود، بهترین جای ممکن برای انجام آن کجا است؟

هزینه یابی مبتنی بر فعالیت، آنچه را که زمانی چندین عمل و رویه بود یکپارچه می کند و تجزیه و تحلیل قیمت، تحلیل فرایند، مدیریت و هزینه یابی کیفیت را در تجزیه و تحلیل واحدی ارائه می نماید.

با استفاده از این نحوه برخورد، هزینه یابی مبتنی بر فعالیت می تواند تولید را، به میزان چشمگیری در بعضی از موارد، در حد یک سوم، کاهش دهد که بیشترین تاثیر را احتمالاً در بخش خدمات خواهد داشت. در اغلب شرکتهای تولید صنعتی، حسابداری قیمت تمام شده، ناکافی و نامناسب است ولی صنایع خدماتی - بانکها و فروشگاههای بزرگ زنجیره ای، بیمارستانها، مدارس، روزنامه ها و ایستگاههای رادیو تلویزیونی - در عمل

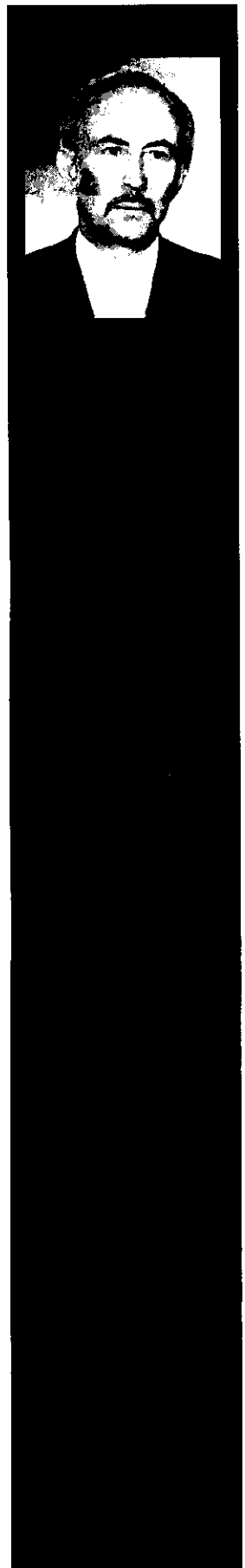
دارای هیچگونه اطلاعات هزینه ای نیستند. هزینه یابی مبتنی بر فعالیت، نشان می دهد که چرا حسابداری تمام شده سنتی در مورد شرکتهای خدماتی، عملی نبوده است. علت آن این است که روشها و تکنیکها غلط بوده است. علت این است که نمی توانند آن طور که شرکتهای تولیدی با حسابداری قیمت تمام شده سنتی عمل کرده اند و با فرض هزینه تک تک عملیات آغاز کنند. آنها باید با این فرض شروع کنند که تنها یک هزینه وجود دارد و آن هزینه شکل سیستم است، که در هر دوره زمانی خاص هزینه ای ثابت است.

تمایز بین هزینه های ثابت و متغیر، که حسابداری قیمت تمام شده سنتی بر آن استوار است، در کارهای خدماتی معنا ندارد. دیگر فرض پایه ای در حسابداری قیمت تمام شده هم که سرمایه می تواند جانشین کار و کارگر شود، نیز بی معنا خواهد بود. در حقیقت، کارهای مبتنی بر دانش، بالاخص در سرمایه گذاریهای اضافی و تکمیلی به نیروی کار بیشتری نیاز هست. بیمارستانی که ابزار جدیدی را برای تشخیص بیماریها، خریداری می کند؛ در نتیجه این خرید، کسی را اخراج نمی کند. بلکه باید چهار یا پنج نفر دیگر را برای تصدی تجهیزات جدید، اضافه کند. دیگر سازمانهای مبتنی بر دانش هم باید این درس را گرفته باشند ولی این فرض دیگر که امکانات و منابع نمی توانند جای یکدیگر را بگیرند، دقیقاً همان فرضهایی هستند که هزینه یابی مبتنی بر فعالیت، با آن فرضها شروع به کار می کند. ما با به کار بردن این فرضها در خدمات برای اولین بار به کسب اطلاعات و کنترل هزینه ها می پردازیم.

برای مثال، بانکها چندین دهه تلاش کرده بودند تا از فنون حسابداری قیمت شده سنتی در فعالیتهای خود استفاده کنند، ولی نتیجه موثری عایدشان نشد. اکنون این پرسش را مطرح کرده اند که کدام یک از

فعاليتها است که هم در مرکز هزینه ها و هم در مرکز درآمدها و نتایج قرار دارد؟ یک پاسخ این سوال، مشتری است. هزینه به ازای هر مشتری - هم حجم خدمات مورد استفاده مشتری و هم ترکیبی از آن خدمات - است که هزینه ها و میزان سودآوری را تعیین می کند. فروشگاههای خرده فروشی تخفیفی، مخصوصاً در اروپای غربی، مدتهاست که این حقیقت را دریافته اند. فرض آنها این است که زمانی که فضای قفسه مشخص و مستقر شده هزینه آن ثابت است و حسن مدیریت عبارت از بیشینه کردن بازدهی آن فضا در یک فاصله زمانی معین است. این توجه و تمرکز به کنترل نتایج، به رغم قیمتتهای نازل و حاشیه کم سود، امکان افزایش سودآوری را برای این خرده فروشان، فراهم ساخته است و در بعضی از زمینه ها، از قبیل آزمایشگاههای تحقیقاتی که اندازه گیری میزان بهره وری^{۲۱} در آنها، دشوار است. شاید بیشتر روی ارزیابی و قضاوتها حساب کنیم تا روی هزینه یابی ولی برای اغلب کارهای خدماتی و مبتنی بر علم، باید بتوانیم ظرف ده سال، ابزار قابل اطمینان برای سنجش و اداره هزینه ها و ارتباط بین هزینه ها و نتایج بوجود آوریم.

تفکر روشستر دربارہ هزینه یابی خدمات، باید بینشهای جدیدی را در رابطه با هزینه های جلب و حفظ مشتریان در انواع فعاليتها، به دست دهد. اگر جنرال موتورز، فورد و کرایسلر (Crausler) در ایالات متحده از هزینه یابی مبتنی بر فعالیت استفاده کرده بودند، زودتر به بهبودگی محض حملات شدید رقابتی خود در بیست سال گذشته، که تخفیفهای چشمگیر و جوایز نقدی کلان به خریداران جدید اتومبیل می داد، پی برده بودند و این تبلیغات در عمل برای این سه خودروساز بزرگ، به بهای مبالغ هنگفتی پول و از آن بدتر، به بهای از دست دادن مشتریان



دیدگان نافذ پیر مرد فروخت

اولین ترمی که به دانشگاه راه یافتیم، یکی از استادانم مرحوم علی خان وثوق بود. جثه‌ای کوچک و چشمانی بانقوذ داشت و بسیار سخت‌کوش بود. همواره لبخندی نیز به لب داشت. آرام و متواضع و فروتن بود، و با ما دانشجویان جوان و ناپخته، بس پدرا نه صحبت می‌کرد. بعدها که خود تدریس در دانشگاه را شروع کردم، با برخی از استادان سابقم - و از جمله آن زنده یاد - همکار شدم، که این برایم افتخاری بس بزرگ بود و در این حرفه همواره حمایت معنوی آنان را با خود داشته‌ام.

از مرحوم دکتر وثوق بیش از همه چیز تلاش و سخت‌کوشی را یاد گرفتیم. افتخار ما - شاگردان قدیمی او - این بود که استاد پیشین ما همواره از نظر عملی به ما بسیار اعتقاد و اعتماد داشت و در همه جا بضاعت و شایستگی ما را بیشتر از آنچه که بود عنوان می‌کرد، به گونه‌ای که در بسیاری از رساله‌هایی که او استاد راهنما بود، حتی یکی از ما را به عنوان استاد مشاور برمی‌گزید و گاه نیز حتی استاد راهنمایی رساله را به ما واگذار می‌کرد و خود با فروتنی تمام مشاورت آن را می‌پذیرفت - شگفتا:

بی‌شک او یکی از خادمان حرفه حسابداری این مرز و بوم است که رسالت خود را با تواضع و بدون ادعا به انجام رساند. خدایش بیامرزد، که بسیاری از فرزندان این آب و خاک نه تنها این حرفه، که منش و رفتار انسانی را نیز از او آموخته‌اند.

مهدی تقوی

شد که توسط حکومت وقت بازداشت شود ولی بعلت صغر سن آزاد گردد. مرحوم ابوالقاسم حالت شاعر نامدار معاصر نیز در سالگرد مجله توفیق در قطعه شعری در وصف او سروده است:

از بس که "علی وثوق" با فرهنگ است
در بحر ادب جو مرغ خوش آهنگ است
در پرتو خامه نگارنده او
این نامه نگارخانه ارژنگ است
همچنین در سنین نوجوانی داستانه‌ها و مقالاتی را که وی از نویسندگان بزرگ ترجمه کرده بود در جراید کثیرالانتشار کیهان و اطلاعات آن روز بچاپ رسیده است.

سوابق تحصیلی و اشتغالات
بعد از اخذ دیپلم متوسطه به استخدام وزارت فرهنگ در آمده و به عنوان دبیر ریاضی و ادبیات فارسی به تدریس اشتغال ورزید و به‌طور همزمان در دانشکده حقوق دانشگاه

فقیه سعید دکتر علی وثوق مدرس، در تاریخ ۱۳۰۱ شمسی در خانواده‌ای علمی - مذهبی پا به عرصه حیات گذاشت. وی در زمان طفولیت نزد مادر فاضله‌اش که بانویی فرهیخته و با ایمان بود خواندن را با قرائت و حفظ آیاتی از قرآن مجید آغاز کرد سپس دوره ابتدایی را در مدرسه مبارکه وثوق که متعلق به پدرش بود طی نمود. پدر او، حاج شیخ محمد جعفر وثوق از فضلا و اندیشمندان بنام زمان خود بود که در فقه و علوم ریاضی - به ویژه (نجوم) و زبانهای عربی و فرانسه تبحر داشت و در مدرسه دارالشفاء تهران آنها را تدریس می‌کرد. برای روانشاد دکتر وثوق نیز بهترین فرصت بود که زبانهای عربی و فرانسه را نزد پدر ارجمندش فراگیرد. وی دوره متوسطه را در دبیرستانهای تدین و توفیق گذراند و هنگامی که هنوز محصل دبیرستان بود در روزنامه‌های آن زمان آثار قلمی و نقاشی و کاریکاتور خود را عرضه می‌نمود. حتی چاپ یکی از کاریکاتورهای ایشان سبب



- مدیریت گروه کارشناسی ارشد حسابداری
 دانشگاه آزاد اسلامی
 عضویت‌ها
 - عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی
 - عضویت فرهنگستان علوم
 - عضویت هیئت ممیزه مرکزی وزارت علوم
 تحقیقات و فناوری
 - عضویت موسس سازمان فنی حرفه‌ای کشور
 - عضویت موسس دانشکده حسابداری در
 تبریز
 - عضویت کارشناسی رسمی حسابداری دادگستری
 - عضویت انجمن حسابداران خبره ایران و
 آمریکا

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی
 - تحقیق پیرامون کاربرد کامپیوتر در حسابداری
 صنعتی
 - نارساییها و مشکلات سازمانی سیستم
 تشخیص در قوانین مالیاتی
 - تاثیر حسابداران رسمی در تعیین مالیات
 شرکتها
 - سیستم حسابداری در مرحله تهیه زغال
 خشک در ذوب آهن اصفهان
 - قیمت تمام شده محصولات در شرکت
 دخانیات ایران
 - بررسی مشکلات استقرار سیستمهای
 اطلاعاتی حسابداری در ایران

تالیفات
 - اصول حسابداری (۱)
 - مسایل حسابداری (۲)
 - حسابداری دولتی و امور مالی شهرداریها
 - اصول حسابداری صنعتی
 - حسابداری شرکتها
 چندین کتاب آماده به چاپ نیز از استاد دکتر
 وثوق وجود دارد که در آینده نزدیک چاپ و
 برای استفاده علاقمندان ارائه خواهد شد.
 مرحوم دکتر وثوق در مدتی بیش از ۵۰ سال
 سابقه تدریس، به عنوان استاد راهنما و یا استاد
 مشاور در راهنمایی متجاوز از ۳۸۰ رساله
 کارشناسی ارشد و یا دکترای دانش‌آموختگان
 شرکت داشته است.

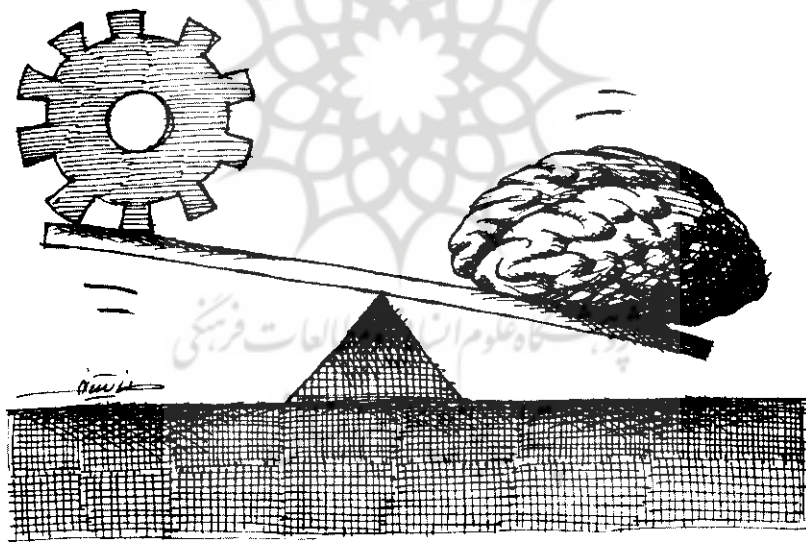
تهران به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۲۶ به
 اخذ درجه کارشناسی در رشته حقوق قضایی
 نایل گردید و از آن زمان بتدریس در دبیرستان و
 مدتی هم به شغل قضاوت پرداخت.
 سپس دوره کارشناسی ارشد علوم اداری را
 در سال ۱۳۳۹ در دانشگاه تهران پایان رسانیده
 و در همین دانشگاه به عنوان مربی مشغول به
 کار شد.
 روانشاد دکتر وثوق دوره دکترای علوم
 سیاسی را نیز در دانشکده حقوق دانشگاه
 تهران طی کرد و رساله دکترای خود را درباره
 حسابداری دولتی و امور مالی شهرداریها در
 سال ۱۳۴۵ دفاع نمود و پس از آن به عنوان
 استادیار دانشگاه کار علمی خود را پی گرفت و
 مدارج دانشیاری و استادی این دانشگاه را
 پی در پی با موفقیت گذرانیده و در سال ۱۳۵۵
 نیز درجه فوق تخصص رشته حسابداری را از
 دانشگاه کالیفرنای جنوبی آمریکا دریافت نمود
 به طوری که اعطای این درجه در زمره اولین
 فوق دکترای تخصصی در این رشته در آن
 دانشگاه بشمار می آمد.

فقید سعید، دکتر وثوق از سال ۱۳۵۱
 مدیریت دپارتمان حسابداری دانشکده علوم
 اداری و مدیریت بازرگانی سابق را به عهده
 گرفت و بعد از چند سال تصدی معاونت
 دانشکده مذکور، بعد از پیروزی انقلاب به
 عنوان رئیس انتخابی دانشکده بمدت هشت
 سال انجام وظیفه کرد.
 روان شاد دکتر وثوق علاوه بر تصدی معاونت
 دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی آن
 زمان فعالیت‌های خود را در مراکز زیر دنبال کرده
 است:
 - مدرسه عالی بازرگانی سابق (دانشگاه علامه
 طباطبائی فعلی)
 - استاد دانشگاه شهیدبهبشتی
 - استاد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
 - استاد دانشگاه پلیس
 - استاد دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد
 اسلامی
 - استاد دانشکده علوم اداری و قضایی قم
 - استاد دوره بازآموزی اتحادیه شهرداریهای
 کشور

مهندسی مالی

پس از سالها تجربه، صاحبانظران و دست‌اندرکاران امور اقتصادی به این نتیجه رسیده‌اند که برای ایجاد کارایی در تولید، باید بخش خصوصی با انگیزه سود و رقابت پا به میدان بگذارد تا بدان وسیله بسیاری از شرکتهای دولتی از بن‌بست کاهش کارایی رهایی یابند و از آن رهگذر از منابع به‌نحو بهینه‌ای استفاده شود.

مهران جوادپور



اشاره

از زمان شروع برنامه اول توسعه اقتصادی، بحث خصوصی‌سازی و واگذاری شرکتهای به بخش خصوصی به‌عنوان اصلی‌ترین موضوع فراراه توسعه اقتصادی شناخته شده است؛ به عبارت دیگر پس از سالها تجربه، صاحبانظران و

عواملی که باعث جذب نقدینگی و سوق آن به‌طرف تولید می‌شوند، وجود داشته باشند، متاسفانه بورس اوراق بهادار تهران هنوز نتوانسته به‌عنوان یک بازار مالی موثر رسالت خود را انجام دهد؛ رسالتی که می‌تواند کمک شایانی به کاهش تورم کند^(۳). بورس تهران از مشکلات

بسیاری رنج می‌برد، نبود اوراق بهادار متنوع و تبدیل شدن بورس به بازار ثانویه‌ای که اغلب به داد و ستد اوراق بین سفته‌بازان می‌پردازد، از جمله مشکلات مهم بورس تهران است. در این مقاله سعی داریم با آشنایی مختصری که از مهندسی مالی ارائه می‌کنیم، تخصصی را معرفی کنیم که می‌تواند در ایجاد تنوع اوراق بهادار کمک بسیار زیادی به بورس کند. ایجاد تنوع در

را میسر سازد. بورس اوراق بهادار و ابزاری که در آن وجود دارد، از مهمترین اهرمهای خصوصی‌سازی بشمار می‌روند. بورس اوراق بهادار کشورهای پیشرفته صنعتی مهمترین عامل تهیه منابع مالی برای تولیدکنندگان قلمداد می‌شود. بورس را تنها به‌عنوان یک محل برای دادوستد اوراق بهادار تعریف نمی‌کنیم، بلکه محلی است با ویژگیهای خاص خود؛ در این محل باید

دست‌اندرکاران امور اقتصادی به این نتیجه رسیده‌اند که برای ایجاد کارایی در تولید، باید بخش خصوصی با انگیزه سود و رقابت پا به میدان بگذارد تا بدان وسیله بسیاری از شرکتهای دولتی از بن‌بست کاهش کارایی رهایی یابند و از آن رهگذر از منابع به‌نحو بهینه‌ای استفاده شود.

انجام هر عملی نیاز به ابزار دارد؛ ابزاری که بتواند به‌نحو چشمگیری رسیدن به هدف

اوراق بهادار بسیار حائز اهمیت است، چرا که مردم دارای سلیقه‌ها و درجه ریسک‌پذیری متفاوتی هستند، بسیاری از افرادی که با خرید اوراق مشارکت از اینکه مثلاً سالانه بیست درصد بازده ثابت بدست می‌آورند خوشحالند و بسیاری از افرادی که درجه ریسک‌پذیری‌شان زیاد است و به خرید سهام عادی روی می‌آورند. اما همچنین بسیاری از افرادی که ما بین این دو طیف قرار دارند، به‌عنوان مثال تمایل دارند به‌عنوان مالکان شرکت قلمداد شوند اما در این حال از سود ثابتی نیز بهره‌مند گردند. (خریداران سهام ممتاز). متأسفانه در بورس تهران تنها می‌توان اوراق مشارکت و سهام عادی را مشاهده کرد و تنها افراد بسیار ریسک‌پذیر و بسیار ریسک‌گریز جذب آنجا می‌شوند و جایی برای افراد دیگر وجود ندارد، از این رو بخش عظیمی از مردم و سرمایه‌گذاران از لیست مشتریان بورس حذف می‌شوند.

تاریخچه مهندسی مالی

اصطلاح مهندسی مالی برای اولین بار بوسیله بانکهای لندن در اواسط دهه ۱۹۸۰، به منظور راه‌اندازی دپارتمان مدیریت ریسک بوجود آمد و شامل گروهی از متخصصان بود که هر کدام در زمینه ریسک شرکتی، مهارت داشتند. این گروه‌ها یک نگرش استراتژی جدید برای مدیریت ریسک ارائه کردند. آنها تمامی ریسکهای مالی را که برای شرکتها وجود داشت، مورد آزمایش قرار دادند. وظایف اصلی آنها عبارت بود از:

۱- شناخت ریسک.

۲- اندازه‌گیری ریسک.

۳- تعیین انواع نتایج مدیریت شرکتها همه موارد فوق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت؛ به موازات تکمیل این تجزیه و تحلیلها، گروه مهارتهای مهندسی مالی را روشن می‌ساخت.

نقش مهندسی مالی

سه نقش اصلی مهندسان مالی عبارتند از:

۱- بوجود آوردن بازار

۲- ابداع

۳- پیدا کردن روزه قانونی

سازندگان بازار معامله‌ای را ترتیب می‌دهند که نیازهای مشتری را برآورده سازد و سپس براساس ایده مشتری، به او فروش می‌کنند. یک معامله تنها زمانی بهترین است که با حداقل هزینه، اهداف مشتری را تامین کند. منظور از ابداع این است که اوراق بهادار و فرایندهای جدید معرفی شوند، آنها اغلب روی اوراق جدید کار می‌کنند، اوراقی که نیازهای مشتری را برآورده سازد و مشتری در آن زمان نتواند با اوراق موجود، نیاز خود را برآورده سازد.

همچنین مهندسان مالی در پی یافتن روزه‌ای برای بهره‌برداری از قوانین موجود هستند، مثلاً با استفاده از قوانین مالیاتی و آربیتراژ^۱ سعی می‌کنند سود را افزایش دهند.

مهندسان مالی موفق همیشه در تئوریهای مالی با ریاضیات سروکار دارند آنها خیلی سریع ایده‌ها را به چنگ می‌آورند و به آسانی اجزای ترکیب دهنده آنها را می‌یابند. آنها سعی می‌کنند بسیار آزاد فکر کنند و از محصور شدن می‌پرهیزند. آنها همچنین سعی می‌کنند خلاق باشند، هرگاه به آنان بگویند که نمی‌توان فلان کار را انجام داد، بلافاصله می‌پرسند "چرا؟"

ابزار مهندسان مالی

رشته مهندسی مالی، مانند سایر رشته‌های مهندسی، به ابزار نیاز دارد؛ این ابزار را می‌توان به دو بخش مفهومی و فیزیکی تقسیم کرد. در ابزار مفهومی، امور مالی به مثابه یک سیستم در نظر گرفته می‌شود. بسیاری از ابزارهای مفهومی بخشی از مدیریت مالی جدید به‌شمار می‌روند و بسیاری دیگر، برای مطالعات سیستماتیک مهندسی مالی به‌کار می‌روند.

مثلهایی از ابزار مفهومی عبارتند از: تئوری ارزش، تئوری پرتفولیو^۲ و تئوری مصونیت^۳.

ابزار فیزیکی شامل ابزارها و فرایندهایی است که می‌توانند برخی از اهداف خاص را با یکدیگر پیوند دهند. این ابزار شامل اوراق بهادار با درآمد ثابت^۴، پیمانهای آتی^۵، اختیارات خرید و فروش^۶، سوآپ^۷ و بسیاری از ابزارهای دیگر می‌شود.

حوزه فعالیت مهندسی مالی

مهندسی مالی با طراحی، توسعه، ابداع فرایندها و ابزار مالی و فرمولهای پدیده آورنده راه‌حلهای مسائل مالی، سروکار دارد. بنابراین ابداع و خلاقیت، دو ابزار بسیار مهم در مهندسی مالی قلمداد می‌شوند. ابداع سوآپ، اوراق بهادار سازمانهای دولتی با پشتوانه اقساط ناشی از وامهای رهنی^۸، اوراق قرضه بدون بهره^۹ و اوراق قرضه بسنجل^{۱۰}، همگی از فعالیتهای مهندسی مالی به‌شمار می‌روند.

علاوه بر این، مهندسی مالی نقش تغییر عقاید کهنه مالی و تبدیل آنها به عقاید نو و جدید را نیز به‌عهده دارد. معرفی سوآپ و صندوقهای مشترک سرمایه‌گذاری به شکلی جدید، از فعالیتهای دیگر مهندسی مالی است. همچنین مهندسی مالی در حال ترکیب مدلها و ابزارهای مالی، به‌منظور پدید آوردن مدلها و ابزار است؛ مثلهایی از فعالیتهای بسیار مفید مهندسی مالی عبارتند از: استفاده از روشهای موجود به‌منظور کاهش ریسک مالی شرکتها، کاهش هزینه تامین مالی، افزایش سود حسابداری و افزایش کارایی بازار.

حوزه فعالیت مهندسان مالی تنها به شرکتها محدود نمی‌شود؛ بسیاری از ابداعات مالی خلاق، در سطح فردی نیز بوجود آمده است که گاهی با عنوان سطح مشتری^{۱۱} معرفی می‌شوند. در این ارتباط

می‌توان از حساب بازنشستگی فردی^{۱۲}، طرح‌های بازنشستگی انفرادی^{۱۳} و انواع بیمه‌های عمر را نام برد.

از جنبه عملی، مهندسان مالی فعالیت‌های گسترده‌ای دارند که شامل مدیریت مالی شرکتها، مدیریت پولی و سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک^{۱۴} می‌گردد.

در زمینه مدیریت مالی شرکتها، مهندسان مالی اغلب به منظور توسعه ابزارهای جدید، برای اطمینان از تامین مالی مورد نیاز شرکتها بزرگ، به کار گرفته می‌شوند. طبیعت پیچیده تامین مالی ایجاب می‌کند که از ابزارهای گوناگون یا ترکیبی از آنها، استفاده شود و این مهم میسر نمی‌شود جز در سایه تخصص پیچیده مالی.

از جمله فعالیت‌های دیگر مهندسان مالی در زمینه مدیریت مالی، می‌توان به ادغام و جذب^{۱۵} و تصاحب^{۱۶} و خرید یک شرکت با استفاده از وام^{۱۷} اشاره کرد.

مهندسان مالی در خلق اوراق بهادار جدید و اوراق مشتقه^{۱۸} فعالیت‌های چشمگیری از خود نشان داده‌اند. آنها اشکال متنوعی از آریترایز و شبه آریترایز^{۱۹} را پدید آورده‌اند که از حیث زمان، مکان، ریسک، سنگناهای قانونی و نرخهای مالیات، می‌توانند برای شرکت بسیار سودمند واقع شوند. آریترایز مکان عبارت است اتصال بین بازار پیمانهای آتی^{۲۰} به نحوی که معاملات انجام شده در بازارهای امریکا می‌توانند با معاملات انجام شده در بازارهای خارجی به گونه‌ای پایاپای شوند که از خاصیت معامله خنثی‌کننده^{۲۱} استفاده گردد.

پی‌نوشت

1. Arbitrage

خرید و فروش همزمان اوراق بهادار در دو بازار مختلف با هدف کسب سود از طریق اختلاف قیمت دو بازار.

2. Portfolio Theory

تئوری پرتفوی تصمیمات سرمایه‌گذاری در مجموعه‌ای از اوراق بهادار را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد، در این تئوری تجزیه و تحلیل ریسک و بازده مجموعه اوراق بهادار مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

3. Hedging Theory

در این تئوری روشهای مصون ماندن از ریسک ناشی از تغییر قیمت‌های اوراق بهادار مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

4. Fixed income securities

اوراقی که نرخ بهره ثابت از پیش تعیین شده دارند مانند اوراق قرضه.

5. Futures contracts

قراردادهایی است که در آن خریدار و فروشنده متعهد می‌گردند کالا و پول در تاریخ معینی در آینده بین آنها رد و بدل گردد. این قراردادها در بورسهای مختلف جهان مورد معامله قرار می‌گیرند. پیمانهای آتی برای کالاهایی مانند انواع فلزات گرانبها، غلات، گوشت، ارزهای خارجی و غیره منعقد می‌گردد.

6. Options

برگه‌های اختیار خرید یا فروش سهام عادی به قیمتی معین تا زمان مشخص. برگه‌های اختیار به دو دسته زیر تقسیم می‌شوند:

الف - Call option: (برگه اختیار خرید) - قراردادی است که بین خریدار و فروشنده سهام منعقد می‌گردد و به خریدار حق خرید تعداد معینی از سهام خاص با قیمت مشخص تا تاریخ تعیین شده در قرارداد اعطا می‌کند. بدیهی است در صورتی خریدار از حق خود استفاده می‌کند که قیمت بازار سهام از قیمت ذکر شده در قرارداد بالاتر رود. پس از انقضای تاریخ تعیین شده در قرارداد، برگه اختیار خرید باطل می‌گردد.

ب - Put option: (برگه اختیار فروش) - قراردادی است که بین خریدار و فروشنده سهام منعقد می‌گردد و به فروشنده حق فروش تعداد معینی از سهام خاص را با قیمت مشخص تا تاریخ تعیین شده در قرارداد اعطا می‌کند، بدیهی است در صورتی فروشنده از حق خود استفاده می‌کند که قیمت بازار سهام از قیمت ذکر شده در قرارداد کمتر شود. پس از انقضای تاریخ تعیین شده در قرارداد، برگه اختیار فروش باطل می‌گردد.

7. Swaps

فروش یک نوع اوراق بهادار و خرید اوراق بهادار مشابه به قصد کاهش مالیات یا افزایش بازده.

8. Mortgage - backed certificate security

9. Zero coupon bonds

نوعی اوراق قرضه بدون بهره است. این اوراق در زمان فروش، زیر قیمت اسمی بفروش می‌رسد و در طول عمر آن هیچگونه بهره‌ای به این اوراق تعلق نمی‌گیرد. خریدار در سررسید معادل مبلغ اسمی اوراق از انتشاردهنده دریافت می‌کند.

10. Junk bonds

نوعی اوراق قرضه با ریسک بسیار بالاست. درجه اعتبار این نوع اوراق از نظر بازپرداخت اصل و بهره، بسیار پایین است، از این رو موسسات منتشر کننده این اوراق مجبورند نرخ بازده بالایی برای آنها تعیین کنند تا بتوانند آنها را در بازار بفروش رسانند.

11. Consumer level

12. Individual Retirement Account

حساب بازنشستگی فردی: حسابی است در یک صندوق بازنشستگی، افتتاح‌کننده آن حساب می‌تواند بخشی از درآمد قبل از مالیات خود را در این صندوق سرمایه‌گذاری کند و از مزایای خاص مالیاتی بهره‌مند گردد.

13. Keogh plans

در آمریکا کسانی که برای خود کار می‌کنند، می‌توانند درصدی از درآمد قبل از مالیات خود را حداکثر تا سقف معینی به صندوق بازنشستگی واریز نمایند و در زمان بازنشستگی از مزایای آن بهره‌مند شوند. به این برنامه، طرح بازنشستگی انفرادی گویند.

14. Risk management

مدیریت ریسک عبارت است از بررسی و مطالعه ریسکهای مختلف سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار و به حداقل رساندن آنها با توجه به بازده‌های متظره.

15.16. Merger & Acquisition

Merger: (ادغام دو شرکت): به شرايطی اطلاق می‌شود که دو شرکت در یکدیگر ادغام شوند و شخصیت حقوقی یکی از آنها از بین برود.

Acquisition: (تصاحب یک شرکت توسط شرکت دیگر): به شرايطی اطلاق می‌شود که یک شرکت به قصد کنترل شرکت دیگر مقدار زیادی از سهام آن شرکت را خریداری کند. برای تصاحب شرکت‌های کوچک، که سهام آنها به‌نحو گسترده‌ای توزیع نشده است، این مقدار باید بیش از ۵۰ درصد باشد، اما اگر سهام شرکت سرمایه‌پذیر به‌طور گسترده‌ای توزیع شده باشد، برای تصاحب آن نیاز نیست که این مقدار بیش از ۵۰ درصد باشد. در تصاحب، شخصیت حقوقی شرکت سرمایه‌پذیر از بین نمی‌رود.

17. Leveraged buy out (LBOs)

در این روش، داراییهای شرکت خریداری شده به‌عنوان وثیقه وام معرفی می‌گردد و بازپرداخت بدهی شرکت خریدار از محل جریان نقدی شرکت صورت می‌گیرد.

18. Derivative securities

19. Quasiarbitrage

20. Futures exchanges

21. Offset

منابع

- جهانخانی، علی و علی پارساییان، فرهنگ اصطلاحات مالی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۵
- جهانخانی، علی و علی پارساییان، بورس اوراق بهادار تهران، تهران: انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۴
- جوادیپور، مهران بررسی رابطه بین تغییرات نامگرهای پیشرو اقتصادی و تغییرات شاخص قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه تحقیقات مالی، شماره ۹ و ۱۰، زمستان ۱۳۷۴ و بهار ۱۳۷۵.
- Marshall, John F. and Vipul K. Bansal. Financial engineering. New York: New York institute of finance, 1992.

نگاهی به تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت

بر اساس تئوری نمایندگی، موجودیت یک واحد تجاری بر مبنای قراردادهای منعقد شده است. این قراردادها می‌تواند به صورت رسمی باشد (نظیر قراردادهای استقراض، طرح حقوق و مزایای مدیران، نمودار سازمانی و ...) و یا به طور غیررسمی (مانند روشهای کاری مکتوب نشده)

محمد سیرانی

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه تهران

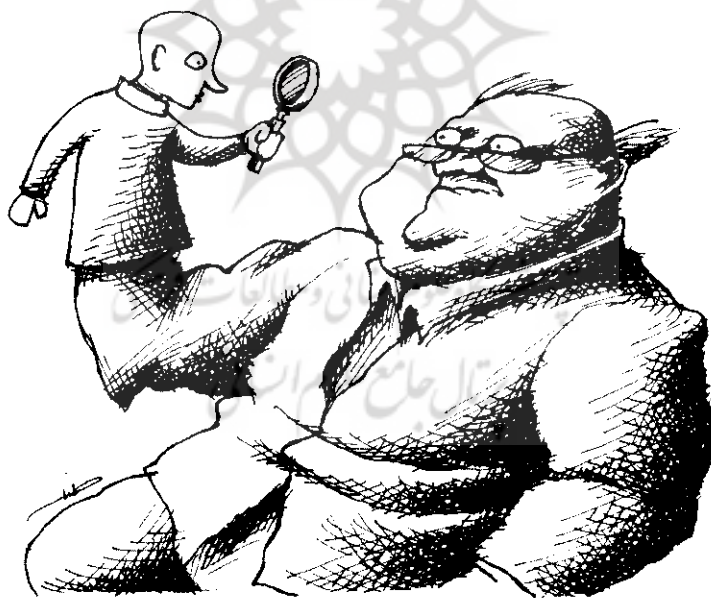
برخی از این مطالعات در جدول شماره ۱ آمده است.

تئوری نمایندگی در حسابرسی

خانم واندا والس (Wanda A. Wallace)

تئوری یاد شده را در مدل خود به عنوان یکی از عوامل توجیه ضرورت تقاضا برای حسابرسی مطرح

می‌کند. زمانی که رابطه مدیر و سهامداران مطرح است، طبیعی است که مدیر برای بهینه کردن منافع خویش دست به حرکتی بزند که به منافع سهامداران لطمه وارد کند. پس سهامداران نیاز به یک مکانیزم کنترلی دارند. این مکانیزم کنترلی در قالب موضوع حسابرسی شکل گرفته و منجر به یک



رابطه نمایندگی قراردادی است که بر اساس آن رئیس، مباشر، نماینده یا عاملی^۲ از جانب خود انتخاب کرده و اختیار تصمیم‌گیری را به او تفویض می‌کند.

بر اساس تئوری نمایندگی، موجودیت یک واحد تجاری بر مبنای قراردادهای منعقد شده است. این

قراردادها می‌تواند به صورت رسمی باشد (نظیر قراردادهای استقراض، طرح حقوق و مزایای مدیران، نمودار سازمانی و ...) و یا به طور غیررسمی (مانند روشهای کاری مکتوب نشده).

موضوع تئوری نمایندگی مطالعه تعارض بین رئیس و عامل است. این تضاد

از متفاوت بودن هدفهای آنان ناشی می‌شود. در سالهای اخیر موضوع رئیس-عامل به طور گسترده‌ای در متون تئوریک مورد بررسی قرار گرفته و این تئوری در حیطه‌های مختلفی مانند حسابداری مدیریت، حسابرسی، پاداش مدیران، قراردادهای استقراض و ... به کار رفته است.

جدول شماره ۱

حیطه و موضوع مورد بررسی	توسط	ارائه شده در:
حسابرسی	Wanda A. Wallace	-Wallace, W.A. "The Economic Role of the Audit in in Free and Regulated Market". Rochester, N.Y: University of Rochester, 1980.
پاداش مدیران	Jensen and Meckling	-Jensen and Meckling "Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure" , Journal of Financial Economics 3 (October 1976) pp. 305-360
قراردادهای استقراض		-Zimmerman, J. "Positive Accounting Theory", University of Rochester, 1986
تملك، واگذاری و خرید شرکتها	Fama and Miller	-Fama and Miller.: Theories of Finance, Orydryden Press
حسابداری مدیریت (مبحث قیمتگذاری انتقالی و تخصیص هزینه)	Kyung Tae lee	-Lee, Kyung Tae, "Optimal control system in Managrial Accounting" University of California, 1992
حسابداری مدیریت	S.Baiman	-Baiman. S., "Agency Research in Managenial Accounting: A Survey" Journal of Accounting Literature (Spring 1982), 154-213

(Meckling) مدل‌هایی را برای قرارداد بین مدیر و سهامدار ارائه کردند و رفتار مدیر را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند مدل‌های یاد شده عبارتند از:

قرارداد بین مدیر خویش فرما و سرمایه‌گذاران بدون حق رای زمانی که مدیر خویش فرما مالک ۱۰۰ درصد شرکت است.

با فرض عدم تاثیر مالیاتی در چنین حالتی مدیر خویش فرما از ریخت و پاش و ایجاد هزینه‌های اضافی خویشنداری می‌کند، چرا که از این بابت خودش متضرر می‌گردد.

زمانی که مدیر خویش فرما (مدیر مالک) بخشی از سهام بدون حق رای را به دیگران واگذار نموده است؛

در این حالت چون هزینه‌های اضافی ناشی از منفعت شخصی مدیر (تظیر مسافرت‌های غیر ضروری، ایجاد محیط کار

تئوری نمایندگی در پاداش مدیران یک قرارداد موثر و کارا در مدیر این انگیزه را ایجاد می‌کند که ارزش شرکت را به حداکثر رساند. این قراردادهای بر دو نوع است.

۱- مبتنی بر سود حسابداری
 ۲- مبتنی بر ارزش شرکت
 هر یک از طرفین (مدیر و سهامدار) سعی دارند که منافع شخصی خود را حداکثر کنند. منافع فردی هر یک نیز بستگی به تابع مطلوبیت‌شان دارد، که این تابع مطلوبیت در خصوص مدیر و سهامدار یکسان نیست. برای مثال اگر تابع مطلوبیت یک مدیر داشتن دفتر کاری زیبا، منشی‌های متعدد و مسافرت‌های خارجی غیر ضروری باشد و در این راه مبالغ قابل توجهی هزینه کند، سهامدار سعی می‌کند با انعقاد قرارداد جهت جلوگیری از صرف هزینه‌های یاد شده اقدام کند.

جensen (Jensen) و مک‌لینگ

اعتماد نسبی بین مدیر و سهامدار گردیده است.

در به کارگیری این تئوری با تأکید بر مفروضات ذیل این استنتاج مطرح می‌شود که مدیر متقاضی خدمات حسابرسی است:

۱- تضاد منافع بین مدیر و سهامدار منجر به سوء رفتار مدیر می‌گردد.

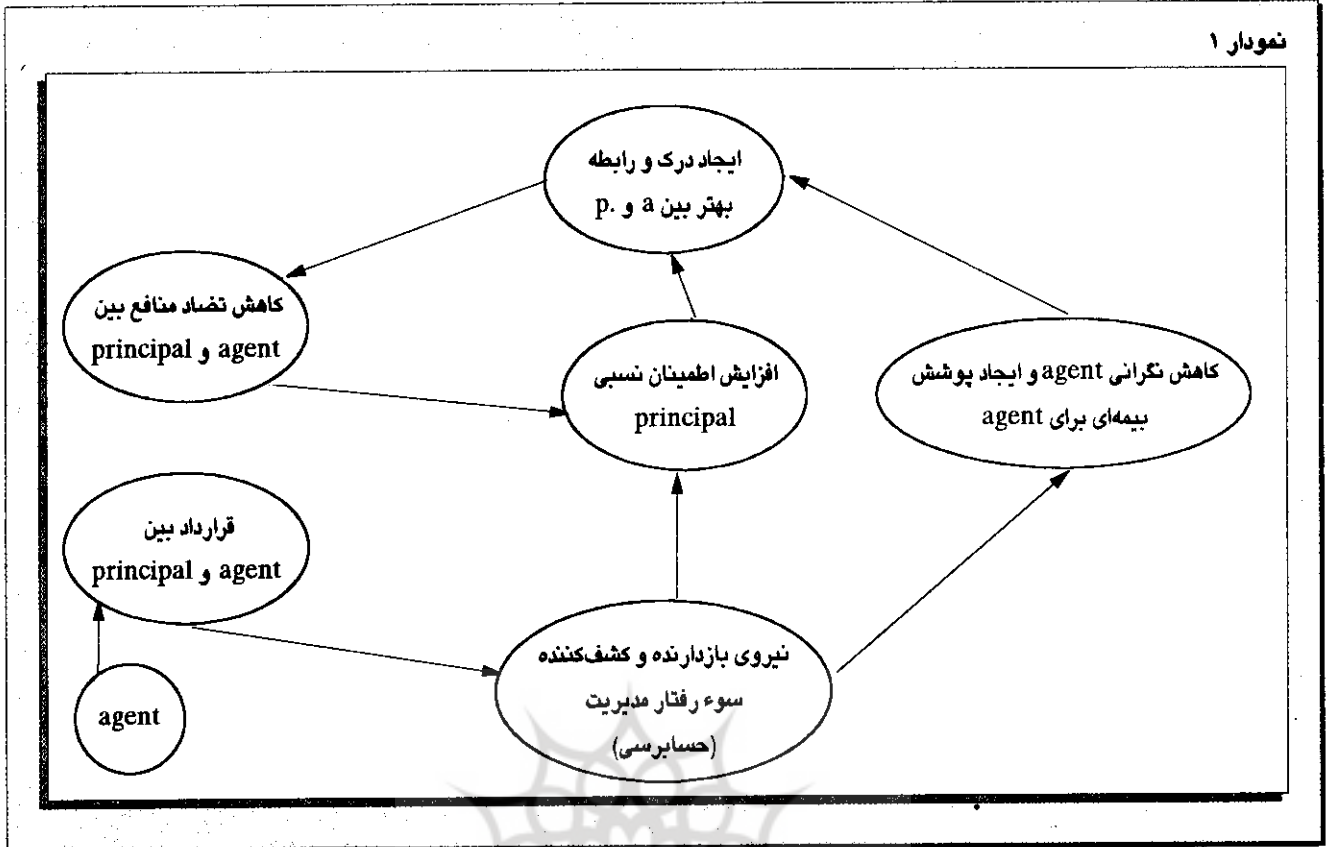
۲- نحوه سوء رفتار مدیریت از سوی سهامدار قابل پیش‌بینی است.

۳- میزان زیان ناشی از سوء رفتار قابل برآورد است.

۴- سهامدار در شرایطی است که برای جبران زیان برآوردی‌اش می‌تواند حقوق و مزایای مدیر را تعدیل کند.

۵- میزان تعدیلات بیش از هزینه حسابرسی است.

۶- حسابرسی اعتماد نسبی را برای نیروی بازدارنده یا کشف کننده سوء مدیریت را فراهم می‌سازد. (نمودار ۱)



انگیزه‌ای برای انجام درست کارها و عدم دخالت و نهایتاً کاهش هزینه‌ها را بدنبال دارد.

البته موضوع استقراض باعث می‌شود که مدیر خویش‌فرما از راههای دیگر به انتقال ثروت از طلبکاران به خود مبادرت ورزد برخی از آنها به شرح زیر است:
- افزایش نسبت بدهی و متعاقب آن افزایش ریسک شرکت؛

- به‌کارگیری تمامی پروژه‌هایی که NPV آنها مثبت است (بدون توجه به پراکندگی و انحراف معیار جریان‌ات نقدی پروژه) و در نتیجه مواجه شدن شرکت با فقدان میعان نقدینگی و عدم توان بازپرداخت دیون.

با توجه به موارد یاد شده ضرورت وجود قرارداد جهت محدود کردن فعالیت مدیر مطرح می‌گردد که این‌گونه قراردادها در قالب مدل رئیس و عامل معنی و مفهوم ۳۷ می‌یابد.

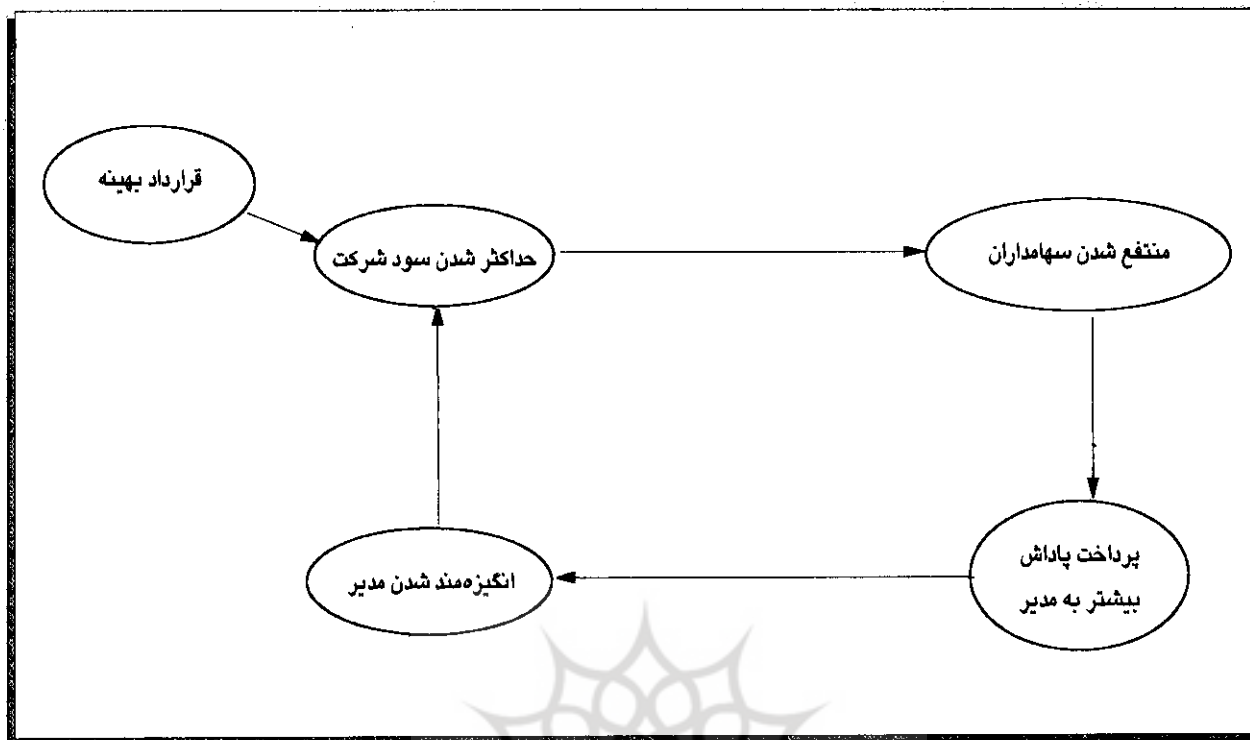
متقاعد کند که به قراردادش پایبند است. در این صورت چنانچه هزینه قرارداد کمتر از هزینه‌های شخصی و غیرضروری باشد سهام با ارزش بیشتری - نسبت به حالتی که قراردادی وجود ندارد - به فروش می‌رسد. از این رو همان‌گونه که قبلاً گفته شد مدیرعامل دارای انگیزه‌ای برای اطلاع‌رسانی به سهامدار در قالب حسابرسی است. (نمودار ۲)

تئوری نمایندگی در قراردادهای استقراض

انگیزه مدیر برای تحمیل هزینه‌های شخصی غیرضروری، متعاقب آن محدودیتهای اعمال‌شده از سوی سهامداران برون سازمانی بر مدیریت، ... منجر گردید که پیشنهاد شود به‌منظور کاهش هزینه‌های مدیرعامل، به‌جای ایجاد حق برای سهامدار غیر، ادعایی با ارزش اسمی ثابت (بدهی) منتشر شود که این امر

تجملاتی... با توجه به واگذاری بخشی از سهام شرکت به دیگران، برای مدیر هزینه کمتری در بردارد. طبیعی است که مدیر دست به چنین اقداماتی زند. نکته مهمی که مقاله به آن اشاره دارد این است که صرفاً در صورتی که بازار سرمایه کارا باشد سهامداران برون‌سازمانی به‌طور متوسط از بابت سوء رفتار مدیر متضرر نمی‌شوند، چراکه هزینه‌های غیرضروری در کوتاه‌مدت اثر خود را بر بهای سهام می‌گذارد و آن را تعدیل می‌کند.

مدیر خویش‌فرما با سهامداران برون سازمانی و وجود هزینه‌های نظارتی در این حالت مدیر به‌منظور اطمینان بخشیدن به سهامداران برون سازمانی از عدم انجام هزینه‌های غیرضروری، به انعقاد قرارداد می‌پردازد. (فعالیت محدودکننده) و سپس با صرف هزینه‌ای آن‌را به اطلاع آنان می‌رساند (فعالیت آگاهی‌دهنده) تا بازار را



مدیریت کردند. آنها همچنین دریافتند که وظیفه قیمت تمام شده باید متفاوت از وظایف تصمیم‌گیری باشد. در نتیجه علوم مدیریت، تئوریهای آماری و اقتصادی و مدل‌های ریاضی را به منظور بسط و گسترش مدل‌های حسابداری مدیریت به کار گرفتند. این رهیافت بین چندرشته‌ای^۴ منجر به توسعه حسابداری مدیریت که اطلاعات سودمندی را برای تصمیم‌گیری‌ها و کنترل‌های داخلی تهیه می‌کند، گردیده است. همراه با پیشرفت‌های علم اقتصاد، روش جدیدی برای فراهم کردن یک چارچوب ساختاری حسابداری مدیریت به وجود آمد. رهیافت اطلاعات اقتصادی به سیستم حسابداری مدیریت به عنوان یک سیستم اطلاعاتی نگاه می‌کرد. ارزش یک سیستم حسابداری مدیریت تنها در صورتی می‌تواند محقق جلوه کند که مطلوبیت مورد انتظار تصمیم‌گیرندگان را افزایش دهد.

در این مقاله دو سیستم کنترلی مهم در ادامه در صفحه ۷۷

سهامدار تغییر یافته‌اند، برنده بوده‌اند. از جمله شیوه‌های رایج خرید شرکتها می‌توان از تملک اهرمی^۳ نام برد.

تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت
حسابداری مدیریت از سیستم حسابداری قیمت تمام شده که در ابتدا به منظور شناخت هزینه‌ای ساخت محصولات جهت تهیه گزارشهای خارجی ایجاد گردیده بود، نشأت گرفته، و تکامل یافته است، هدف ابتدایی حسابداری قیمت تمام شده تسهیم هزینه‌ها به محصول قابل تفکیک به کالای فروش رفته و موجودی انبار بود.

از آنجا که حسابداران دریافتند که وظیفه هزینه‌یابی بهای تمام شده برای هدفهای گزارشگری مالی، الزاماً مرتبط با هدفهای تصمیم‌گیری‌های متنوع درون سازمانی نیست شروع به طراحی سیستم کنترل

تئوری نمایندگی در تملک و واگذاری شرکتها

کاهش هزینه‌های مدیر (عامل) و از طرفی تلاش و بهره‌وری بیشتر از سوی وی، موفقیت و رشد شرکت را بدنبال دارد. در دو دهه اخیر در برخی از کشورهای صنعتی و پیشرفته، مدیران شرکت‌های تحت مدیریت خود را خریداری کرده‌اند. این معاملات غالباً به دلیل بدهیهای زیاد صورت پذیرفته و در اغلب موارد منجر به موفقیت شرکتها در بازپرداخت بدهی و جلوگیری از ورشکستگی و ایجاد چرخه رشد و افزایش قیمت سهام را بدنبال داشته است.

از اجزای چرخه (سیکل) رشد می‌توان بهبود مدیریت نقدینگی و سرمایه در گردش، کاهش هزینه‌ها، تجدید ساختار پرسنلی و مدیریتی، ایجاد رابطه مناسب و منطقی بین پرداختها و دریافتها را نام برد.

در این تملکها هم مدیران، هم سهامداران و هم طلبکارانی که بعداً به

بررسی نقش عوامل موثر بر هموارسازی سود

در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

هدف از این تحقیق، شناسایی بعضی از عواملی است که احتمال دارد بر هموارسازی سود موثر باشند. شرکتهای انتخاب شده، ۱۰۴ شرکت از ۱۹۶ شرکت پذیرفته شده در بازار بورس تهران طی سالهای ۱۳۶۹ لغایت ۱۳۷۴ است.

حمیدرضا جوادیان کوتابی

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی فیروزکوه

این مقاله به سه بخش تقسیم شده است:

اول- بازنگری ادبیات

دوم- متدولوژی و روشهای تحقیق

سوم- تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده

بازنگری ادبیات^۱

گوردون، هورویتز و میرس (Gordon, Horwitz and Meyers, 1966) ارتباط بین رویه حسابداری تشویق مالیاتی سرمایه گذاری (ابزار هموارسازی سود) را با نرخ رشد سودآوری هر سهم و بازده صاحبان سهام (هدفهای هموارسازی سود) بررسی کردند. نتایج حاصله، ارتباط بااهمیتی را بین دو جز پیشگفته (ابزار هموارسازی و هدفهای هموارسازی سود) بیان داشته و حکایت از وجود هموارسازی سود را داشت. آرچیبلد (Archibald, 1967) بر روشهای مختلف استهلاک گیری، کاشینگ (Cushing, 1969) بر تغییر روش در حسابداری، داشر و مالکوم (Dascher and Malcom, 1970)، بارنی، رانن و سادن (Barnea, Ronen and Sadan, 1975)، رانن و سادن (Ronen and Sadan, 1975) بر اقلام غیرمترقبه تحقیق و اثبات کردند هموارسازی سود در بین شرکتهایی که به عنوان نمونه انتخاب شده اند انجام می گیرد. بیدلمن (Beidleman, 1973) مدارکی ارائه کرد که نشان می داد مدیریت

چکیده

هدف از این تحقیق، شناسایی بعضی از عواملی است که احتمال دارد بر هموارسازی سود موثر باشند. شرکتهای انتخاب شده، ۱۰۴ شرکت از ۱۹۶ شرکت پذیرفته شده در بازار بورس تهران طی سالهای ۱۳۶۹ لغایت ۱۳۷۴ است. در ارتباط با هموارسازی سود در این تحقیق چهار فرضیه تست شده اند که عبارت است از:

الف - هموارسازی سود انجام می گیرد یا خیر؟

ب - اندازه شرکت (کل داراییها)

ج - مجموع بازده دارایی شرکتها (نسبت سود به کل داراییها)

د - نوع صنعت شرکتها (کانی و غیرفلزی، نساجی، غذایی، شیمیایی و غیره).

نتایج حاصل از آمار توصیفی و شاخص هموارسازی سود یا شاخص ایکل (Eckle) در تحقیق نشان می دهد هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه انجام می گیرد. اما نتایج حاصل از آزمون آماری t، تست کای دویاکی دو و تجزیه و تحلیل فرضیهها نشان می دهد هموارسازی سود در بین نمونهها به اندازه شرکت (کل داراییها)، مجموع بازده دارایی شرکتها و نوع صنعت شرکتها بستگی ندارد. به بیان دیگر، هموارسازی سود به عوامل دیگری بستگی دارد و امید است با تحقیقات بیشتر در این خصوص این عوامل مشخص گردند.

سود واقعی از سود مورد انتظار و طرحهای پاداشی ارتباط دارد. مطالعاتی که توسط هیلی (Healy, 1985) نیز به عمل آمده با تحقیقات موزز در خصوص هموارسازی سود موافق بود.

در خاتمه به نظر می‌رسد مدارک ارائه گردیده در ادبیات نشان می‌دهد هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه و با نسبتهای مختلفی صورت می‌گیرد. همچنین مدیریت با تشخیص و کنترل بیشتر در وقوع و شناخت وقایع خاص، ارتباط درآمد با هزینه و طبقه‌بندی اقلام درآمد و هزینه زمینه هموارسازی سود را فراهم می‌کند.

متدولوژی و روشهای تحقیق

الف - فرضیات تحقیق

فرضیات این تحقیق بر دو بخش فرضیه اصلی و فرضیات فرعی استوار است. هدف از فرضیه‌های فرعی، شناسایی بعضی از عواملی است که احتمال دارد در هموارسازی سود موثر باشند. فرضیه اول (اصلی): مدیران در واحدهای تجاری به هموارسازی سود اقدام می‌ورزند؛

فرضیه دوم (فرعی): هموارسازی سود به اندازه شرکتهای (کل داراییها) بستگی ندارد؛

فرضیه سوم (فرعی): هموارسازی سود به مجموع بازده دارایی شرکتهای (نسبت سود به کل داراییها) بستگی ندارد؛

فرضیه چهارم (فرعی): هموارسازی سود به نوع صنعت شرکتهای (کانی و غیرفلزی، نساجی، غذایی، شیمیایی و غیره) بستگی ندارد.

ب - چگونگی جداسازی شرکتهای نمونه از یکدیگر

در این تحقیق از آمار توصیفی و شاخص هموارسازی سود، برای جداسازی شرکتهای هموارکننده سود از شرکتهایی که هموارسازی سود را انجام نمی‌دهند استفاده شده است (شاخص هموارسازی سود یا شاخص ایکل برابر نسبت ضریب تغییرات دلتای سود بر ضریب تغییرات دلتای فروش است). اگر نسبت فوق کمتر از یک شد آن شرکت به عنوان هموارکننده سود شناسایی شده یعنی مدیران سود شرکت را هموار می‌کنند، ولی اگر نسبت فوق بزرگتر یا مساوی یک شد آن شرکت به عنوان شرکتی که سود را هموار نمی‌کند شناسایی می‌گردد یعنی مدیران سود را هموار نمی‌کنند.

فرمول آماری محاسبه شاخص ایکل به شرح ذیل است:^۳

$$\Delta I = \frac{CV_{\Delta I}}{CV_{\Delta S}} = \text{شاخص هموارسازی سود}$$

دوره

شرکتهای در مبادله داراییها و بدهیها، هزینه‌های بازنشستگی، هزینه‌های تحقیق و توسعه، هزینه‌های فروش و بازاریابی، سود را دستکاری و هموار می‌کنند.

کاپلند (Copeland, 1968) و رانن و سادن (Ronen and Sadan, 1976) نیز ابزارهای مختلف هموارسازی سود را تست و اثبات کردند هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه انجام می‌گیرد. مه (Ma, 1988) نتیجه گرفت هدف بانکها از اندوختن زیان و امها و به حساب هزینه منظور کردن آنها، هموارسازی سود بوده است. برآیساو و الدین (Brayshaw and Eldin, 1988) گزارش کردند مدیریت از نوسانات نرخ ارز برای رسیدن به هدفهای هموارسازی سود استفاده می‌کند.

از طرف دیگر، دایخ و درک (Dopuch and Drake, 1966) با بررسی سود و زیان حاصل از فروش اقلام سرمایه‌ای هموارسازی سود با اهمیتی را بین شرکتهای نمونه پیدا نکردند. در ضمن وایت (White, 1970) در تحقیقاتش تحت عنوان تصمیم‌گیری اختیاری از بین دو یا چند روش پذیرفته شده در حسابداری و کاپلند و لیکاسترو (Copeland and Licastro, 1968) در تحقیقات حسابداری‌شان تحت عنوان شعب مستقل یا شعب غیرتلفیقی به این نتیجه رسیدند هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه صورت نمی‌گیرد. بارفیلد و کامیسکی (Barefield and Comiskey, 1972) (مشابه تحقیق کاپلند و لیکاسترو در سال ۱۹۶۸) حسابداری شعب مستقل یا شعب غیرتلفیقی را تحقیق و شواهدی دال بر انجام هموارسازی سود توسط شرکتهای را کشف کردند.

اسمیت (Smith, 1976) و کامین و رانن (Kamin and Ronen, 1978) شرکتهای تحت کنترل صاحب یا صاحبان و شرکتهای تحت کنترل مدیریت را مورد بررسی و تحقیق قرار داده و به این نتیجه رسیدند در شرکتهای تحت کنترل مدیریت هموارسازی سود انجام می‌گیرد. رانن و سادن (Ronen and Sadan, 1981) به این نتیجه رسیدند شرکتهای در صنایع مختلف سودهایشان را به نسبت‌های مختلف نیز هموار می‌سازند. خصوصاً، بیشترین هموارسازی سود در صنایع نفت و گاز و صنایع دارویی کشف شد.^۴

بلکویی و پیکور (Belkaoui and Picur, 1984) نیز به نتیجه مشابهی رسیدند. آنها اثبات کردند شرکتهای با بخشهای محوری صنعت، سودشان را بیشتر از شرکتهای با بخشهای جانبی صنعت هموار می‌کنند. آلبرشت و ریچاردسون (Albrecht and Richardson, 1990) بیان داشتند نتایج بلکویی و پیکور در سال ۱۹۸۴ به اندازه شرکتهای (ارزش کل داراییها) بستگی دارد. موزز (Moses) کشف کرد هموارسازی سود با اندازه شرکتهای، اختلاف

$\Delta S =$ تغییرات فروش طی یک دوره.

$CV =$ ضریب تغییرات برای متغیر مورد نظر (از تقسیم انحراف معیار متغیر مورد نظر بر میانگین همان متغیر به دست می آید).

در صورتی که $\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{\Delta S}} \geq 1$ گردید شرکت فوق به عنوان شرکتی که سود را هموار نمی کند شناسایی می شود. اما اگر $\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{\Delta S}} < 1$ شد شرکت فوق به عنوان شرکتی که سود را هموار می کند، شناسایی می گردد.

دلایل استفاده از شاخص هموارسازی سود به شرح زیر است:
الف - هموارسازی سود را بی آنکه به قضاوت های ذهنی برای پیش بینی سود و برآورد هزینه متوسل شود اندازه گیری می کند.

ب - تاثیر چندین متغیر هموارکننده سود را به جای یک متغیر مورد بررسی قرار می دهد.

ج - اطلاعات چند دوره زمانی یا اطلاعات سریهای زمانی را به جای اطلاعات یک دوره، برای محاسبه شاخص مورد نظر مورد استفاده قرار می گیرد.

ذکر دو نکته در اینجا الزامی است:

اول - ممکن است در شرکتی، شاخص به دست آمده از یک بزرگتر و یا مساوی یک باشد ولی مدیریت آن اقدام به هموارسازی سود کند، از بحث درباره این نوع شرکتها در این تحقیق خودداری شده است.

دوم - از بحث تورم در این پژوهش خودداری به عمل آمده است. یعنی در این تحقیق بر آن نبوده ایم که داراییها، فروشها، هزینهها، سود ناویژه و سود قبل از کسر مالیات شرکتها را با یک رشته از شاخصها و در سنوات مختلف تعدیل کنیم.

ج - آزمون فرضیات یا روشهای آماری مورد استفاده

در این تحقیق از چند روش آماری برای تست فرضیهها استفاده شده است:

اول) آمار توصیفی همانند میانگین و توزیع فراوانی، برای تفکیک شرکتهای نمونه از یکدیگر توسط شاخص ایکل و جهت تست فرضیات.

دوم) آزمون فرضیه نسبتها برای تست فرضیه اول (فرضیه اصلی).

روش فوق در بسیاری از مواقع که تصمیم گیری براساس اطلاعات حاصل از یک نمونه انجام می گیرد به کار می رود:

$$\begin{cases} H_0 : P \leq 6\% \\ H_1 : P > 6\% \end{cases}$$

چون برای تایید فرضیه فوق، بیشتر از ۶۰ درصد مد نظر بوده از این رو از روش آزمون آماری یک طرفه استفاده می گردد. همچنین با توجه به اینکه تعداد نمونهها به اندازه کافی بزرگ بوده ($npq \geq 5$, $np \geq 5$, $n \geq 30$) می توان از توزیع نرمال Z یک طرفه

برای تست فرضیه اول اقدام کرد. بدین ترتیب چنانچه فرضیه صفر در سطح معنی دار ۵ درصد نفی گردد با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت بیش از ۶۰ درصد شرکتها سود خود را هموار می کنند.

سوم) آزمون دو طرفه t برای تست فرضیه های دوم و سوم (فرضیات فرعی). از آنجا که هموارسازی سود هم در جهت افزایش و هم در جهت کاهش سود صورت می گیرد، از این رو از آزمون t دو طرفه استفاده می شود.

$$H_0 : \mu = \mu_0$$

$$H_1 : \mu \neq \mu_0$$

نکته - فرض H_0 برای آزمونهای آماری (فرضیات فرعی) به شرح زیر است:

فرضیه دوم: میانگین کل دارایی (اندازه) شرکت های هموارکننده سود برابر است با میانگین کل دارایی شرکت هایی که سودشان را هموار نمی کنند. در این فرضیه، اندازه شرکت به واسطه کل داراییها بعد از گرفتن لگاریتم اندازه گیری می شود. دلیل لگاریتم گیری از داراییها این است که توزیع پراکندگی داراییها نرمال نبوده و معمولاً حالت چوله به راست یا زیاد شدن دارایی دارد، از این رو با لگاریتم گیری توزیع پراکندگی داراییها نسبت به حالت قبلی نرمال تر می گردد. در آزمون آماری T و Z فرض بر این است که توزیع پراکندگی داراییها، نرمال است.

فرضیه سوم: میانگین سود خالص به کل دارایی (مجموع بازده دارایی) شرکت های هموارکننده سود برابر میانگین سود خالص به کل دارایی شرکت هایی که سودشان را هموار نمی کنند، است.

بدین ترتیب چنانچه فرضیه H_0 دو فرضیه فوق در سطح معنی دار ۵ درصد رد شود با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت، داراییها و مجموع بازده داراییها در هموارسازی سود تاثیر می گذارد.

چهارم) آزمون کای دو برای تست فرضیه چهارم (فرضیه فرعی). فرض H_0 : نوع صنعت شرکتها (کانی و غیرفلزی، نساجی، غذایی، شیمیایی و غیره) متغیر مستقل هستند.

روش کای دو زمانی کاربرد دارد که حداقل یک پارامتر غیر عددی در تحقیق وجود داشته باشد، چون نوع صنعت یک پارامتر غیر عددی بوده به همین جهت از روش کای دو استفاده می گردد.

از این رو چنانچه فرض صفر در سطح معنی دار ۵ درصد رد شود با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت نوع صنعت شرکتها در هموارسازی سود تاثیر می گذارد.

د - حوزه تحقیق

این تحقیق از دو بُعد مورد بررسی قرار گرفت:

اول - بُعد زمانی: دوره زمانی انجام تحقیق برای شرکت های مورد ۴۱ مطالعه از ابتدای سال ۱۳۶۹ لغایت پایان سال ۱۳۷۴ است.

دوم - بُعد مکانی: بورس اوراق بهادار تهران و شرکتهای پذیرفته شده در آن است.

ر - انتخاب نمونه و منبع اطلاعات

جامعه آماری مورد مطالعه، تمام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۱۳۶۹ لغایت ۱۳۷۴ است. تعداد این شرکتهای در تاریخ ۱۳۷۴/۱۲/۲۹، یکصد و شش شرکت بوده و در هیجده صنعت مختلف فعالیت می کردند. (جدای از ۱۹۶ شرکت مزبور، پنجاه شرکت دیگر متقاضی پذیرش و بیست شرکت دیگر نیز به طور مشروط پذیرفته شده بودند). در این تحقیق به علت مطالعه سربهای زمانی ۶ ساله و نیز اصلاحیه سال ۱۳۶۶ قانون مالیاتهای مستقیم در رابطه با نحوه محاسبه مالیات بردارآمد شرکتهای که در سال ۱۳۶۹ ابلاغ گردیده، شرکتهایی که بیش از ۴ سال از پذیرش آنها در بورس اوراق بهادار تهران گذشته به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیده اند.

علاوه بر این محاسبه ضریب

تغییرات مورد نیاز، شرکتهای دارای کمتر از ۴ سال اطلاعات و شرکتهایی با اطلاعات ناقص از این تحقیق مستثنی شده اند. با توجه به دو محدودیت فوق، کل نمونه انتخاب شده از ۱۹۶ شرکت به ۱۰۴ شرکت تقلیل یافت که برابر ۵۳/۱ درصد کل شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

قسمت سوم - تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده

قبل از اینکه نتایج به دست آمده در این تحقیق مورد بررسی قرار گیرد بیان چند نکته الزامی است:

الف - از مقوله تورم در این پژوهش بحثی به میان نیامده است.

ب - چون تعداد اندکی از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اقلام غیر مترقبه را در صورت سود و زیان افشا می کنند، از بحث سود و زیان حاصل از اقلام غیر مترقبه در این تحقیق خودداری شده است.

ج - تعداد نمونه های انتخاب گردیده جهت تست آزمون t تقریباً بزرگ محسوب می گردد.

د - آخرین نکته قابل توجه اینکه، در این پژوهش تمام فرضیه ها

جدول شماره ۱- آمار توصیفی شرکتهای نمونه مورد مطالعه با توجه به سود ناویژه

شرکتهایی که سودشان را هموار نمی کنند یعنی	شرکتهایی که سودشان را هموار نمی کنند یعنی	کل شرکت نمونه	تعداد شرکتها
$\left(\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{\Delta S}} < 1\right)$	$\left(\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{\Delta S}} \geq 1\right)$		شرح
است	است	۱۰۴	
۲۶	۷۸		
۴/۱۱۱	۴/۱۴۹	۴/۱۲۹	میانگین کل دارایی (بعد از گرفتن لگاریتم)
۰/۲۵۳	۰/۴۰۳	۰/۴۱۳	انحراف معیار
۰/۲۷۲	۰/۲۵۲	۰/۲۵۸	میانگین نسبت سود ناویژه به کل دارایی
۰/۲۲۵	۰/۱۱۷	۰/۱۸۹	انحراف معیار
			توزیع فراوانی:
۹	۲۶	۳۵	کانی و غیر فلزی و نساجی
۱۷	۵۲	۶۹	بقیه
			توزیع فراوانی:
۵	۲۰	۲۵	صنایع غذایی و شیمیایی
۲۱	۵۸	۷۹	بقیه

یکبار با سود ناویژه و بار دیگر با سود قبل از کسر مالیات تست و آزمون شده اند.

نتایج به دست آمده حاصل از تست شاخص ایکل $\left(\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{\Delta S}}\right)$ بیانگر این است که از ۱۰۴ شرکت مورد مطالعه، ۷۸ شرکت سود ناویژه را هموارسازی نکرده و ۲۶ شرکت سود ناویژه را هموار می کنند.

آمار توصیفی ۱۰۴ شرکت نمونه با توجه به سود ناویژه شرکتهای برای فرضیه اول (اصلی) به شرح زیر است:

$$\bar{P} = \frac{x}{n} = \frac{\text{تعداد موفقیتها در نمونه}}{\text{حجم نمونه}}$$

نسبت موفقیت عنوان شده توسط فرضیه صفر

$$q = 1 - P$$

$$\left\{ \begin{aligned} \bar{P} &= \frac{x}{n} = \frac{26}{104} = 0.25 \\ Z &= \frac{\bar{P} - q}{\sqrt{\frac{P \cdot q}{n}}} = \frac{0.25 - 0.6}{\sqrt{\frac{0.6(1-0.6)}{104}}} = \frac{-0.35}{0.048} = -7.28 \end{aligned} \right.$$

جدول شماره ۲- آمار توصیفی شرکتهای نمونه مورد مطالعه با توجه به سود قبل از کسر مالیات

شرکتهایی که سودشان را هموار می‌کنند یعنی	شرکتهایی که سودشان را هموار نمی‌کنند یعنی	کل شرکت نمونه	تعداد شرکتهای
$(\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{AS}} < 1)$	$(\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{AS}} \geq 1)$		شرح
۲۴	۸۰	۱۰۴	میانگین کل دارایی (بعد از گرفتن لگاریتم)
۴/۱۶۶	۲/۱۳۱	۲/۱۳۹	انحراف معیار
۰/۳۹۶	۰/۴۲۲	۰/۴۱۲	میانگین نسبت سود قبل از کسر مالیات به کل دارایی
۰/۰۹۵	۰/۲	۰/۱۷۶	انحراف معیار
۰/۱۹۸	۰/۱۲۳	۰/۱۵۰	توزیع فراوانی:
۱۰	۲۵	۳۵	کافی و غیرفلازی و نساجی
۱۴	۵۵	۶۹	بقیه
۵	۲۰	۲۵	توزیع فراوانی:
۱۹	۶۰	۷۹	صنایع غذایی و شیمیایی
			بقیه

در سطح معنی دار ۵ درصدی با ۱۰۴ شرکت نمونه مقدار آماره آزمون Z برابر ۱/۶۴۵ گردیده در حالی که کمیت آماره آزمون ۷/۲۸- به دست آمده است. از این رو فرضیه فوق در ناحیه عدم رد قرار گرفته و فرضیه صفر پذیرفته می‌شود و دلیلی برای قبولی این مسئله که بیش از ۶۰ درصد شرکتهای سود ناویژه را هموار می‌سازند وجود ندارد.

جدول آمار توصیفی شرکتهای نمونه مورد مطالعه با توجه به سود ناویژه مقادیر میانگین، تعداد نمونه، انحراف معیار و سری اطلاعات مورد نیاز دیگر برای کل فرضیه‌های بیان شده با توجه به سود ناویژه، به طور خلاصه در جدول شماره ۱ ارائه گردیده است.

نتایج به دست آمده حاصل از تست شاخص ایکل بیانگر این است که از ۱۰۴ شرکت مورد مطالعه، ۸۰ شرکت سود قبل از کسر مالیات را هموارسازی نکرده و ۲۴ شرکت سود قبل از کسر مالیات را هموار می‌کنند.

آمار توصیفی ۱۰۴ شرکت نمونه با توجه به سود قبل از کسر مالیات شرکتهای برای فرضیه اول (اصلی) به شرح زیر است:

$$\bar{P} = \frac{x}{n} = \frac{\text{تعداد موفقیتها در نمونه}}{\text{حجم نمونه}}$$

نسبت موفقیت عنوان شده توسط فرضیه صفر

$$q = 1 - P$$

$$\left\{ \begin{aligned} \bar{P} &= \frac{x}{n} = \frac{24}{104} = 0/23 \\ Z &= \frac{\bar{P} - q}{\sqrt{\frac{pq}{n}}} = \frac{0/23 - 0/6}{\sqrt{\frac{(1-0/6) \cdot 0/6}{104}}} = \frac{-0/37}{0/048} = -7/7 \end{aligned} \right.$$

در سطح معنی دار ۵ درصدی با ۱۰۴ شرکت نمونه مقدار آماره آزمون Z برابر ۱/۶۴۵ گردیده در حالی که کمیت آماره آزمون ۷/۷- به دست آمده است. از این رو فرضیه فوق در ناحیه عدم رد قرار گرفته و فرضیه صفر پذیرفته می‌شود و دلیلی برای قبولی این مسئله که بیش از ۶۰ درصد شرکتهای سود ناویژه را هموار می‌سازند

وجود ندارد.

مقادیر میانگین، تعداد نمونه، انحراف معیار و سری اطلاعات مورد نیاز دیگر برای کل فرضیه‌های بیان شده با توجه به سود قبل از کسر مالیات، به طور خلاصه در جدول شماره ۲ ارائه گردیده است. آمار توصیفی شرکتهای مورد تحقیق در جدول شماره ۳ آمده است.

در جدول شماره ۴ تایید یا رد فرضیات این تحقیق به طور خلاصه بیان گردیده است.

ضمائم - اثبات شاخص هموارسازی سود یا شاخص ایکل

در خصوص اثبات شاخص فوق، فرضیات زیر مدنظر قرار می‌گیرد:

اول - سود یا درآمد حاصل فروش، هزینه‌های متغیر، هزینه‌های ثابت و میزان حساب‌سازی مدیریت در هموارسازی سود (میزان حساب‌سازی سود) را نشان می‌دهد. اگر حساب‌سازی مدیریت برای هموارسازی سود صفر باشد یعنی مدیریت سودی را هموار نکند، سود ارائه شده طبق حالت زیر تغییر می‌کند.

ادامه در صفحه ۸۴

اخبار آیفک

مطالعی که در این بخش چاپ شده ترجمان خبرنامه‌های آیفک (فدراسیون بین‌المللی حسابداران) است.

آیفک منتظر دریافت اظهارنظر درباره بیانیه جدید حسابرسی بانکهای تجاری است

(نیویورک / ۱۹ اکتبر سال ۲۰۰۰) - فدراسیون بین‌المللی حسابداران (آیفک) از عموم حسابداران دعوت می‌کند که درباره پیش‌نویس بیانیه حسابرسی بین‌المللی جدید با عنوان حسابرسی بانکهای تجاری بین‌المللی اظهارنظر کنند. این بیانیه را کمیته رویه‌های حسابرسی بین‌المللی (IAPC) آیفک تدوین کرده است. هدف این بیانیه فراهم آوردن یک راهنما و کمک عملی برای حسابداران و همچنین ارتقای کیفیت حسابرسی در کار بست استانداردهای حسابرسی بین‌المللی (IASها) مربوط به حسابرسی بانکهاست.

بیانیه پیشنهادی اساساً به مراحل گوناگون حسابرسی بانکها می‌پردازد و بیشتر بر روی موضوعاتی تاکید می‌کند که در این‌گونه حسابرسیها از اهمیت ویژه برخوردارند. در پیوست این بیانیه مثالهایی تشریحی آمده است که موارد زیر را در برمی‌گیرد:

- رویه‌های کنترل داخلی خاص و رویه‌های حسابرسی ماهیت حسابها برای دو جنبه از عملیات عمده بانکها، یعنی عملیات وام‌دهی و عملیات خزانه‌داری؛
- نسبتهای مالی که عموماً در تحلیل وضعیت و عملکرد مالی بانکها به کار می‌رود؛
- ریسکها و مشکلات مبتلا به اوراق بهادار، بانکداری خصوصی و مدیریت داراییها؛ و
- علائم هشداردهنده درباره تقلب در عملیات بانکداری.

دیتر مرتین صدر آیفک می‌گوید: "بانکها نقش حیاتی در زندگی اقتصادی بازی می‌کنند و رشد و ثبات مستمر نظام بانکداری یکی از موضوعات مورد علاقه عموم مردم است. در این ارتباط نقشهای جداگانه مدیران بانکها و حسابداران مستقل بسیار حائز اهمیت است. این رهنمود نقش حسابداران را در ارتباط با حسابرسی بانکها برمی‌شمرد و به بررسی روابط

گزارشگری خاص میان حسابداران و مدیران بانکها و دیگر مقررات‌گذاران می‌پردازد."

پیش‌نویس نظرخواهی مذکور را می‌توان از وب سایت آیفک به آدرس <http://www.ifac.org> به رایانه شخصی انتقال داد. موعد ارسال اظهارنظرها ۳۱ ژانویه سال ۲۰۰۱ است. اظهارنظرها را می‌توان از طریق پست الکترونیکی (e-mail) به آدرس Edcoments@Ifac.org ارسال کرد یا از طریق نامه به دبیرخانه مدیرفنی آیفک در نیویورک ارسال کرد. آیفک یک سازمان جهانی در عرصه حرفه حسابداری است. رسالت آیفک توسعه و ارتقا حرفه است تا از این طریق حرفه را قادر سازد خدماتی منطبق با کیفیت بالا در جهت منافع عمومی ارائه کند. در حال حاضر اعضای آیفک مشتمل بر ۱۵۳ انجمن حسابداری حرفه‌ای از ۱۱۳ کشور است، که این انجمنها نماینده بیش از دو میلیون حسابدار شاغل در حرفه‌های حسابداری عمومی، تدریس، حسابداری دولتی، صنعت و تجارت هستند. ■

انتشار رهنمودهای جدید فن‌آوری اطلاعات (نیویورک / ۲۰ اکتبر سال ۲۰۰۰) - در دنیای رقم‌واره‌ها (digital)، مدیریت اثربخش اطلاعات، منظومه‌های اطلاعاتی و ارتباطات نقش حیاتی در موفقیت و بقا یک سازمان ایفا می‌کند. برای آن که مدیران بتوانند بر این چالش فائق آیند، اخیراً کمیته فن‌آوری اطلاعات آیفک، ۳ رهنمود جدید منتشر کرد.

عناوین این رهنمود عبارتند از:

- تملک فن‌آوری اطلاعات؛
 - اجرای راه‌حلهای فن‌آوری اطلاعات؛ و
 - عرضه و پشتیبانی فن‌آوری اطلاعات.
- دیگر عناوین در این سری عبارتند از:
- مدیریت ایمنی اطلاعات؛ و
 - مدیریت طرح‌ریزی فن‌آوری اطلاعات از حیث نفوذ تجاری.

این رهنمودها، که بیانگر بهترین روشهای عمل در

سراسر جهان هستند، از آن رو طراحی شده‌اند که به مدیران اجرایی در فهم موضوعات اساسی موثر بر مدیریت اطلاعات و ارتباطات کمک کنند.

اورت جانسون صدر کمیته فن‌آوری اطلاعات آیفک اظهار می‌کند که: "بیشتر سازمانها به مزایای بالقوه فن‌آوری اطلاعات استشعار دارند. با وجود این، مدیران برای آن که بتوانند سازمانهای خود را با اثربخشی هدایت کنند و بر آن کنترل کافی اعمال کنند باید با ریسکها و محدودیتهای فن‌آوری اطلاعات آشنا باشند و آنها را اساساً درک کنند." وی همچنین می‌افزاید که "رهنمودهای کمیته فن‌آوری اطلاعات به این نیاز مهم پاسخ می‌گوید."

برای کسب اطلاعات بیشتر درباره این رهنمودها، می‌توانید از کتابفروشی متصل آیفک به آدرس <http://www.ifac.org> دیدن کنید و بر روی قسمت فن‌آوری فشار دهید.

این رهنمودها را می‌توان جداگانه یا به صورت سری خریداری کرد. قیمت هر رهنمود برای هر نسخه متصل ۲۲ دلار و برای هر نسخه چاپی ۲۵ دلار است. افزون بر این، هر پنج رهنمود را می‌توان به عنوان بخشی از خدمات اشتراک متصل به مبلغ ۴۵ دلار تهیه کرد. قیمت نسخه چاپی این سری ۵۰ دلار است.

رهنمودهای دیگر کمیته فن‌آوری اطلاعات، از مجله مقاله‌ای در باب مالیات اینترنت و فهرست فن‌آوری اطلاعات برای مدیران، در وب سایت آیفک در دسترس همگان می‌باشد.

آیفک یک سازمان جهانی در عرصه حرفه حسابداری است. رسالت آیفک توسعه و ارتقا حرفه است تا از این طریق حرفه را قادر سازد خدماتی منطبق با کیفیت بالا در جهت منافع عمومی ارائه کند. در حال حاضر اعضای آیفک مشتمل بر ۱۵۳ انجمن حسابداری حرفه‌ای از ۱۱۳ کشور است، که این انجمنها نماینده بیش از دو میلیون حسابدار شاغل در حرفه‌های حسابداری عمومی، تدریس، حسابداری دولتی، صنعت و تجارت هستند. ■

خبرنامه کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی

سپتامبر سال ۲۰۰۰

اجلاس اقتصاد جهانی

استاندهای حسابداری بین‌المللی و ثبات مالی

وزرای اقتصادی و مالیه گروه هفت (G7) در جولای سال ۲۰۰۰ در فوکادای ژاپن تشکیل جلسه دادند. مدتی قبل از تشکیل این اجلاس، یکی از مقامات ارشد صندوق بین‌المللی در شورای عالی اقتصادی و اجتماعی^۱ سازمان ملل متحد سخنرانی کرد. در هر دوی این مجالس بر نقش استانداردهای حسابداری بین‌المللی در توفیق اقتصادی و جهانی بسیار تاکید شد.

در سال ۱۶۲۴، شاعر انگلیسی، جان دان^۲ اظهار کرد که "هیچ انسانی جزیره نیست". براین اساس هر انسان ذاتاً در همه چیزها با اطرافیانش وابستگی دارد، حتی حسابداری و گزارشگری. با این که منقوله دان در حدود ۴۰۰ سال پیش نگاشته شده، اما پنداری او آن را در پاسخ به وقایع رخ داده در عرصه گزارشگری مالی جهانی در چند ماه گذشته نوشته است. بنا بر عزم جدید، که برخاسته از تصمیمات رفیع‌ترین سطوح سیاسی جهان است، دنیا نمی‌تواند بدون همکاری جهانی شاهد رشد اقتصادی و جهانی باشد.

در سراسر قرن نوزدهم و بخش عمده قرن بیستم هر کشور به تنهایی درباره خط‌مشی پول ملی، ساماندهی بازار اوراق بهادار، حسابداری و گزارشگری مالی تصمیم می‌گرفت. این تصمیمات بدون بررسی چونی و چرایی اثر آنها بر دیگر

کشورها و مناطق جهان اتخاذ می‌شد. استانداردهای حسابداری نیز در بافت اقتصاد ملی - قانون تجارت و اوراق بهادار - وضع می‌شد و هیچ کس نمی‌اندیشید که این اصول را می‌توان در بافت اقتصاد دیگر کشورها نیز اعمال کرد. اما حالا این دوران بسر آمده و دیگر تداوم نخواهد یافت.

معماری مالیه بین‌المللی^۳

در سالهای ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۸، یک سلسله از امواج شوک‌آور و هول‌انگیز، خواب آرام اقتصاد و سیاست را در چند کشور بر هم زد و هر چه بیشتر به ترس از تجدید تورم و رکود دامن زد. در پی آن بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اقداماتی را برای اجرای برنامه‌ای خاص اتخاذ کردند. این برنامه با هدف پیش‌گیری از بحرانها و مهار عاقلانه بحرانها، طراحی شد. اغلب به این برنامه، عنوان معماری مالیه بین‌الملل را نسبت می‌دهند.

این برنامه به هر دوی موضوعات اقتصاد خرد و کلان نگریسته است. در سطح کلان این برنامه از بانکهای مرکزی می‌خواهد که درباره خط‌مشی‌های پولی و مالی خود صراحت و ثبات رویه بیشتری نشان دهند؛ افزون بر این، برنامه مذکور به دولتها توصیه می‌کند که گزارش داده‌های اقتصادی خود را بهتر و به هنگام‌تر تهیه و ارائه کنند. در سطح اقتصاد خرد نیز افزایش کیفیت استانداردهای مورد استفاده در تصدی شرکت‌های دولتی، حسابداری، حسابرسی و دیگر امور اقتصادی دیده شده است.

همچنین این برنامه به مقررات‌گذاران بانکها، بازارهای اوراق بهادار و بیمه توصیه می‌کند که بر سر استانداردهای مشترک که در مقررات‌گذاری و دستورالعمل‌های اجرایی به کار می‌برند به توافق دست یابند.

پیش از آن که طرح ابتکاری صندوق بین‌المللی پول (IMF) اعلام شود، کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IASB) طرح تدوین استانداردهای اصلی^۴ را به اجرا گذاشت، با وجود این نتوانست از آن طرفی بریندد. علت آن بود که در حدود سه دهه استانداردهای حسابداری بین‌المللی در عمل به کار می‌رفت و از بیشترین اقبال سیاسی برخوردار شده‌اند. بنابراین گروه هفت کار ارزیابی استانداردهای IASB را در دستور کار گردهمایی ثبات مالی^۵ قرار داد. در این گردهمایی گروه‌های مقررات‌گذار کلیدی حضور داشتند. این ارزیابیها برای IASB و سازمانهای تابعه آن سودمند بود. IASB پی برد که مقررات‌گذاران به چه زمینه‌هایی علاقه‌مندند. مقررات‌گذاران نیز به استانداردهای اصلی IASB عمیقاً نگرستانند و آنها را در سطح جامع ارزیابی کردند.

نهایتاً مقررات‌گذاران بانکها و بازارهای اوراق بهادار گزارشهایی را در باره پذیرفتگی استانداردهای IASB حسب مورد در ماههای آوریل و می سال ۲۰۰۰ صادر کردند. براساس آن کمیسیون اروپا^۶ پیشنهاد کرد که استانداردهای IASB برای تهیه صورتهای مالی تلفیقی بنگاههای عام (شامل موسسات مالی) تا سال ۲۰۰۵ الزامی شود - این اقدام کمیسیون اروپا یک حمایت

اخبار IASC

انتشار استانداردهای ارزشگذاری بین الملل
۲۰۰۰

کمیته استانداردهای ارزشگذاری بین الملل (IVSC)^۱ ویراست استانداردهای ارزشگذاری بین الملل ۲۰۰۰ (IVS 2000) را در جولای ۲۰۰۰ منتشر کرد.

گرک مک نامارا^۲، صدر کمیته استانداردهای ارزشگذاری بین الملل (IVSC) گفت: "املاک و مستغلات یکی از عناصر مهم در تجارت جهانی است. اغلب از آنها برای توثیق وامهای بانکی استفاده می شود و نوسان پذیری بازار آنها در سالهای اخیر هراز گاه سهمی بسزا در آشفته گی اقتصادی در بازارهای سهام داشته است. ویراست ۲۰۰۰ استانداردهای ارزشگذاری بین الملل - که جامعترین ویرایش تا به این تاریخ است - پاسخ ما به تقاضای شدیدی است که برای تدوین استانداردهای بین المللی همسان وجود دارد و امیدواریم که این مجموعه بتواند به نیازهای استفاده کنندگان، بازارهای سرمایه، مقررات گذاران، موسسات ارزشگذاری و ارزیابی ملی، و آحاد ارزشگذاران و ارزیابان پاسخ گوید."

یکی از هدفهای اصلی استانداردهای ارزشگذاری بین الملل ۲۰۰۰ یکپارچه کردن استانداردهای ارزشگذاری با استانداردهای IASC است. جان ادج^۳، قائم مقام IVSC که نماینده IVSC در گروه مشاورین کمیته استانداردهای حسابداری بین المللی (IASC) است، و IASC را در تدوین استاندارد حسابداری بین الملل ۴۹، سرمایه گذاری در املاک و مستغلات، یاری می کند، گفت: "از آنجا که برای مقاصد گزارشگری مالی، ارزشگذاری املاک و مستغلات باید مبتنی بر الزامات و قواعد

است که فزاینده ای از آن در پی می آید: ■ "ما نقش رهبری و هماهنگ سازی صندوق بین المللی پول را در ارزیابی این که آیا کشورها استانداردها و آیین نامه های بین المللی را رعایت می کنند، یا خیر تایید می کنیم و از تداوم کار صندوق بین المللی پول در این زمینه استقبال می کنیم..."

■ "ما توافق می کنیم که فرایند ارزیابی باید هر ۱۲ آئین نامه و استاندارد کلیدی را که در خلاصه نامه استانداردهای گردهمایی ثبات مالی برشمرده شده است پوشش دهد، و براساس یک روش نمونه گیری انجام پذیرد... برای افزایش اعتبار آن، ما به کشورها توصیه می کنیم که با صراحت پذیرش این استانداردها را به عموم اظهار کنند، و برنامه های اقدامات خود را اعلام کنند و در برنامه های ارزیابی صندوق بین المللی پول شرکت کنند. در این رابطه، ما از اظهار نظرهای وزرا و دولت مردان گروه بیست (G-20) و وزرای اقتصاد نیم کره غرب^۴ استقبال می کنیم..."

■ "ما توافق می کنیم که نقش بازارها و حمایت های دولتها در رعایت آیین نامه ها و استانداردها حائز اهمیت است..."
در حال حاضر نسبت به دو سال ونیم گذشته میزان علاقه به توسعه استانداردهای بین المللی از دستور کار کسبه و مردم به بالاترین و مهمترین دستور کار سیاسی تبدیل شده است و موفقیت نهایی اقتصاد جهانی به این تغییر نیاز داشت.

پی نوشت

- 1- UN Economic and Social Council
- 2- John Donne
- 3- International Financial Architecture
- 4- Core Standards
- 5- Financial Stability Forum
- 6- European Commission
- 7- Eduardo Aninat
- 8- accountability

سیاسی مهم از استانداردهای حسابداری بین المللی محسوب می شود. عموماً، این ارزیابیها بسیار مثبت بود، و بیش از پیش به حسن اشتها IASC افزوده است.

ادواردو اینات^۷، قائم مقام مدیرعامل صندوق بین المللی پول، در گزارش خود به اجلاس مقامات ارشد شورای عالی اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد اظهار کرد که پیشرفتهای چشمگیری در جزئیات این برنامه صورت گرفته است، بویژه در زمینه افزایش صراحت و شفافیت گزارشها و مسئولیت گزارشده^۸ و نیز ترویج استانداردها و آیین نامه های بین المللی. استانداردهای IASC مهمترین نقش را در ترویج استانداردهای بین المللی ایفا می کنند.

گردهمایی ثبات مالی

یکی از سازوکارهای به کار رفته در طرح ابتکاری معماری مالی بین الملل، گردهمایی ثبات مالی است که خلاصه نامه استانداردها^۹ را تهیه می کند. این خلاصه نامه حاوی کلید سیستمهای مالی باثبات است، سیستمهایی که اجرای آنها نسبت به بقیه در اولویت قرار دارد. استانداردهای IASC بخشی از این خلاصه نامه را تشکیل می دهد.

حمایت سیاسی

گزارشگری مالی یکی از موضوعاتی بود که ذهن وزرای اقتصاد و مالیه کشورهای گروه هفت (G7) را در اجلاس جولای ۲۰۰۰ به خود مشغول کرده بود. بخشی از گزارشی که آنها به سران دولتهای گروه هفت ارائه کردند به اصلاح و بازسازی صندوق بین المللی پول اختصاص داشت. بویژه اصلاح تسهیلات مالی اعطایی، تشویق اجرای آیین نامه ها و استانداردها و افزایش مسئولیت گزارشده^{۱۰}.

گزارش مذکور صراحتاً به استانداردهای حسابداری و گزارشده مالی پرداخته

حسابداری باشد، بنابراین ضرورت دارد که IASC و IVSC به طور یکنواخت و فعالانه با هم رابطه داشته باشند.

حرکت به سوی مدل حسابداری ارزش منصفانه، بویژه برای سرمایه‌گذاری مستقلاتی مستلزم استفاده از خدمات ارزشگذاران (ارزیابان) برونه یا مستقل است. بدین ترتیب با ارزشگذاری داراییهای مستقلاتی بر اساس ارزشهای بازار، هدف از الزامات استاندارد‌های حسابداری نیز برآورده می‌شود.^۳

طرح استاندارد‌های IVSC که در واکنش به فشارهای زیاد برای تدوین استاندارد‌های بین‌الملل آغاز شد، شامل موارد زیر است:

● نیاز اکثر دولتها به ارزشگذاری داراییهای دولتی، برای مقاصد مسئولیت‌گزارشده‌ی، اندازه‌گیری عملکرد و صراحت و شفافیت مالی.

● روند خصوصی‌سازی بنگاههای دولتی.

● تدوین استاندارد‌های حسابداری بین‌المللی - از جمله حمایت IOSCO در می سال ۲۰۰۰ و اعلام آمادگی کمیسیون اروپا در ماه بعد مبنی بر عزم آن برای طرح لایحه قانونی اجباری ساختن استاندارد‌های حسابداری بین‌المللی برای تمام کشورهای فهرست شده در اتحادیه اروپا، دست کم تا سال ۲۰۰۵.

● نیاز به یک الگوی مشترک و معتبر که بتواند برای مقاصد توثیق در اندازه‌گیری داراییها به کار رود.

● اثر کمیته بیسل یا کمیته مدیریت بانکها.^۴

روسیه استاندارد‌های حسابداری جدید وضع کرد

در اوایل امسال، وزیر مالیه روسیه سه مقررات حسابداری جدید را تصویب کرد. مرکز بین‌الملل اصلاح حسابداری^۵ این مقررات را به انگلیسی ترجمه کرده است. این سه مقررات عبارتند از:

● دستورالعمل اجرایی شماره ۲، مورخ ۱۰ ژانویه ۲۰۰۰، مربوط به مصوبه مقررات حسابداری با عنوان حسابداری داراییها و بدهیهای که ارزشهای آنها به ارز خارجی اظهار می‌شود (PBU 3/2000)؛^۶

● دستورالعمل شماره ۱۱، مورخ ۲۷ ژانویه سال ۲۰۰۰، مربوط به مصوبه مقررات حسابداری با عنوان اطلاعات قسمتی (PBU 12/2000)؛^۷

● دستورالعمل شماره ۲۹، مورخ ۲۱ مارچ سال ۲۰۰۰، مربوط به مصوبه مقررات حسابداری با عنوان رهنمود روش‌مند افشای عایدی هر سهم.^۸

جلسات عمومی IASC

جلسات هیئت IASC

هیئت IASC در روزهای ۱۶ تا ۲۰ اکتبر در توکیو ژاپن تشکیل جلسه داد: دستور جلسه شامل موارد زیر بود:

● تصویب استاندارد حسابداری بین‌المللی جدید درباره کشاورزی، براساس پیش‌نویس نظرخواهی ۶۵ با عنوان کشاورزی؛

● تصویب اصلاحات وارد به IASC شماره ۳۹، ابزارهای مالی: بازشناسی و اندازه‌گیری، مبتنی بر پیش‌نویس نظرخواهی ۶۶، با عنوان اصلاحات محدود پیشنهادی درباره IAS شماره ۳۹ - ابزارهای مالی؛

● تصویب اصلاحات وارد به IAS شماره ۱۹، مزایای کارکنان، براساس پیش‌نویس نظرخواهی ۶۷، با عنوان داراییهای طرح مزایای پایان خدمت؛

● تصویب اصلاحات وارد به IAS شماره ۱۲، مالیات بردرآمد، مبتنی بر پیش‌نویس نظرخواهی ۶۸، با عنوان پیامدهای مالیاتی سود تقسیمی؛ و

● تصویب انتشار پیش‌نویس استاندارد ابزارهای مالی اثر گروه کاری مشترک.

هیئت IASC در روزهای ۱۱ تا ۱۳

دسامبر سال ۲۰۰۰ در لندن تشکیل جلسه خواهد داد و انتظار می‌رود درباره موارد زیر بحث شود:

■ موضوعات نهایی مربوط به برنامه کاری فعلی؛ و

■ گزارشی به هیئت جدید IASC درباره اولویتهای پیشنهادی.

کمیته دائمی تفسیر نامه‌ها

کمیته دائمی تفسیرنامه‌ها در روزهای ۸ و ۹ نوامبر سال ۲۰۰۰ در برلین آلمان تشکیل جلسه خواهد داد، در این جلسه انتظار می‌رود مباحث زیر مطرح شود:

■ تعریف کنترل مشترک؛

■ تعریف تاریخ مبادله در IASC ۲۲، ترکیبهای تجاری.

■ موضوعات مرتبط با گزارش ارزیابی IOSCO.

پی‌نوشت

- 1- International Valuation Standards Committee
- 2- Greg McNamara
- 3- John Edge
- 4- Basel Committee or Committee on Banking Supervision
- 5- International Centre for Accounting Reform
- 6- Order. No.2 On Approval of Accounting Regulatism "Accounting for Assets and Liabilities Whose Value is Denominated in a Foreign Currency" (PBU 3/2000)
- 7- Order No.11, On Approval of Accounting Regulation "Segment Information" (PBU 12/2000); and
- 8- Order No. 2, On Approval of the "Methodical Guidance on Earnings Per Share Disclosure". (PBU 31/2000)



دوره‌های حسابداری و مدیریت مالی مرکز آموزشهای کاربردی

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

با همکاری انجمن حسابداران خبره ایران

دوره‌های حسابداری و مالی کوتاه مدت و بلندمدت:

کد	نام دوره	مدت دوره	شهریه	پیش‌نیاز
دوره			ریال	
۴۰۱	حسابداری مالی (۱)	۶۰ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	-
۴۰۲	حسابداری مالی (۲)	۶۰ ساعت	۲۵۰,۰۰۰	۴۰۱
۴۰۳	حسابداری مالی (۳)	۵۰ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	۴۰۲
۴۰۴	حسابداری مالی (۴)	۵۰ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	۴۰۳
۴۰۵	حسابداری صنعتی (۱)	۶۰ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	۴۰۲
۴۰۶	حسابداری صنعتی (۲)	۵۰ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	۴۰۵
۴۰۷	حسابداری مدیریت	۴۰ ساعت	۵۰۰,۰۰۰	۴۰۶
۴۰۸	مدیریت مالی	۳۰ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	۴۰۲
۴۰۹	صورت‌های مالی تلفیقی	۳۰ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	در حد لیسانس
۴۱۰	حسابرسی	۳۰ ساعت	۲۵۰,۰۰۰	۴۰۲
۴۱۱	حسابرسی داخلی	۳۰ ساعت	۲۵۰,۰۰۰	۴۰۲
۴۱۲	قانون مالیات‌های مستقیم	۳۵ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	۴۰۲
۴۱۳	مدیریت مالی برای مدیران غیرمالی	۴۰ ساعت	۴۰۰,۰۰۰	۳ سال سابقه مدیریت
۴۱۴	مهندسی مالی (۱)	۳۰ ساعت	۷۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۴۱۵	مهندسی مالی (۲)	۳۰ ساعت	۷۰۰,۰۰۰	۴۱۴
۴۱۶	تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم‌های حسابداری	۳۰ ساعت	۵۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۴۱۷	اصول برنامه‌ریزی و بودجه	۳۰ ساعت	۴۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۴۱۸	تهیه صورت گردش وجوه نقد	۱۵ ساعت	۲۵۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۴۱۹	کلینیک مدیریت	۳۰ ساعت	۳۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۴۲۰	کاربرد نرم‌افزارهای مالی	۶۰ ساعت	۷۰۰,۰۰۰	۴۰۱ و ۴۰۲
۴۲۱	کارگاه آموزش حسابداری با کامپیوتر	۴۰ ساعت	۷۰۰,۰۰۰	دیپلم آشنا با حسابداری
۵۰۱	مدیریت مالی	۲۶۰ ساعت	۱,۷۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۵۰۲	دوره عالی حسابداری و مدیریت مالی	۲۶۰ ساعت	۱,۷۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۵۰۳	دوره تکمیلی حسابداری و امور مالی (۱)	۲۶۰ ساعت	۱,۲۰۰,۰۰۰	دیپلم و سابقه کار حسابداری
۵۰۴	دوره تکمیلی حسابداری و امور مالی (۲)	۲۶۰ ساعت	۱,۴۰۰,۰۰۰	فوق دیپلم و سابقه کار حسابداری یا ۵۰۲

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر می‌توانید با مرکز آموزشهای کاربردی اتاق بازرگانی به آدرس زیر مراجعه یا با تلفن‌های مرکز تماس حاصل فرمایید.

خیابان انقلاب، بعد از میدان فردوسی خیابان شهید موسوی (فرصت جنوبی) بن بست نیکپور پلاک ۶۶
تلفن ۸۸۲۹۶۵۴ شماره ۸۸۲۸۷۸۷

راهنمای موسسات حسابرسی

فهرست

- ۱- آزمودگان
- ۲- آزمون
- ۳- آزمون سامانه
- ۴- ادیب
- ۵- اصول پایه
- ۶- امین نفت
- ۷- ایران مشهود
- ۸- ایران یاور
- ۳۵- بهروزاوران
- ۹- بهرام‌مشار
- ۱۰- بهمند
- ۱۱- بیات رایان
- ۱۲- بیداران
- ۱۸- پژوهندگان مستقل حساب
- ۱۳- تدوینکو
- ۱۴- تفسیر
- ۱۵- چکاد حساب‌اندیشان
- ۱۶- حسام
- ۱۷- خبره
- ۱۹- دش و همکاران
- ۲۸- دیلمی پور و همکاران
- ۲۰- رایبند
- ۳۴- رهیافت حساب تهران
- ۲۱- سپاهان تراز
- ۲۲- شاهدان
- ۲۳- شراکت
- ۲۴- شوقیان و همکاران
- ۲۵- طوس
- ۲۶- فرداپدید
- ۲۷- کاربرد ارقام
- ۳۲- کاربرد بگ بهروش
- ۲۹- کاشفان
- ۳۰- مختار و همکاران
- ۳۱- ممیز
- ۳۳- همیار حساب

انجمن حسابداران خبره ایران



تلفنهای ۸۹۰۲۹۲۶

۸۹۰۵۹۲۰

فاکس ۸۸۹۹۷۲۲

Email: Anjoman@systemgroup.net

موسسه حسابرسی آزمودگان

حسابداران مستقل:

- مهرداد آل علی
- فرهاد فرزاد

سایر خدمات: طراحی سیستم، مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات حسابداری

تلفن: ۴۱-۸۷۵۷۳۴۰

فاکس: ۸۷۳۰۵۴۳

نشانی: خیابان پاکستان - کوچه هشتم

شماره ۱۹ - طبقه سوم

صندوق پستی: ۱۴۳۳۵-۷۹۷

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

اصول پایه

حسابداران مستقل:

- ابراهیم موسوی
- حسن صالح آبادی

تلفن: ۸۷ و ۸۸۳۴۲۸۶

فاکس: ۸۸۲۵۳۱۵

نشانی: خیابان قائم مقام فراهانی -

کوچه ۲۴ پلاک ۲۹

موسسه حسابرسی آزمون

حسابداران مستقل

- فریدون کشانی
- فرامرز شایگان

سایر خدمات: طراحی سیستم، نرم افزار و مشاوره مالی و مالیاتی

تلفن: ۸۰۰۰۸۷۱

فاکس: ۸۰۱۲۳۱۵

نشانی: کارگر شمالی، ۴۴۶، طبقه دوم

صندوق پستی: ۱۴۳۹۵/۷۱۶

Email: keshani@systemgroup.net

موسسه حسابرسی آزمون سامانه

حسابداران مستقل:

- عبدالرضا (فرهاد) نوریخس
- علی اصغر نجفی مهري
- حسین قاسمی روچی

تلفن: ۷۵۳۷۹۴۴-۸۳۸۷۵۴

فاکس: ۷۵۲۷۴۵۸

نشانی: خیابان بهار شیراز تقاطع سپهرودی جنوبی شماره ۹۷ صندوق پستی:

۱۵۷۴۵/۱۴۹

میدان هفتم تیر - خیابان شهید مفتح شمالی - خیابان نوری اسفندیاری طبقه سوم پلاک ۳۸

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

ادیب

حسابدار مستقل:

- عبدالامیر میراب

تلفن: ۴۴۶۶۴۸۰

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، بین

جمهوری و جامی کوچه اردشیر ناظم

پلاک ۹ طبقه اول کدپستی ۱۱۳۸۶

Email: Mhadib@rahavard.net

امین نفت



شرکت خدمات مدیریت

(سهامی خاص)

حسابدار مستقل:

- امین محبویی

سایر خدمات:

● اداره امور سرمایه‌گذاری و سید سهام

● ارزیابی سهام

● مشاوره مالی و اقتصادی

تلفن: ۶۴۰۴۳۴۴-۶۴۹۷۸۰۱

فاکس: ۶۴۹۴۸۹۵

نشانی: تهران ۱۵۹۳۶ - خیابان طالقانی

شماره ۷۸

Email: Aminnaft@caspianet.com

ایران مشهود



موسسه حسابرسی و خدمات مالی و مدیریت

حسابداران مستقل:

- محمدرضا گلچین‌پور
- علیرضا عطوفی
- سیدعباس اسمعیل‌زاده پاکدامن

سایر خدمات: طراحی سیستم، ارزیابی سهام،

مشاوره مالی و مدیریت و

خدمات حسابداری

تلفن: ۴-۶۴۳۵۳۲۲۳

فاکس: ۹۲۱۰۴۸

نشانی: بلوار کشاورز ابتدای جمالزاده شمالی

بن‌بست سرو پلاک ۳۲۰ طبقه سوم

کدپستی ۱۴۱۹۶

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۴۸۹۹

۱۴

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

تفسیر

حسابدار مستقل:

● حمزه پاکنیا

تلفن: ۶۵۰۵۳۸۳-۹۸۸۸۰۲
فاکس: ۶۵۰۵۳۸۳
نشانی: خیابان ستارخان - انتهای خیابان نهم دریا، نو پلاک ۷۵ طبقه اول
صندوق پستی: ۱۴۵۶۵/۳۳۳

۱۱

موسسه حسابرسی بیات رایان

حسابداران مستقل:

● منوچهر بیات
● ابوالقاسم مرآتی
● عبدالحسین رهبری

سایر خدمات: طراحی سیستم (نرم افزار)، مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات حسابداری

تلفن: ۸۸۲۶۶۸۴
۸۳۰۷۹۲۸
فاکس: ۸۳۰۷۹۲۷
نشانی: خیابان کریمخان زند - ایران شهر شمالی - شماره ۲۲۷ - ط ۲
Email: bayatrayan@neda.net

۸

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

ایران یاور

حسابدار مستقل:

● ایرج نجفیان

تلفن: ۸۴۰۲۱۳۴
فاکس: ۸۴۲۸۲۰۶
نشانی: خیابان دکتر بهشتی - خیابان اندیشه اصلی پلاک ۵۲ طبقه دوم
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۱۱۶۱

۱۵

موسسه حسابرسی و خدمات مالی

چکاد حساب اندیشان

حسابدار مستقل:

● مهربان ریحانی

تلفن: ۲۰۶۴۲۹۰
تلفن همراه: ۰۹۱۱۲۰۰۷۹۶۹
نشانی: تهران - خیابان جهان آرا - خیابان ۲۹ پلاک ۳۹ طبقه همکف
صندوق پستی: ۱۴۳۹۵-۱۵۹

۹

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

بهراد مُشار

حسابداران مستقل:

● مهربان پروز
● فریده شیرازی
● بهروز ابراهیمی

سایر خدمات: طراحی سیستم، مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات حسابداری

تلفن: ۸۷۵۲۷۴۷-۹
فاکس: ۸۷۵۲۷۴۷
نشانی: خیابان دکتر بهشتی بین تقاطع سهوردی و میترا، پلاک ۱۷۴، طبقه سوم کدپستی ۱۵۷۷۹
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۵۵۱
Email: Behrad@systemgroup.net

۱۲

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

حسابداران مستقل:

● عباس اسرار حقیقی
● یدالله امیدواری

تلفن: ۸۸۲۹۷۶۱-۸۸۳۵۲۰۷
فاکس: ۸۸۳۱۶۸۱
نشانی: شمال میدان هفتم تیر، خیابان زیرک زاده، شماره ۲۲

۱۶

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت پتروشیمی حسام

حسابداران مستقل:

● رضا مستاجران
● غلامحسین دوانی
● علی امانی

سایر خدمات: خدمات مالی - مالیاتی و مدیریت، ارزیابی سهام، طراحی سیستم های اطلاعات مدیریت

تلفن: ۸۸۴۵۴۶۶-۸۸۴۵۴۶۳
فاکس: ۸۸۴۵۴۶۵
نشانی: خیابان کریمخان زند، ساختمان ۵۴، شماره ۱۷
صندوق پستی: ۱۵۷۴۵-۹۴۷
Email: Hessam@Dpir.com

۱۰

موسسه حسابرسی بهمند

حسابداران مستقل:

● عباس هشی
● اصغر هشی
● رضا آتش
● علی مشرقی آرانی

سایر خدمات: مشاوره مالی و مالیاتی، طراحی و تدوین نظام های مالی

تلفن: ۸۳۵۳۹۱-۳-۸۸۴۳۷۰۸-۱۰
فاکس: ۸۸۴۴۶۸۵
نشانی: تهران - قائم مقام فراهانی شماره ۱۳۰ - طبقه ۴
صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۳۷
E-mail: hb-ir-pwc@dpi.net.ir

۱۳

موسسه خدمات حسابداری و حسابرسی تدوینکو

حسابداران مستقل:

● احمد ثابت مظفری
● ابوالقاسم فخاریان
● جمشید فراروی

سایر خدمات: مشاوره مالی و مالیاتی و طراحی سیستم

تلفن: ۸۷۸۲۰۹۶-۸
فاکس: ۸۸۸۶۱۵۰
نشانی: خیابان ولیعصر، پانین تر از میدان ونک، پلاک ۱۳۷۹/۱
صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۳۱۴۹
Email: tadvinco@www.dci.co.ir

انجمن حسابداران خبره ایران

موسسه حسابرسی خبره

حسابداران مستقل:

- داود خمارلو
- نعمت‌اله علیخانی راد
- سیاوش سهیلی

سایر خدمات: طراحی سیستم- مشاوره

امور مالی

تلفن: ۸۸۰۴۵۱۹-۲۱-۸۹۰۲۳۱۶

فاکس: ۸۹۰۲۳۴۰

نشانی: خیابان ولیعصر- کوی پزشکپور

(شمال فروشگاه قدس) شماره ۲۳

کدپستی ۱۵۹۴۸

موسسه حسابرسی و خدمات مالی

پژوهندگان مستقل حساب

حسابدار مستقل:

- هوشنگ منوچهری

تلفن: ۸۹۰۲۹۹۹

فاکس: ۸۹۰۹۱۴۴

تلفن: ۸۹۰۸۸۳۷

نشانی: تهران خیابان استاد نجات‌الهی (ویلا)

خیابان اراک - پلاک ۶۲ طبقه دوم

واحد شماره ۴



موسسه حسابرسی

دش و همکاران

حسابداران مستقل:

- بهروز دارش
- سید حسین عرب‌زاده
- میلتن ایوان کریمیان

سایر خدمات: طراحی سیستم، مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات مالی

تلفن: ۹۲۱۳۳۹-۹۳۱۲۵۱

فاکس: ۶۴۲۹۹۷۱

نشانی: تهران- خیابان جمال‌زاده شمالی

بالا تر از بلوار کشاورز روبروی بانک

ملی شماره ۲۵۳

صندوق پستی: ۱۴۱۸۵/۴۸۷

رایمند (شرکت سهامی خاص)

حسابداران مستقل

- عباسعلی دهدشتی‌نژاد
- فریبرز امین
- همایون مشیرزاده

سایر خدمات مشاوره مالی و مالیاتی طرح و تدوین سیستمهای مالی، خدمات حسابداری

تلفن: ۸۹۰۹۷۱۸

فاکس: ۸۹۰۳۴۹۶

نشانی: خیابان زرتشت - شماره ۳۲

تهران ۱۴۱۵۸

Email: Rymand78@dpir.com

موسسه حسابرسی شراکت

حسابداران مستقل:

- سیروس گوهری
- مجیدکشورپژوه لنکرودی

سایر خدمات: طراحی سیستم، مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات حسابداری

تلفن: ۸۷۱۷۹۴۷-۸۷۴۵۳۴۹

فاکس: ۸۷۵۹۰۹۴

نشانی: خیابان قائم مقام فرامانی

بعد از تهران‌کلینیک، ساختمان ۲۱۶ -

طبقه چهارم، واحد ۳۵

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۶۶۶۶

موسسه حسابرسی شوقیان و همکاران

حسابدار مستقل:

- محمد شوقیان

سایر خدمات: طراحی سیستم (بهمراه نرم‌افزار مالی)، مشاوره مالی و مدیریت و خدمات حسابداری

تلفن: ۸۸۰۴۹۴۱ و ۲

فاکس: ۸۸۰۴۹۴۰

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از

فروشگاه قدس نرسیده به خیابان

فاطمی، خیابان شهید حمیدصدر پلاک

۳۸ طبقه سوم آپارتمان شماره ۱۰

شرکت حسابرسی و خدمات

مدیریت سپاهان قراز (سهامی خاص)

حسابدار مستقل:

- امیرحسین ابطی نائینی

سایر خدمات: مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات حسابداری

تلفن و فاکس: ۰۳۱)۶۸۷۶۰۰

نشانی: اصفهان، میدان آزادی، ابتدای

خیابان آزادگان، جنب بانک مسکن

شعبه سعادت‌آباد، شماره ۹، طبقه دوم

صندوق پستی: ۸۱۶۴۵/۷۳۴

موسسه حسابرسی طوس

حسابداران مستقل:

- محمدعلی شعبانی سبزه‌میدانی
- علی دهدشتی
- سیدمهدی سیدمهدی

سایر خدمات: خدمات حسابداری - اصلاح حساب

تلفن: ۶۷۰۴۴۲۵

فاکس: ۲۸۰۰۳۹۳

نشانی: خیابان انقلاب - چهارراه کالج

خیابان خاکی - پلاک ۱۲ - طبقه ۲

موسسه حسابرسی شاهدان

حسابدار مستقل:

- منصور شمس‌احمدی

تلفن و فاکس: ۸۳۰۹۱۰۰

نشانی: خردمند شمالی شماره ۱۳۵ طبقه

سوم

Email: Mansour sa@systemgroup.net

۲۶

موسسه حسابرسی و مشاوره

فردا پدید

حسابدار مستقل:
● حمیدرضا ارجمندی

سایر خدمات: حسابرسی عملیاتی (عملکرد مدیریت)، خدمات حسابداری، طراحی سیستم و مشاوره مدیریت

تلفن: ۸۸۹۰۱۲۰

فاکس: ۸۸۰۶۰۶۵

نشانی: میدان جهاد (دکتر فاطمی)، خیابان

کامران، پلاک ۱۷/۱، طبقه سوم، واحد

هفتم کدپستی ۱۴۱۵۸۹۵۳۹۸

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۵۴۴

E-Mail: Fardapadid@dpir.com

۲۷

موسسه حسابرسی مختار و همکاران

حسابداران مستقل
● نصراله مختار
● بهرام غیبی

سایر خدمات مشاوره مالی و مالیاتی طرح و تدوین سیستمهای مالی، خدمات حسابداری

تلفن: ۸۹۰۹۷۱۸

فاکس: ۸۹۰۳۴۹۶

نشانی: خیابان زرتشت - شماره ۳۲

تهران ۱۴۱۵۸

E-Mail: Rymand78@dpir.com

۲۸

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

دیلمی پور و همکاران

حسابدار مستقل
● مصطفی دیلمی پور

سایر خدمات مشاوره مالی و مالیاتی، طرح و اجرای سیستمهای مکانیزه مالی و اداری، مشاوره سرمایه گذاری و ارزیابی سهام

تلفن: ۲۰۴۹۴۹۷-۲۰۴۶۹۶۱

فاکس: ۲۰۱۷۵۰۲

نشانی: بزرگراه آفریقا - شماره ۲۳

مجمع اداری الهیه - واحد ۶۰۶

کدپستی ۱۹۶۶۷ تهران

E-Mail: mossi@tavana.net

۲۹

موسسه حسابرسی کاشفان

حسابداران مستقل:
● جعفر عوض پور
● رضا شمس زهرائی

سایر خدمات: مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات حسابداری

تلفن: ۸۸۳۵۲۱۳-۸۸۴۷۵۲۵

فاکس: ۸۸۲۷۵۵۶

نشانی: خیابان میرزای شیرازی - خیابان

کامکار - شماره ۲ کدپستی ۱۵۸۵۷

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵/۵۷۶۱

۳۰

موسسه حسابرسی کاربرد ارقام

حسابدار مستقل:
● رضا معظمی

تلفن: ۸۹۰۰۸۱۲-۸۸۹۹۸۰۴

فاکس: ۸۹۰۰۸۱۲

نشانی: خیابان ولی عصر بین زرتشت و

دکتر فاطمی شماره ۷۴۸ ساختمان

زندیه طبقه چهارم شماره ۱۷

صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۶۱۳

۳۱

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

ممیز

حسابداران مستقل:
● محمد نبی داهی
● حسین سیادت خو (موشانی)

تلفن: ۸۸۰۱۹۰۴

فاکس: ۸۸۰۲۷۵۵

نشانی: میدان ولی عصر - اول بلوار کشاورز

شماره ۳۵ - طبقه دوم - کدپستی

۱۳۳۱۵

۳۲

موسسه حسابرسی کاربرد بهره‌روشن

حسابدار مستقل:
● منصور میرزاخانی

تلفن: ۰۳۱-۶۱۵۴۷۴

نشانی: اصفهان - خیابان آپادانا دوم

کوی الفت، بن بست مهر شماره ۲۹

طبقه دوم

اصفهان - صندوق پستی ۸۱۶۵۵-۳۴۴

۳۳



همیار حساب

موسسه حسابرسی و خدمات مالی

حسابداران مستقل:
● نریمان شعریانی
● مسعود مبارک
● محمدمتقی سلیمان نیا

سایر خدمات: مشاوره مالی و مالیاتی، اصلاح حسابها و خدمات حسابداری

تلفن: ۸۰۶۳۲۷۴

فاکس: ۸۰۶۳۲۷۵

نشانی: خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی

نیش خیابان ۳۷ ساختمان شماره

۳۵۵ طبقه اول

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۱۶۴۳

۳۴

موسسه حسابرسی رهیافت حساب

تهران

حسابداران مستقل:
● عبدالجواد اسلامی
● فریدون ایزدینا
● محمدحسین توکلی
● محمدحسین زرین فکر
● هوشنگ غیبی

سایر خدمات: حسابرسی و ارائه خدمات مالی و سیستم

تلفن: ۸۹۷۷۶۷۲

فاکس: ۸۹۷۷۶۷۱

نشانی: تهران خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی

خیابان چهارم پلاک ۵

E-Mail: rahyafteh@yahoo.com

۳۵

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

بهروز آوران

حسابدار مستقل:
● حمید طبائنی زاده فشارکی

تلفن: ۸۲۱۹۰۹۹

فاکس: ۸۲۳۷۶۷۹

نشانی: صندوق پستی: ۱۴۵۱۵/۱۱۹۴

توجه

توجه

نشریه حسابدار "ارگان انجمن حسابداران خبره ایران" جهت عرضه و فروش انتشارات انجمن و به خصوص نشریه حسابدار از میان دانشجویان رشته حسابداری یا مدیریت کلیه دانشکده‌ها و مراکز آموزش غیرانتفاعی نماینده فروش و عضو رابط می‌پذیرد. علاقه‌مندان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری (به جز روزهای پنجشنبه) با تلفنهای ۸۸۹۳۹۶۷ (خانم ولی‌زاده) و ۸۹۰۲۹۲۶ (خانم کوهانی) تماس حاصل فرمایند.



برای نوارهای کاست و فیلمهای

ویدئویی سمینار

نیازهای بازار سرمایه و حرفه

حسابداری

(۱۳ و ۱۴ دی ماه ۱۳۷۹)

سفارش پذیرفته می‌شود.

تلفن: ۸۹۰۲۹۲۶

فاکس: ۸۸۹۹۷۲۲

مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران



دومین سمینار آموزشی ذیل را برگزار می‌نماید:

رهنمودهای حسابداری

(مصوب سازمان حسابرسی)

زمان برگزاری: ۷۹/۱۲/۳ لغایت ۷۹/۱۲/۴

علاقه‌مندان جهت کسب اطلاعات بیشتر و یا ثبت نام با تلفنهای

۸۳۰۰۹۸۱ و ۸۳۰۰۹۷۲ و ۸۸۲۱۳۶۱ و ۸۸۴۷۲۱۴ و ۱۶ - ۸۳۱۰۱۱۳

و دورنویس ۸۳۰۱۳۶۵ تماس حاصل فرمایند.

”... و اما واژگان چیزهایی هستند، قطراتی از جوهر، که همچو شبنم، فرو می‌غلطند بر روی اندیشه، و هزاران یا شاید میلیونها واژه را خلق می‌کنند، بیاندیش...”

لرد بایرن - مصنف دون ژوان

arm's length transaction

ریشه

پیشتر گفته شد که اصطلاح مذکور به معنی نوعی رابطه، با فاصله‌ای بیش از فاصله دست است. اما جنس این رابطه چیست؟ پاسخ به این سوال ما را به وادی جامعه‌شناسی می‌کشاند. ادوارد هال^۱، فرهنگ‌شناس آمریکایی، از فاصله بین ۲ اینچ، یک پا، ۳ پا و مانند اینها سخن می‌گوید. او یک طبقه‌بندی ۴ قسمتی از فاصله بین افراد در یک رابطه اجتماعی به دست می‌دهد. به زعم او “فاصله ویژه‌ای را که انسانها برای ایجاد رابطه انتخاب می‌کنند بستگی به تبادل یا دادوستد (transaction) آنها با دیگران دارد.”^۳

هال، روابط انسانی را به چهار دسته تقسیم می‌کند: (۱) دوستانه^۴، (۲) شخصی^۵، (۳) اجتماعی^۶ و (۴) عمومی^۷.

(۱) طول فاصله صمیمی بین صفر تا ۴۵ سانتیمتر است. این فاصله عموماً مخصوص همسران، والدین و فرزندان و روابط بسیار دوستانه است. در حد پایین-فاصله بین صفر تا ۱۵ سانتیمتر (به عبارتی کمتر از طول کف دست)- رابطه یا فاصله بسیار خصوصی و محرمانه است و طرفین نمی‌خواهند جز خود، دیگران در جریان آن قرار گیرند. در این فاصله کلام به نجوا و پیچ‌وپیچ تبدیل می‌شود. در حد بالا که فاصله آن بین ۱۵ تا ۴۵ سانتیمتر است درجه رابطه به محرمانه تبدیل می‌شود. کلام کماکان نجواکنان اما اندکی واضح‌تر و برای دیگران قابل درک است.

(۲) طول فاصله شخصی بین ۴۵ تا ۱۲۰ سانتیمتر است. این فاصله مناسب روابط درجه دوم خانوادگی و روابط نزدیک غیرخانوادگی و کم و بیش صمیمانه است. در حد پایین که فاصله بین ۴۵ تا ۷۵ سانتیمتر است. آهنگ کلام، ملایم و موضوعات ارتباطی، شخصی

واژه transaction در اصطلاح arm's length transaction

به معنی مبادله یا معامله می‌باشد و به رابطه بین دو یا چند طرف دلالت دارد. ترکیب نحوی arm's length بر یک نوع فاصله که فراتر از طول یک دست است دلالت می‌کند. بنابراین ترجمه تحت‌اللفظی اصطلاح مذکور عبارت است از: “معامله با فاصله دست”.

کدام ترجمه؟

معمولاً در زبان مبدا، اکثر اصطلاحات فنی دارای پیشینه تاریخی هستند و به همین لحاظ بی‌آنکه تغییری در آنها ایجاد شود در نوشته‌های تخصصی و فنی برای دلالت بر مفاهیم نوین به کار می‌روند. در فارسی نیز ما می‌توانیم به سابقه تاریخی یک اصطلاح در زبان مبدا وفادار بمانیم و آن را تحت‌اللفظی ترجمه کنیم مانند “معامله با فاصله دست” یا در آمد (در + آمد) که ترجمه income (in + come) است، و یا می‌توانیم آن را به لحاظ معنی‌شناسی ترجمه کنیم. شیوه دوم در نوشته‌های حسابداری از سابقه درخشانی برخوردار است. مثلاً مرحوم اسماعیل عرفانی واژه حسابرسی را به‌عنوان معادل audit برگزید.^۱ چنانچه او می‌خواست به لحاظ تاریخی audit را ترجمه کند می‌بایست به سراغ زبان لاتین می‌رفت. در زبان لاتین واژه audit (آودیت) معرف سوم شخص مفرد مضارع معلوم در وجه اخباری و به معنی او می‌شود است. در این بخش نگارنده درصدد است تا اصطلاح arm's length transaction را به لحاظ معنی‌شناسی برابرگذاری کند.

می‌دانیم که این فرض در مورد معاملات درون‌گروهی یا شرکتهای وابسته صدق نمی‌کند. زیرا معاملات اعضای گروه متاثر از ملاحظات مالیاتی و دیگر دلایل است. بدلیل امکان وقوع معاملات وابسته استانده‌گذاران حسابداری برای آن که خوانندگان صورتهای مالی از این حقیقت آگاهی یابند، استانده خاصی را برای افشای طرفهای وابسته تدوین کرده‌اند. در ایران نیز رهنمود حسابداری ۱۲، افشای اطلاعات در خصوص اشخاص وابسته^۸، به همین منظور تدوین شده است. اصطلاح *arm's length transaction* برای تاکید بر معاملات ناوابسته در مقابل معاملات وابسته نازل شده است.

فرهنگ حسابداری آکسفورد، اصطلاح مذکور را چنین تعریف می‌کند: "انجام معامله بین طرفهای ناوابسته، که هر یک می‌کوشد تا در جهت تامین منافع خود قیمتها را براساس ارزش منصفانه بازار پرداخت یا دریافت کند..."

از بحث قبلی و تعریف آکسفورد چنین برمی‌آید که اصطلاح مذکور متضادی برای اصطلاح *related party transaction* (معامله طرفهای وابسته) است. چنانچه در فارسی بخواهیم آن را به لحاظ معنی‌شناسی ترجمه کنیم می‌توانیم از راحتترین قاعده تضاد، یعنی منفی کردن اصطلاح اخیر استفاده کنیم: یعنی معاملات ناوابسته یا معاملات طرفهای ناوابسته.

متأسفانه تاکنون در ترجمه‌های فارسی به این نکته توجه نشده است و به همین لحاظ در هیچ یک از برابرهای انتخابی به ناوابستگی یا حتی معنی آن اشاره نشده‌است. مثلاً گروم‌اسمی بسیار طولانی و جمله‌وار معامله حقیقی و در شرایط عادی را در نظر بگیرید. حقیقت این است که این معادل نه به لحاظ تحت‌اللفظی و نه به لحاظ معنی‌شناسی ترجمه‌ای مناسب نیست. افزون بر این معاملات طرفهای وابسته نیز معاملاتی حقیقی و عادی هستند. به علاوه این معادل از حیثیت یک اصطلاح مانند، هزینه، معاملات طرفهای وابسته و دیگر اصطلاحات، برخوردار نیست و در اذهان نخواهند ماند.

expense

واژه‌ی هزینه یکی از شاهکارهای ماندگار فرهنگستان اول است که برای کلمه انگلیسی *expense* و کلمه عربی مخارج پذیرفته و تثبیت شده است. این واژه اساساً به گنجینه و سرمایه زبان پارسی باستان و میانه تعلق دارد که با تغییر آوایی به فارسی نوین راه یافته است. ممکن است پرسید که اگر هزینه معادلی مناسب است، پس این قال و مقال از برای چیست؟ متأسفانه اشکال در این است که بعد از دهه ۱۳۲۰ مترجمانی که با واژگان *Loss, Charge, Cost* و نظایر آنها آشنا شدند به حیثیت، اعتبار

است. در حد بالا - بین ۷۵ تا ۱۲۰ سانتیمتر - صدا نسبتاً ملایم و موضوعات نیز شخصی است.

۳) طول فاصله اجتماعی مناسب گفتگوهای مربوط به کسب و کار و نشستها و از ۱۲۰ تا ۳۶۰ سانتیمتر است. به این فاصله، فاصله روانشناختی نیز می‌گویند، تجاوز از این فاصله انسان را دچار اضطراب عمیق می‌کند. در حد پایین - فاصله بین ۱۲۰ تا ۲۸۰ سانتیمتر - صدا، رسا و اطلاعات، غیرشخصی است. در حد بالا - بین ۲۸۰ تا ۳۶۰ سانتیمتر - صدا، رسا با کمی بلندی و اطلاعات، عمومی و برای شنیدن دیگران است.

۴) و سرانجام، طول فاصله عمومی بیشترین فاصله‌ای است که انسانها در روابط بین خود آن را حفظ می‌کنند و اندازنه آن بین ۳۶۰ سانتیمتر و بیشتر است. در حد پایین - بین ۳/۶ تا ۷/۵ متر - صدا نسبتاً بلند و برای شنیدن گروهی و اطلاعات، عمومی و برای شنیدن دیگران است. در حد بالا - بین ۷/۵ متر و بیشتر - فاصله، عمومی و صدا در بلندترین حد و اطلاعات، عمومی و برای شنیدن دیگران است.

فواصل چهارگانه حال ناظر بر تمام روابط انسانی است. دو فاصله اول ناظر بر وابستگی و روابط غیررسمی است، دو فاصله دوم ناظر بر ناوابستگی و روابط رسمی است. با وجود این، هدف گزارشگری و حسابداری مالی، گزارش نوعی خاص از روابط انسانی، یا به عبارتی مبادلات و معاملات اقتصادی است. به همین لحاظ و با استتراض از جامعه‌شناسی، اصطلاح *related party transaction* (مبادله یا معامله طرفهای وابسته یا بنا بر سنت ترجمه معاملات اشخاص وابسته) برای دو فاصله صمیمی و شخصی یا به عبارتی فواصل وابستگی و غیررسمی و اصطلاح *arm's length transaction* برای معاملات با فواصل غیرصمیمی و غیرشخصی، یا به عبارتی فواصل غیررسمی و ناوابسته، به کار می‌رود. بنابراین به سیاق ترجمه‌ی اصطلاح اول برای اصطلاح دوم نیز می‌توان به جای تاکید بر فاصله از نوع رابطه که رسمیت و ناوابستگی است استفاده کرد.

در فرهنگ دنیای جدید و بیستر مدخل *arm's length transaction* به معانی با فاصله، غیردوستانه یا غیرخودمانی، نامحرم، گوشه‌گیر و نجوش آمده است. این معانی به وجهی دیگر بر ناوابستگی و رسمیت دلالت می‌کنند.

ترجمه

چنانچه به شان نزول *arm's length transaction* توجه کنیم بهتر می‌توانیم معادلی برای آن بیابیم. در تهیه گزارشهای مالی معمولاً فرض می‌شود که تمام معاملات با فاصله دست (*arm's length*) یا بدون وابستگی انجام شده‌اند. با این حال ما

expense	هزینه	↓ هزینه
cost	بها	
charge	شارژ	
loss	زیان	

حال چنانچه به رسم معمول در محور جانشینی فارسی به جای همه معادلها فقط هزینه بگذاریم، دیگر محوری به عنوان محور جانشینی نداریم و حریم اطمینان و حیثیت چهار مفهوم حسابداری که مدلول چهار واژه انگلیسی فوق هستند، خدشه‌دار می‌شود.

اصل دوم - اصطلاحات علمی و فنی نباید بر روی محور همنشینی قرار گیرند.

مفاهیم تخصصی علاوه بر این که باید در محور جانشینی قرار داشته باشند لازم است بر روی محور همنشینی قرار نگیرند. مفاهیم باید بواسطه واژگان هر یک خانه‌ای جداگانه را در مغز اشغال کنند، در غیر این صورت حوزه معنایی آنها با هم خلط می‌شود. علم رفتار چیز زیادی درباره behaviourism به ذهن ما اضافه نمی‌کند چون علم و رفتار هر یک از قبل خانه‌ای را در ذهن ما اشغال کرده‌اند. اما رفتارگرایی یک اصطلاح جدید است که پیش از این در ذهن ما خانه نداشته است. بدین صورت چیزی جدید به گنجینه ذهن ما اضافه می‌شود و ذهنیت ما تخصصی‌تر می‌شود. به عنوان مثال در رهنمودهای شماره ۱۱ و ۹ هر جا که در متن اصلی cost و charge در یک جمله یا بند با expense به کار رفته‌اند، دو واژه اول به عنوان هزینه و expense به عنوان هزینه جاری ترجمه شده‌است. "هزینه" در همنشینی با "جاری" نمی‌تواند حریم معنایی expense را از هزینه به عنوان معادل‌های cost یا charge جدا کند.

چنانچه در خلال بررسی زیر معلوم شود که هزینه بهترین معادل برای expense است، آنگاه با توجه به دو اصل فوق نباید آن را برای دیگر مفاهیم در محور جانشینی و همنشینی قرار داد.

سه دلیل

به سه دلیل زیر هزینه بهترین معادل برای expense است. اول، در فرهنگ عمید مدخل هزینه به معنی "خرج، مقابل دخل یا درآمد" آمده‌است. این معنی به تعبیری بر مفاهیم هزینه در چهار یا سه دهه گذشته در حسابداری دلالت می‌کند، مفاهیمی که ابتدای آنها بر رویکرد درآمد - هزینه قرار داشت. افزون بر این هنوز هم در اذهان بسیاری از حسابداران، بالاخص کارورزان، مفهوم هزینه این چنین تداعی می‌شود. تعریف فرهنگ عمید تلویحاً مفهوم Matching یا همزمانی را بواسطه استفاده از کلمه مقابل در خود دارد. می‌دانیم که درآمد ماوایی جز گزارش سود و

و حریم اطمینان هزینه لطمه وارد ساختند، تا آنجا که به مرور زمان حوزه معنایی آن استقلال و حریم ایمنی خود را از دست داد. آنها هزینه را به غلط برای واژگان مزبور برابر نهادند. در این قسمت نگارنده می‌کوشد تا از حیثیت و اعتبار هزینه پشتیبانی کند و حریم اطمینان آن را باز تولید کند.

دو اصل اصطلاح سازی

اصل اول: اصطلاحات علمی و فنی باید در محور جانشینی قرار گیرند.

زبان علم یا فن مانند زبانهای صوری ریاضی یا موسیقی باید به اصطلاحات هویت و حیثیت جداگانه بدهد. در ریاضیات تحلیلی نمی‌توان حرف X را به دو متغیر یا دو مفهوم متفاوت مانند expense و cost اطلاق کرد. چنانچه در یک رابطه ریاضی x هم به cost و هم به expense دلالت کند، مثلاً رابطه $X = 2 + 0.5x$ (که در آن x سمت چپ دلالت بر expense و X سمت راست دلالت بر cost می‌کند)، آنگاه درک روابط و مفاهیم بسیار مشکل خواهد شد. حال فرض کنید حرف X را مانند هزینه در حسابداری به پنج متغیر یا مفهوم نسبت دهیم که در آن صورت مشکل پنج چندان می‌شود. مثال دیگر، به دو بیتی زیر توجه کنید:

آن یکی شیر است اندر بادیه

وین یکی شیر است اندر بادیه

آن یکی شیر است کادم می‌خورد

وین یکی شیر است کادم می‌خورد

در این شعر شاعر با شیطنتی استحسان آمیز خوانندگرا با تعدادی سوال مبهم به حال خود رها می‌کند. آیا هر چهار شیر، شیر خوراکی است؟ ۲- آیا "شیرهای" مصرع‌های اول شیر خوراکی است و شیرهای مصرع دوم، شیر درنده است؟ آیا هر چهار شیر، شیر درنده است؟ می‌توان تعداد این سوالها را تا ۴^۲ سوال افزایش داد و باز هم بر وخامت مسئله دامن زد. برای بادیه نیز می‌توان ۲^۲ سوال طرح کرد. آیا هر دو بادیه به معنی بیابان و هامون است؟ آیا هر دو بادیه به معنی کاسه مسی است؟ و قص علی هذا.

اصطلاحات تخصصی زمانی که بر روی محور جانشینی نباشند مانند شعر فوق خواننده را دچار تعارض و تناقض می‌کنند. در این شعر واژه شیر و بادیه برای اطلاق به دو مفهوم به کار رفتند. حال ببینید چه بلایی بر سر ذهن خواننده متون حسابداری می‌آید وقتی در یک متن واژه هزینه برای اطلاق بر پنج مفهوم به کار می‌رود. در زیر چهار واژه انگلیسی و در مقابل چهار واژه فارسی وجود دارد که بر روی محور جانشینی قرار دارند:

تاریخی نیز هزینه معادل expense است.

و سوم، معتبرترین مفاهیمی که تاکنون برای expense عرضه شده عبارتند از:

۱) بنابه تعریف کمیته واژه‌شناسی AICPA، "expense به معنی عام در برگیرنده تمام بهایی (costs) است که منقضى شده‌اند و از درآمد قابل کسر می‌باشند..."^۹

۲) براساس تعریف هیات اصول حسابداری (ABP)، "expense، کاهشهای ناخالص در داراییها یا افزایشهای ناخالص در بدهیها هستند که از فعالیتهای سودگرای بنگاه‌نشانی می‌گیرند و در انطباق با اصول حسابداری پذیرفته شده عام بازشناسی یا اندلنه‌گیری می‌شوند..."^{۱۰} و

۳) برطبق تعریف هیئت استاندهای حسابداری مالی، "expense، جریانهای خروجی یا دیگر مصارف داراییها، یا تحمل بدهیها (یا ترکیبی از هر دو) هستند که در خلال یک دوره از محل تحویل یا تولید کالاها، ارائه خدمات یا انجام سایر فعالیتها ایجاد می‌شود و جز عملیات اصلی، محوری مستمر می‌باشند..."^{۱۱}

در تعریف اول صراحتاً expense با درآمد و در دو تعریف دیگر تلوياً بواسطه استفاده از اصطلاحات سودگرای و عملیات به درآمد مربوط می‌شود. افزون براین، تعریف اول یا تعریف ATB شماره ۴، بیانگر رویکرد درآمد - هزینه سنتی است. در تعریف دوم یا تعریف بیانیه شملیه ۴ APB، با این که رابطه بین expense و داراییهای ناخالص برجسته شده‌است، اما هنوز هم وفاداری به رویکرد درآمد - هزینه مشهور است. در این تعریف اندلنه‌گیری expense مبتنی بر قواعد رویکرد درآمد - هزینه است. اما تعریف سوم یا تعریف SFAC شماره ۶، بیانگر رویکرد دارایی - بدهی است. با وجود این، در عمل بازشناسی expense با درست آیینی رویکرد درآمد - هزینه قرین است و رسم بر این است که expense با درآمد بازشناسی شده در یک دوره همزمان شوند.

عصاره سه تعریف فوق عبارت است از: اول، expense با درآمد مربوط و بنا به تعریف عکس آن است. دوم، expense بیانگر cost (یا بهای) منقضى شده است، و بنابراین با cost (بها) تفاوت دارد، سوم، expense از عملیات اصلی نشأت می‌گیرد و به همین لحاظ با loss فرق دارد، و چهارم expense به جغرافیای گزارش سود و زیان تعلق دارد. بر این اساس معادل expense باید اولاً به لحاظ معنایی با درآمد متضاد باشد، که چراغ این معنی در واژه هزینه روشن است، که هزینه یا خارج شده متضاد معنی درآمد یا داخل شده است، و ثانیاً باید متفاوت از معانی معادلهای cost و loss (حتی charge) باشد.

زیان ندارد. و بنابراین تعریف آنچه که در مقابل درآمد قرار می‌گیرد به جغرافیای گزارش سود و زیان تعلق دارد. (در ادامه خواهیم دید که در زیان مبدا expense مفهومی است که مصادیق آن در گزارش سود و زیان تجلی می‌یابد).

دوم، فرهنگستان اول در بازم ۱۳۱۹ - ۱۳۱۴ برای تعداد زیادی از واژگان بیگانه، از جمله انگلیسی، فرانسوی، عربی، و غیره معادل یافت. کار فرهنگستان مبتنی بر اصول علمی واژه‌گزینی بود و به همین دلیل گنجینه‌ی عظیمی از واژگان فنی و عمومی را از خود به ارث گذاشت. خوشبختانه سهم الارث حسابداری بسنیاری پر بار است، اصطلاحاتی چون ترانزنامه، بدهکار، بستانکار، بها و هزینه از دستاوردهای فرهنگستان اول است. هزینه که امروز مفاهیم layout, loss, charge, cost, expense و نظایر آن هرازگله با آن بازنامایی می‌شوند، معادلی است که برای واژمانگلیسی expense و واژه عربی مخارج برگزیده‌شد. متأسفانه پس از آن به خاطر تعلق فرهنگستان دوم و نیز راحت‌طلبی مترجمان حسابداری هم واژه مخارج از نو زنده شد و هم واژه هزینه مدلولهای دیگری مانند cost, charge, loss یافت.

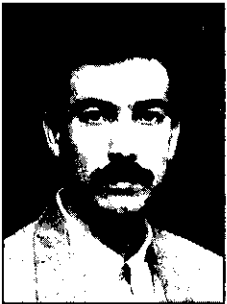
فرهنگستان اول، واژه هزینه را با جستجو در گنجینه بسیار غنی پارسی که زمانی بسیار زیبا بود یافت. هزینه (Hazine) صورت تغییر یافته واژه پهلوی اوزنگ (ozenag) است. این کلمه از سه جز ساخته شده است: ۱- جز اول یا oz یک پیشوند جهت‌ساز و به معنی بیرون یا به طرف بیرون است. در زبان فارسی باستان و فارسی میانه، که هر دو زبان تصریفی بودند، به مانند تمام زبانهای خانواده هند و اروپایی پیشوندهای جهت‌ساز بر سرستاک یا ماده فعلی می‌آمدند و جهت آن را به بالا، به بیرون، به پایین و غیره مشخص می‌کردند. oz دلالت بر جهت رو به بیرون دارد و دقیقاً معادلی برای ex لاتین یا انگلیسی است که به "pense" افزوده شده و expense را ساخته است، ۲- en صورت تغییر یافته ay (آی) به معنی بیا است و ۳- ag پسوند صفت‌ساز است. بنابراین ترجمه تحت‌اللفظی آن بیرون آمده، خارج شده یا مخارج است. این واژه در گذر از دوره میانه به دوره نوین، تغییرات آوایی را به خود دیدم‌است و به هزینه تبدیل شده‌است.

کلمه انگلیسی expense از فعل لاتین expendere مشتق شده است expendere خود واژه‌ی اشتقاقی از فعل pendere است که قبل از آن پیشوند جهت‌ساز ex (معادل oz فارسی میانه) افزوده شده‌است. pendere به معنی ارزش داشتن می‌باشد، بنابراین expendere به معنی خارج شدن ارزش یا همان مخارج است. شباهت تاریخی حاکم بر ساخت و معنای دو واژه expense و هزینه به هیچ روی تصادفی نیست، زیرا هر دو به دو زبان از خانواده زبانهای هند و اروپایی تعلق دارند. بنابراین به لحاظ



اخبار انجمن

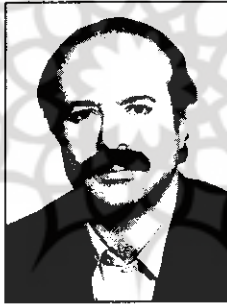
طبق اطلاع دبیرخانه انجمن، افراد زیر به عضویت انجمن پذیرفته شده‌اند:



۲۶۷۷ - محمد علی ریاحی
شرکت سهامی عام صنعتی
مینو



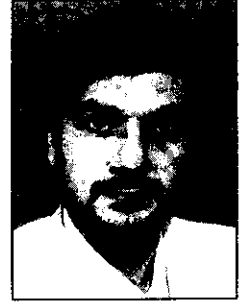
۲۶۷۶ - علی اصغر بهرامیان
شرکت عمران نرسا



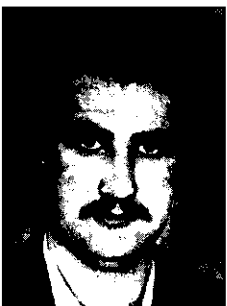
۲۶۷۵ - علیرضا باقری
قزوینی
شرکت نفت تهران



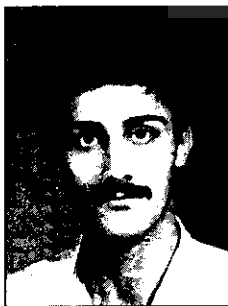
۲۶۷۳ - رضا نژادمحمد
باقری
شرکت مجتمع تولید گوشت
مرغ ماهان



۲۶۷۲ - مهدی غلامعلی
مجدآبادی
سازمان حسابرسی



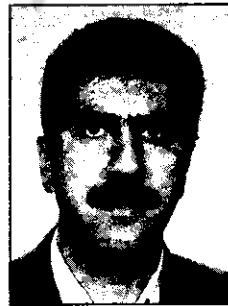
۲۶۸۲ - کمال الدین سیدین
اداره آگاهی تهران بزرگ



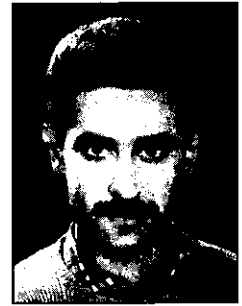
۲۶۸۱ - محمدرضا عربی
مزرعه شاهی
سازمان گسترش و نوسازی



۲۶۸۰ - عایشه جمال زهی
شرکت صنایع نساجی ایران



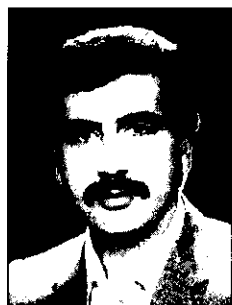
۲۶۷۹ - فرامرز قانون
موسسه حسابرسی
هوشمندیار



۲۶۷۸ - سعید خاریاند
شرکت خدمات مالی و
مشاوران مدیریت
راهبردارقام



حسابداران مستقل جدید



عبداله شفاعت قراملکی
موسسه حسابرسی حقایق

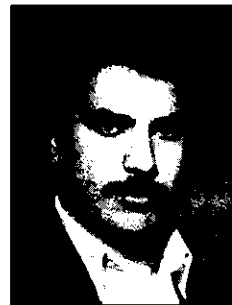


فیروز عربزاده
موسسه حسابداری و
حسابرسی خبره تبریز

پیوستن عضو قدیمی به انجمن



عباس حسینی فرزین



۲۶۸۳- جمال عادلزاده
شرکت قدس نیرو



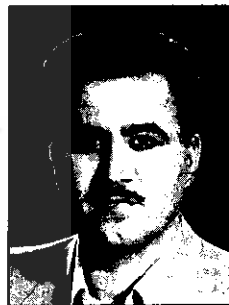
۲۶۸۸- مستانه رضایی
آموزش و پرورش منطقه ۱



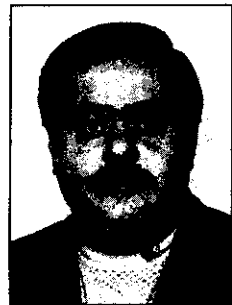
۲۶۸۷- جعفر رحمتی نیا



۲۶۸۶- صغری شهراسی



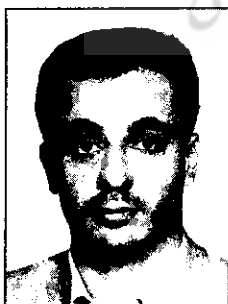
۲۶۸۵- هوشنگ علیزاده
موسسه حسابرسی ماریشن



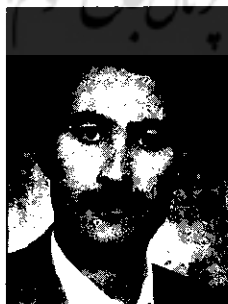
۲۶۸۴- هوشنگ تسلیمی
سازمان حسابرسی



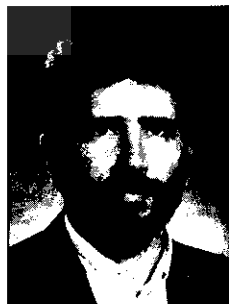
۲۶۹۳- فرهاد نمسه چی
شرکت توسعه صنایع بهشهر



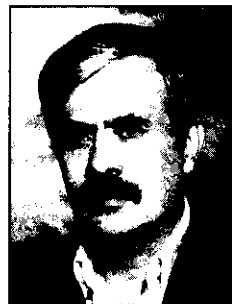
۲۶۹۲- علی اسماعیلزاده
مقری
دانشگاه آزاد اسلامی- واحد
علوم و تحقیقات



۲۶۹۱- محمدرضا نوری
وزارت امور اقتصادی و
دارایی
اداره کل مالیات بر شرکتهای



۲۶۹۰- محمد کبریتی
شرکت ساپکو



۲۶۸۹- علی اکبر طبایح
شعبانی
شرکت صنایع نساجی خامنه

حسابداران مستقل

حسابداران مستقل آن گروه از اعضای انجمن می باشند که از نظر انجمن صلاحیت انجام کار حسابرسی دارند. این فهرست به ترتیب حروف الفبا تهیه شده و تقدم و تاخر اسامی به این علت است.

ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن	محل کار
۳۵	دکتر یحیی حساس یگانه	۸۷۹۶۴۵۹	حسابرسی یگانه و همکاران
۳۶	ولی حسینی طالقانی	۸۸۰۱۹۰۴	حسابرسی ممیز
۳۷	کریم حسین آبادی	۸۸۴۸۲۶۲	حسابرسی بیات رایان
۳۸	حسن حیاط شاهی	۲۳۷۸۷۶۴	حسابرسی رمز
۳۹	بهرز خالقی ویردی	۹۳۱۲۵۱	حسابرسی دش و همکاران
۴۰	اصغر خرمی دیزجی	۸۴۵۴۳۸	حسابرسی تدبیر نوین
۴۱	علی اصغر خلیفی	۴۴۱۹۶۶۰	حسابرسی و خدمات مدیریت مجربان پویا
۴۲	داود خمارلو	۸۹۰۲۳۱۶	حسابرسی خبره
۴۳	بهرز دارش	۹۳۱۲۵۱	حسابرسی دش و همکاران
۴۴	محمد نبی داهی	۸۸۰۱۹۰۴	حسابرسی ممیز
۴۵	غلامحسین دوانی	۸۸۴۵۴۶۶	حسابرسی و خدمات مدیریت حسام
۴۶	علی دهدشتی	۶۷۰۴۴۲۵	حسابرسی طوس
۴۷	غلامحسین دهدشتی اخوان	۲۲۸۰۷۱	حسابرسی دهدشتی و همکاران (اهواز)
۴۸	عباسعلی دهدشتی نژاد	۸۹۰۹۷۱۸	خدمات مدیریت و حسابرسی رایبند
۴۹	مصطفی دیلمی پور	۲۰۴۶۹۶۱	حسابرسی و مدیریت دیلمی پور و همکاران
۵۰	محمدعلی رادمان	۸۰۳۰۶۴۵	حسابرسی نمودگر
۵۱	سیروس رحمانی	۸۷۸۳۳۲۳	حسابرسی سیروس
۵۲	مرتضی رحمانی یگانه	۸۴۲۵۲۰۹	حسابرسی تعدیل حساب
۵۳	حسین رضائی ۱۲۳۰۸۸۲		حسابرسی رضائی و همکاران
۵۴	عبدالحسین رهبری	۸۳۰۷۹۲۸	حسابرسی بیات رایان
۵۵	مهربان ریحانی	۲۰۶۴۲۹۰	حسابرسی و خدمات مالی چکاد حساب اندیشان
۵۶	محمدحسن زرین فکر	۸۹۷۷۶۷۲	حسابرسی رهیافت حساب تهران
۵۷	منوچهر زندی	۸۷۲۱۲۶۹	حسابرسی و بهبود سیستمهای مدیریت
۵۸	محمد تقی سلیمان نیا	۸۰۳۲۲۷۴	حسابرسی و خدمات مالی همیار حساب
۵۹	سیاوش سهیلی	۸۹۰۲۳۱۶	حسابرسی خبره
۶۰	سید مهدی سید مهدی	۶۷۰۴۴۲۵	حسابرسی طوس
۶۱	فرامرز شایگان	۸۰۱۲۳۱۵	حسابرسی آزمون
۶۲	محمدعلی شعبانی سبزه میدان	۶۷۰۴۴۲۵	حسابرسی طوس
۶۳	نریمان شهربانی	۸۰۶۲۲۷۴	حسابرسی و خدمات مالی همیار حساب
۶۴	عبداله شفاعت قراملکی	۵۵۵۳۰۷۰	موسسه حسابرسی حقایق - تبریز
۶۵	تیرانداز شکبیا	۷۸۰۲۰۴۴	حسابرسی هزینه یاب
۶۶	منصور شمس احمدی	۸۳۰۹۱۰۰	حسابرسی شاهدان
۶۷	رضا شمس زهرایی	۸۸۴۷۵۲۵	حسابرسی کاشفان
۶۸	محمد شوقیان	۸۸۰۴۹۴۱	حسابرسی شوقیان و همکاران
۶۹	اردشیر شهیندیان	۸۸۹۹۷۷۲	حسابرسی شهیندیان و همکاران
۷۰	فرزاد شهداد فرد	۸۳۰۵۳۹۱	حسابرسی بهمند
۷۱	محمود شهشپانی پور	۸۹۰۹۷۱۸	خدمات مدیریت و حسابرسی رایبند
۷۲	امیر شهلانی مقدم	۸۹۰۳۹۴۹	حسابرسی و خدمات مدیریت آراه
۷۳	فریده شیرازی	۸۷۵۲۷۴۸	حسابرسی بهراد مشار
۷۴	پرویز صادقی	۸۸۹۲۰۳۶	حسابرسی قراز مشاور
۷۵	حسن صالح آبادی	۸۸۲۵۳۶۵	حسابرسی اصول پایه
۷۶	سعید صدرائی نوری	۲۲۲۰۰۶۹	حسابرسی صدرالعباس
۷۷	حمید طباطبائی زاده فشارکی	۸۲۱۹۰۹۹	حسابرسی بهروز آوران
۷۸	اصغر ظهوری	۸۹۰۳۹۰۰	حسابرسی آگاهان و همکاران
۷۹	سیدحسین عربزاده	۹۳۱۲۵۱	حسابرسی دش و همکاران
۸۰	فیروز عربزاده	۳۳۱۲۷۷۸	حسابداری و حسابرسی خبره تبریز

ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن	محل کار
۱	سورن آبتوس	۸۳۰۲۳۱۶	حسابرسی نواندیشان
۲	رضا آتش	۸۳۰۵۳۹۱	حسابرسی بهمند
۳	محمد رضا آرون	۸۷۹۸۲۴۸	شرکت تدبیر نظام گستر
۴	مهرداد آل علی	۸۷۳۰۵۴۳	حسابرسی آزمونگان
۵	پورو آواکیانس	۲۰۱۴۱۹۲	حسابرسی پیش آگاه
۶	بهرز ابراهیمی	۸۷۵۲۷۴۹	حسابرسی بهراد مشار
۷	امیرحسین ابطی نائینی	۶۸۷۶۰۰	سپاهان تراز - اصفهان
۸	حمیدرضا ارجمندی	۸۸۹۰۱۲۰	حسابرسی و مشاوره فردا پدید
۹	عباس اسرارحقیقی	۸۸۲۹۷۶۱	حسابرسی بیداران
۱۰	عبدالجواد اسلامی	۸۹۷۷۶۷۲	حسابرسی رهیافت حساب تهران
۱۱	حسن اسمانی	۸۷۲۱۲۶۹	حسابرسی و بهبود سیستمهای مدیریت
۱۲	سیدعباس اسماعیل زاده پاکدامن	۶۴۳۵۲۳۳	موسسه حسابرسی ایران مشهود
۱۳	بهزاد افشار	۸۹۰۱۲۴۶	حسابرسی آگاهان و همکاران
۱۴	علی امانی	۸۸۴۵۴۶۶	حسابرسی و خدمات مدیریت حسام
۱۵	یداله امیدواری	۸۸۲۹۷۶۱	حسابرسی بیداران
۱۶	فریبرز امین	۸۹۰۹۷۱۸	خدمات مدیریت و حسابرسی رایبند
۱۷	فریدون آیزدینا	۸۹۷۷۶۷۲	حسابرسی رهیافت حساب تهران
۱۸	نریمان ایلخانی	۸۹۰۰۵۲۸	شرکت راهبرد آرام
۱۹	میلتن ایوان کریعیان	۹۳۱۲۵۱	حسابرسی دش و همکاران
۲۰	سیدمحمد بزرگ زاده	۸۶۷۶۲۸	حسابرسی شهرپور
۲۱	راضیه بهروزوی	۸۸۰۲۹۳۲	حسابرسی و خدمات مدیریت آراه
۲۲	اصغر بهنیا	۶۲۱۳۴۵	حسابرسی امجد
۲۳	منوچهر بیات	۸۳۰۷۹۲۸	حسابرسی بیات رایان
۲۴	حمزه پاک نیا	۹۷۵۳۸۳	حسابرسی تفسیر
۲۵	مهربان پروز	۸۷۵۲۷۴۷	حسابرسی بهراد مشار
۲۶	سعید تاج بخش	۲۴۱۰۰۵۳	حسابرسی واگردان
۲۷	عبدالحسین تجلی	۸۹۰۹۷۹۳	حسابرسی نیک روشن
۲۸	حسن تنگ عیش	۸۰۲۲۴۴۷	حسابرسی و خدمات مدیریت تدوین روش
۲۹	محمدحسین توکلی	۸۹۷۷۶۷۲	حسابرسی رهیافت حساب تهران
۳۰	احمد ثابت مظفری	۸۸۸۴۶۶۱	حسابرسی تدوینگو
۳۱	محمد جم	۸۹۰۱۲۴۶	حسابرسی آگاهان و همکاران
۳۲	سعید جمشیدی فرد	۸۰۰۱۰۸۶	حسابرسی روشنگران
۳۳	مجتبی جواهرنشان	۸۳۶۷۹۱۲	حسابرسی پردازش
۳۴	مصطفی جهانبانی	۸۰۸۸۳۸	حسابرسی و خدمات مدیریت رهیافت مشهد



ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن	محل کار
۸۱	علیرضا عطفی	۶۴۳۵۳۲۴	حسابرسی ایران مشهود
۸۲	سید داود علوی	۸۹۶۸۵۳۲	حسابرسی پارس
۸۳	نعمت‌الله علیخانی‌راد	۸۹۰۲۳۱۶	حسابرسی خبره
۸۴	جعفر عوض‌پور	۸۸۲۷۵۵۶	حسابرسی کاشفان
۸۵	دکتر بهرام غیانی	۸۹۰۹۷۱۸	حسابرسی مختار و همکاران
۸۶	هوشنگ غیبی	۸۹۷۷۶۷۲	حسابرسی رهیافت حساب تهران
۸۷	ابوالقاسم فخاریان	۸۷۷۸۵۵۹	حسابرسی تدوینکو
۸۸	جمشید فراروی	۸۷۸۲۰۹۶	حسابرسی تدوینکو
۸۹	فرهاد فرزاد	۸۷۳۰۵۴۳	حسابرسی آرمودگان
۹۰	فرهاد فرهمندیروجنی	۸۸۲۴۸۸۷	حسابرسی نوگا
۹۱	بهزاد فیضی	۸۹۰۱۲۴۶	حسابرسی آگاهان و همکاران
۹۲	حسین قاسمی‌روچی	۸۳۰۸۷۵۴	حسابرسی آزمون سامانه
۹۳	رضا قندی	۸۰۲۲۹۶۹	حسابرسی وثیق
۹۴	حسین کاموسی	۸۹۰۰۵۲۸	حسابرسی فراز مشاور
۹۵	علیرضا کریمی‌طار	۸۳۰۲۷۱۶	حسابرسی بهداوران
۹۶	فریدون کشانی	۸۰۰۰۸۷۱	حسابرسی آزمون
۹۷	مجید کشوریزوه‌نگرودی	۸۷۴۵۳۴۹	حسابرسی شراکت
۹۸	محمد رضا گلچین‌پور	۶۴۳۵۳۲۳	حسابرسی ایران مشهود
۹۹	چواد گوه‌زاد	۸۷۵۶۰۱۳	حسابرسی نمودار
۱۰۰	سیروس گوهری	۸۷۴۵۳۴۹	حسابرسی شراکت
۱۰۱	مسعود مبارک	۸۰۶۳۲۷۴	حسابرسی و خدمات مالی همیارحساب
۱۰۲	امین محبوبی	۶۱۵۳۳۷۱	شرکت خدمات مدیریت امین نفت
۱۰۳	عبدالمجید محلاتی‌کاظمینی	۸۷۴۱۱۷۹	حسابرسی محلاتی و همکاران
۱۰۴	نادر محمدپور	۹۸۷۶۵۴	حسابرسی نادر
۱۰۵	ناصر محمودزاده‌احمدی‌نژاد	۸۷۹۵۰۸۳	حسابرسی صندوق بازتستستی
۱۰۶	نصرت‌الله مختار	۸۹۰۳۴۹۶	حسابرسی مختار و همکاران

حسابرسی و خدمات مالی

ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن	ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن
۱	مرتضی احمدی‌شیرازی	۸۰۰۶۶۶۳	۸	قدرت‌الله‌گکذر	۸۷۰۲۰۲۵
۲	هرمز ایزدگن‌سب	۸۷۳۷۳۰۶	۹	علی صحرانی	۸۲۶۷۹۱۲
۳	سید محسن حجازی	۲۰۴۴۰۰۵	۱۰	قاسم ضرعانی	۲۷۱۵۰۹۹
۴	مرتضی حجازی	۸۷۷۸۸۱۱	۱۱	محمد باقر محمدی	۸۸۸۶۲۲۸
۵	حسن خدائی	۸۷۷۸۸۱۱	۱۲	رسول محمدی‌سالک	۶۴۰۷۶۳۷
۶	اصغر خرازی	۶۳۴۶۸۱	۱۳	شیرین مشیرفاطمی	۸۰۷۷۱۶۰
۷	حسین خطیبیان	۸۷۷۴۲۲۵			

حسابداری

ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن	ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن
۱	جعفر باقری	۲۴۱۷۹۵	۸	علی صحرانی	—
۲	مصطفی جان‌نثاری	۳۶۶۷۳۵	۹	محمد صفری‌کوپایی	۸۷۲۶۳۰۴
۳	هوشنگ خستونی	۸۷۲۶۳۱۹	۱۰	محمد تقی منصورری‌راد	۸۷۲۶۳۰۷
۴	محمد حسن سعادتیان	۸۷۲۳۲۲۰	۱۱	محمد میرآفتابزاده	۸۷۲۶۱۰۹
۵	احد شله‌چی	۸۷۲۶۱۱۰	۱۲	منوچهر نصرافصهانی	۶۷۸۳۳۴
۶	سیروس شمس	۸۷۱۳۷۹۰	۱۳	اسدالله نیلی‌افصهانی	۸۷۲۶۳۰۵
۷	غلامرضا صرام	۸۷۱۳۷۹۰	۱۴	میرمجید وکیل‌زادیان	۸۷۲۶۳۰۸

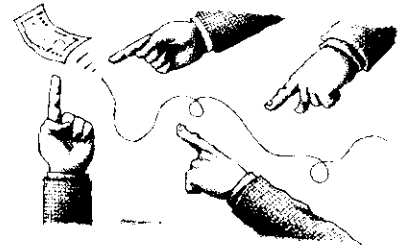
ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن	محل کار
۱۰۷	ابوالقاسم مرآئی	۸۸۲۶۶۸۴	حسابرسی بیات‌رایان
۱۰۸	رضا مستاجران	۸۸۴۵۴۶۶	حسابرسی و خدمات مدیریت حسام
۱۰۹	علیرضا مستغائی	۶۱۳۸۵۳	حسابرسی کاربرد تحقیق - اصفهان
۱۱۰	علی مشرفی‌آرانی	۸۳۰۵۳۹۲	حسابرسی بهمند
۱۱۱	همایون مشیرزاده	۸۹۰۳۴۹۶	خدمات مدیریت و حسابرسی رایمند
۱۱۲	زهرا مطلب‌زاده	۸۷۴۲۵۹۱	حسابرسی مطلب‌زاده
۱۱۳	رضا معظمی	۸۹۰۰۸۱۲	حسابرسی کاربرد ارقام
۱۱۴	اکبر منفرد	۲۰۵۴۳۷۴	حسابرسی منفرد و همکاران
۱۱۵	هوشنگ منوچهری	۸۹۰۲۹۹۹	حسابرسی پژوهندگان مستقل حساب
۱۱۶	ابراهیم موسوی	۸۸۲۵۳۱۵	حسابرسی اصول پایه
۱۱۷	حسین موشانی	۸۸۰۱۹۰۴	حسابرسی ممیز
۱۱۸	عبدالمیر میرآب	۶۴۶۶۴۸۰	حسابرسی ادیب
۱۱۹	پرویز میرآرمندهی	۸۸۰۲۵۱۹	حسابرسی خبره
۱۲۰	منصور میرزاخانی‌نافچی	۶۱۵۴۷۴	حسابرسی کاربرد بهره‌روش
۱۲۱	حمید ناموری	۸۹۰۲۳۳۴	حسابرسی آگاهان و همکاران
۱۲۲	ایرج نجفیان	۸۴۲۸۲۰۶	حسابرسی ایران‌یاور
۱۲۳	علی‌اصغر نجفی‌مهری	۸۳۰۸۷۵۴	حسابرسی آزمون سامانه
۱۲۴	عبدالرضانوربخش	۷۵۳۷۹۴۴	حسابرسی آزمون سامانه
۱۲۵	محمدحسین واحدی	۶۲۱۳۴۵۵	حسابرسی امجد (اصفهان)
۱۲۶	محمود واحدی	۹۳۱۲۵۱	حسابرسی دشن و همکاران
۱۲۷	اکبر وقارکاشانی	۴۴۱۹۶۶۰	حسابرسی و خدمات مدیریت مجریان پویا
۱۲۸	علی‌هاشم نژادشیرازی	۸۰۶۳۲۷۴	حسابرسی و خدمات مالی همیارحساب
۱۲۹	اصغر هشی	۸۳۰۵۳۹۱	حسابرسی بهمند
۱۳۰	عباس هشی	۸۳۰۰۷۸۴	حسابرسی بهمند
۱۳۱	کارو هوانسیان‌فر	۸۳۰۲۳۱۶	حسابرسی نوآندیشان
۱۳۲	قاسم یاقتی	۷۵۲۳۶۷۸	حسابرسی همگامان کیش

حسابداری

ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن	محل کار
۱	ایرج پورحسین‌اکبریه	۸۹۰۳۱۹۰	وزارت صنایع
۲	خسرو پورمعمار	۸۰۳۰۶۴۴	کارگزاری پارس نمودگر
۳	حسین حریری	۸۸۹۹۸۱۸	شرکت ماشین‌آلات صنایع نفت
۴	امیرعلی خانخلیلی	۸۲۶۷۹۱۲	کارگزاری خبرگان سهام
۵	اسیک دراستپانیانس	۸۸۴۴۷۰۳	—
۶	غلامرضا سلامی	۶۴۳۵۱۵۵	شرکت کشت و صنعت دشت زر
۷	سیامک شهریاری	۸۷۵۱۹۰۹	شرکت آرات
۸	شهرام شهیری	۶۷۱۷۲۱۷	شرکت سهم آشنا
۹	احمد عبائی‌کوپائی	۸۰۸۵۹۴۹	شرکت سرمایه‌گذاری آینده‌نگر
۱۰	خسرو فخیم‌هاشمی	۶۷۲۰۲۳۶	شرکت شیشه همدان
۱۱	محمود قدس	—	—
۱۲	محمدابراهیم قربانی‌فرید	۷۵۰۸۴۶۳	شرکت کارگزاری سهام پیروان شایان
۱۳	بهرام کلاترپور	۸۷۱۴۵۶۸	شرکت توسعه صنایع بهشهر
۱۴	پرویز گلستانی	۸۷۱۳۷۰۱	شرکت سرمایه‌گذاری گروه صنعتی رنا
۱۵	علی مستاجران	۸۸۴۵۴۶۶	—
۱۶	واقناک مسیحی‌شاه‌نظریان	۸۹۰۱۲۷۷	بانک تجارت
۱۷	مجید میراسکندری	۶۴۳۵۳۹۳	شرکت سرمایه‌گذاری آینده‌نگر
۱۸	حمیدرضا تقی‌زاده	۲۰۴۳۰۰۸	سازمان مدیریت صنعتی - بخش مشاوره
۱۹	ایرج نیک‌نژاد	۶۴۶۳۳۹۵	شرکت یزدباف
۲۰	فریدون وحدتی‌نیکزاد	۸۸۳۳۸۵۵	وزارت صنایع شرکت احداث صنعت
۲۱	بهرروز وقتی	۲۶۷۲۲۳۲	شرکت سرمایه‌گذاری نوید

ادامه از صفحه ۶

موانع مقرراتی بازار سرمایه



بورس کالاهایی نظیر سیمان، قند و شکر، روغن نباتی، مواد شوینده، دارو و لوازم خانگی تولید می‌کنند که طی سالهای گذشته همگی به نحوی مشمول نرخ‌گذاری بوده‌اند، از این رو در صورت عدم دقت در این نرخ‌گذاری عایدی هر سهم کاهش یافته و در نتیجه بازار سهام فاقد کشش لازم شده است. در بعضی از سالها عایدی هر سهم اکثریت شرکتها از سود اوراق مشارکت (بدون ریسک و با درجه نقدشوندگی بالا) کمتر بوده ضمن اینکه همین حداقل سود به دلیل نبود نقدینگی در بسیاری از موارد پرداخت نشده و صرف افزایش سرمایه مکرر گردیده است.

از سوی دیگر کاستن از نقدینگی کل از طریق محدود ساختن سقف اعطای تسهیلات بانکی به شرکتها بیشترین فشار خود را به شرکتهای تولیدی وارد ساخته است، تا حدی که این شرکتها برای خرید مواد اولیه یا استفاده از ارز تخصیصی خود با مشکلات جدی روبه‌رو هستند و با توجه به از بین رفتن تناسب بین سرمایه و منابع استقراضی پرداخت سود هر سال مشکل‌تر شده و به‌ناچار شرکتها برای نگهداشت وضعیت نقدینگی خود اقدام به افزایش سرمایه می‌کنند تا مشکل را به سالهای بعد منتقل سازند.

خوشبختانه در دو سال اخیر در اجرای سیاستهای دولت جدید سیاستهای قیمت‌گذاری تعدیل شده و در بعضی موارد منتفی شده است، از این رو بخصوص در شرکتهای پتروشیمی، دارویی، کارخانجات قند و تولید سیمان شاهد افزایش ناگهانی سود و در نتیجه افزایش قیمت سهام این شرکتها گاه تا ۳۰۰ درصد طی سال گذشته بوده‌ایم. امید است که این افراط منجر به یک تفریط آتی نشود و باز هم شاهد سقوط دوباره شاخص سهام نباشیم.

● مقررات انعطاف‌ناپذیر مربوط به نرخها و روشهای استهلاک و هزینه‌های قابل قبول.
● عدم امکان تجدید ارزیابی داراییها به دلیل مالیات از داراییهای تجدید ارزیابی شده که این موضوع باعث ارائه صورتهای مالی گمراه‌کننده در شرایط تورمی موجود شده است.
● مالیات بر اندوخته صرف سهام به نحوی که موجب شده است منابع جدید ناشی از افزایش سرمایه به‌جای حرکت به سوی شرکتها، به جیب سهامداران رفته و در نهایت از بازار زیرزمینی سر درآورد.

● دریافت مالیات سود سهام اشخاص حقوقی شامل شرکتهای سرمایه‌گذار از شرکتهای سرمایه‌پذیر که موجب مطالبات هنگفت این شرکتها (شرکتها سرمایه‌گذار) از وزارت امور اقتصادی و دارایی و در نتیجه مشکلات نقدینگی برای آنها شده است.

● مالیات سنگین بر نقل و انتقال سهام و سهم‌الشرکه شرکتها خارج از بورس که باعث می‌شود میل به سرمایه‌گذاری در شرکتها روز به روز کمتر شود و سرمایه‌های قابل جذب به شرکتها تولیدی نیازمند سرمایه به‌طرف این شرکتها جریان نیابد و بازار سهام خارج از بورس OTC شکل نگرفته و سرمایه‌های عظیم شرکتها سرمایه‌گذاری که می‌توانست در هنگام اجرای سیاستهای پولی انقباضی و محدودیت تسهیلات بانکی منبع مناسبی برای شرکتها در حال احتضار باشد، بی‌مصرف بماند یا در راههای ناسالمی به کار افتد.

خوشبختانه در اصلاحیه قانون مالیاتهای مستقیم به غیر از موارد مندرج در بندهای ۱۳ و ۱۴ بالا برای بقیه موارد اصلاحاتی پیشنهاد شده که با کمی تعدیل و اصلاح می‌تواند مشکلات فوق را برطرف سازد.

مقررات مربوط به مقابله با تورم از آنجا که اکثر شرکتها پذیرفته شده در

شده است و شرکتها پذیرفته شده در بورس از پرداخت ۱۰ درصد مالیات شرکت معاف شده‌اند و ۱۵ درصد از درآمد مشمول مالیات سهامداران جزء (زیر ۵ درصد) از معافیت مالیاتی برخوردارند، با وجود این به دلیل نارسایی کلی قانون مالیاتها، نظام مالیاتی در مجموع مهمترین مانع بر سر راه گسترش بازار سرمایه به‌شمار می‌رود. از جمله موارد مشکل نظام مالیاتی را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود.

● نرخ بالا و نامتناسب ماده ۱۳۱ (مازاد ۵۰ میلیون ریال درآمد در سال به‌نرخ ۴۵ تا ۵۴ درصد).

● عدم امکان تعدیل نرخهای مالیاتی متناسب با تورم سالانه.

● اخذ مالیات از سهامداران در مبداء.

● شمول مالیات سنگین (نرخهای ماده ۱۳۱) بر اندوخته.

● پیچیدگی و در مواردی غیرقابل اجرا بودن ماده ۱۰۵ (مالیات اشخاص حقوقی).

● مغایرت قانون مالیاتها با قانون تجارت و سایر الزامات قانونی در برخی موارد.

● مقررات عقب‌مانده مربوط به پلمپ و تحریر دفاتر در عصر تجارت الکترونیک.

● عدم پیش‌بینی امکان استفاده از گزارش حسابرسان مستقل برای تشخیص درآمد مشمول مالیات.

● مالیات بر سود و اندوخته‌های انتقال‌پذیر به سرمایه شرکت به نحوی که شرکتها ترغیب می‌شوند به‌جای استحکام بنیه مالی شرکت و توسعه آن به تقسیم سود مبادرت کنند.